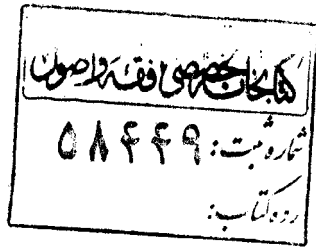


به نام

بخشنده مهربان



بسمه تعالی

فتاوی نقل شده در کتاب مورد تأیید است.





سازندگان، تعمیرکاران
فروشنده‌گان و استفاده کنندگان

طلا و جواهر



عنوان و نام پدیدآور: طلا فروشان و زرگران (آداب و احکام اصناف)
تالیف جمعی از پژوهشگران پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام؛ گردآورنده علی اصغر راد حسینی.
مشخصات نشر: تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۹.
فروست: آداب و احکام اصناف مطابق فتاوی مقام معظم رهبری علیه السلام.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۷۹۷-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیبا - ۱۷۶ ص.
موضوع: کسب و کار (فقه)

موضوع: * Business (Islamic law)

موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه

موضوع: Islamic law, Ja'fari -- Handbooks, manuals, etc*

موضوع: معاملات (فقه)

موضوع: * Transactions (Islamic law)

موضوع: طلا -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: Gold -- Religious aspects -- Islam

موضوع: سنگ های قیمتی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع: Precious stones -- Religious aspects -- Islam

شناسه افزوده: ازمان تبلیغات اسلامی. شرکت چاپ و نشر بین الملل

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام

رده بندی کنگره: BP۱۹۰/۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۲

شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۲۲۲۸۰

نام کتاب: طلا و جواهر (آداب و احکام اصناف)
به کوشش: جمعی از پژوهشگران پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام

گردآورنده: علی رحیمی اقدام

مدیر هنری: مهیار سپهری

نوبت چاپ: اول؛ بهار ۱۳۹۹

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۷۹۷-۹

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نوین

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۸,۰۰۰ تومان

شرکت چاپ و نشر بین الملل



دفتر مرکزی: تهران، میدان استقلال، سعدی جنوبی، پلاک ۲، طبقه ی سوم

تلفن: ۰۲۱-۳۳۹۲۲۹۵۹ نمایر: ۳۳۱۱۸۶۰۲

فروشگاه مرکزی: میدان فلسطین، ضلع شمال شرق، پلاک ۴ و ۵

تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۲۱۹۸۰ نمایر: ۸۸۹۰۳۸۴۳

مرکز پخش قم: بلوار نیایش، جنب مصلى قدس، پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۰۳۶۹ www.rbo.ir

www.intlpub.ir Email: intlpub@intlpub.ir

همه حقوق محفوظ است.

ارزیابان و کارشناسان بخش احکام

حجج اسلام آقایان: علی رحیمی اقدم - علی قدسی - محمد جوادی والا

ارزیابان و کارشناسان بخش آداب

حجج اسلام آقایان: قدرت الله انصاری - کریم آزاد

مدیر اجرایی گروه فقه و احکام

حجت الاسلام والمسلمین علی اصغر راد حسینی



❁ مقدمه ----- ۱۷

❁ روش پژوهش در تدوین احکام اصناف ----- ۱۹

• مرحله اول: تحقیق میدانی ۱۹

• مرحله دوم: گردآوری کتاب‌ها و مقالات هر صنف ۲۰

• مرحله سوم: گردآوری و مطالعه قوانین و مقررات هر صنف ۲۰

• مرحله چهارم: گردآوری سؤالات از منابع معتبر فقهی ۲۰

❁ بخش اول: احکام عمومی کسب و کار ----- ۲۳

❖

• جایگاه مال و ثروت در اسلام ۲۷

• تقوا در کسب و کار ۲۹

• یادگیری احکام کسب و کار ۳۰

❖

• پرهیز از تنبلی ۳۳

• الگو بودن ائمه علیهم‌السلام در کسب و کار ۳۵



- ۱. انجام برخی اعمال مستحب و اذکار پیش از رفتن به بازار ۳۷
- ۲. اعمال مستحب و اذکار هنگام رسیدن به بازار ۳۸
- ۳. دعای خرید کالا ۳۹
- ۴. رونق کسب با قرائت سوره حجر ۳۹
- ۵. استجواب ذکر خدا در بازار ۴۰



- رعایت اخلاق در معاملات و کارها ۴۳
- کاسب محبوب در نزد خدا ۴۴
- اعتدال در کسب و کار ۴۴
- نماز اول وقت ۴۴
- درآمد پاک و حلال ۴۶
- درآمد حرام ۴۷
- توبه از درآمد حرام ۴۸
- استقامت در راه کسب درآمد حلال ۴۹



- ۱. آداب مستحبی در انجام معامله ۵۱
- فرق نگذاشتن بین مشتریان ۵۱
- مراعات طرف مقابل در اندازه گیری کالا ۵۱
- ۲. امور مکروه و ناپسند در انجام معامله ۵۳

❖ بخش دوم؛ آداب اختصاصی مربوط به طلا و جواهر ----- ۵۵



- طلا در زمان قدیم ۶۱

- سازنده طلا و زیورات ۶۱
- شغل صراف ۶۲



- زینت ۶۵
- زینت پسندیده ۶۶
- زینت حرام ۶۷
- زینت برای شوهر ۶۹
- زینت در زمان عده ۷۱
- عده طلاق ۷۱
- عده وفات ۷۲
- افراط و تفریط در استفاده از زینت ها ۷۳
- زینت جهت خود نمایی ۷۵



- تجملات در زندگی ۷۷
- انفاق طلا و نقره ۸۰
- طلا در مسجد ۸۱
- مذمت استفاده از نقره ۸۲



- عقیق ۸۵
- فیروزه ۸۸
- زمرد ۸۸
- جزع یمانی ۸۸
- یاقوت ۸۹
- بلور ۸۹

❖ بخش سوم؛ احکام و آداب ساختن طلا و نقره

- استفاده از طلا برای مردان ۹۱
- ظروف طلا و نقره ۹۲

❖ بخش چهارم؛ احکام و آداب ساختن و استفاده از زیورآلات

- مهریه ۹۵
- زکات و خمس ۹۸
- دیات ۹۹
- کفارات ۱۰۰

❖ بخش سوم؛ احکام ----- ۱۰۳

❖ بخش چهارم؛ احکام و آداب ساختن و استفاده از زیورآلات

- اختلاف کیفیت طلای ساخته شده با سفارش مشتری ۱۰۵
- ساخت زیورآلات طرح دار ۱۰۵
- مراجعه نکردن مشتری برای تحویل جنس ۱۰۶
- ساخت طلای مردانه ۱۰۷
- اجرت ساخت سفارشی ۱۰۸
- رعایت نکردن نوبت دیگران ۱۰۸
- بدقولی در ساخت و تعمیر ۱۰۸
- بازسازی از مدل دیگران ۱۰۹
- تعویض طلای مشتری توسط طلاساز ۱۰۹
- انصراف مشتری بعد از ساخت ۱۰۹
- استفاده از جنس دست دوم در ساخت ۱۱۰
- انجام کار بی کیفیت ۱۱۰

- احکام تعمیر طلا و جواهر ۱۱۱
- کم شدن وزن طلا ۱۱۱
- شکسته شدن طلا یا نگین در زمان تعمیر ۱۱۲
- تعیین نکردن اجرت در تعمیر طلا ۱۱۲
- پایین بودن عیار لحیم در تعمیر طلا ۱۱۳
- استفاده از لحیم طلا در پلاتین ۱۱۳
- تأخیر در پرداخت اجرت تعمیر ۱۱۳
- گم شدن طلای مشتری نزد تعمیرکار ۱۱۳
- واسطه‌گری در تعمیر ۱۱۴
- تعمیر طلای مردانه ۱۱۵

- احکام عمومی خرید و فروش ۱۱۷
- شرط خواندن صیغه در خرید و فروش ۱۱۷
- قسم خوردن در خرید و فروش ۱۱۸
- شرایط فروشنده و خریدار ۱۱۹
- - معامله با بچه نابالغ ۱۱۹
- عاقل بودن طرفین معامله ۱۱۹
- - معامله با افراد سفیه ۱۲۰
- - معامله با مفلس (ورشکسته) ۱۲۱
- اختیار در انجام معامله ۱۲۲
- مالک بودن ۱۲۲
- شرایط جنس و عوض آن ۱۲۳
- حق فسخ ۱۲۴
- پس گرفتن کالا ۱۲۶
- چانه زدن ۱۲۷

- خرید و فروش طلای نگین دار ۱۲۹
- خرید و فروش طلا به کمتر از قیمت نرخ بازار ۱۳۰
- خرید و فروش طلا و زیورآلات مردانه ۱۳۱
- فروش طلا به زنان بد حجاب ۱۳۲
- خرید و فروش خلخال ۱۳۳
- زرگرو نحوه برخورد با نامحرم ۱۳۳
- خرید و فروش ظروف طلا و نقره ۱۳۴
- خرید و فروش وسایل زینتی ۱۳۴
- لحاظ کردن اجرت ساخت در خرید و فروش طلا ۱۳۴
- اختلاف در عیار یا خصوصیات طلا ۱۳۵
- معلوم نبودن عیار طلا ۱۳۶
- معامله نسبه طلا و جواهر ۱۳۶
- گرو گذاشتن طلا تا پایان اقساط ۱۳۷
- فروش نسبه طلا و نقره و بدقولی خریدار در پرداخت بدهی ۱۳۸
- تحویل طلا و نقره در مجلس معامله ۱۳۸
- خرید و فروش زیورآلات طرح دار ۱۳۹
- طلای منقوش به اسماء متبرکه ۱۳۹
- زیورآلات با طرح صلیب و علامت فرقه‌های منحرف ۱۴۰
- زیورآلات با طرح و نقش حیوانات ۱۴۰
- زیورآلات منقوش به عکس پادشاهان و افراد مشهور ۱۴۰
- معاملات جدید در طلا و جواهر ۱۴۱
- خرید و فروش سکه ۱۴۱
- خرید و فروش اینترنتی طلا و نقره ۱۴۱
- سپرده‌گذاری طلا ۱۴۱
- خرید و فروش طلا به صورت شناور ۱۴۱
- خرید و فروش چک و سفته ۱۴۱

- - تقلب و فریب در معاملات طلا و جواهر ۱۴۲
- غش و فریب در معامله ۱۴۲
- تدلیس ۱۴۳
- اختلاف ترازوها ۱۴۴
- تخفیف کاذب ۱۴۵

❖ ۱۴۶. معاملات طلا و جواهر در فقه امامیه و فقه اهل بیت (ع) ❖

- ربا در معاوضه طلا و نقره ۱۴۷
- معاوضه طلای دست دوم با طلای نو ۱۴۸
- معاوضه سکه با سکه ۱۵۰
- تعویض نقره با نقره یا طلا ۱۵۱

❖ ۱۵۲. استفاده از طلا و جواهر در فقه امامیه و فقه اهل بیت (ع) ❖

- استفاده مردان ۱۵۳
- - استفاده از طلا و پلاتین ۱۵۳
- - استفاده از طلا بدون قصد زینت ۱۵۴
- - استفاده از طلا در نماز ۱۵۴
- - استفاده از طلا توسط پسر نابالغ ۱۵۵
- - مدال طلای ورزشکاران مرد ۱۵۵
- - استفاده مردان از بدلیجات ۱۵۵
- استفاده زنان ۱۵۶
- - استفاده از زیورات مقابل نامحرم ۱۵۶
- - استفاده از طلای منقوش به اسماء متبرکه ۱۵۷
- استفاده از ظروف طلا و نقره ۱۵۷
- - خوردن و آشامیدن ۱۵۷
- - استفاده جهت تزئین ۱۵۸

• احکام عمومی طلا و جواهر ۱۵۹

• تطهیر طلای نجس ۱۵۹

• وضو گرفتن از ظرف طلا و نقره ۱۵۹

• خمس طلا و جواهر ۱۵۹

• زکات سکه و زیورآلات ۱۶۳

• شراکت در معامله ۱۶۳

• اجاره مغازه زرگری ۱۶۴

• اجاره طلا ۱۶۵

• ضرر و خسارت ۱۶۶

• طلای پیدا شده ۱۶۶

• محاسبه قرض براساس طلا ۱۶۷

• تقاص از بدهکار ۱۶۷

• ارزش یک نخود طلا ۱۶۸

• سوءاستفاده از طلای امانتی ۱۶۸

• مالک بودن زن به زیورآلات ۱۶۹

• استطاعت زن برای حج با وجود زیورآلات ۱۶۹

• استخدام خانم در زرگری ۱۶۹

• بیرون آوردن دندان طلای میت ۱۶۹

• زرگری و قانون مداری ۱۶۹

- رعایت قانون ۱۶۹

- گران فروشی ۱۷۰

- مالیات ۱۷۰

- تعزیرات حکومتی ۱۷۱

• استفاده از سایه بان ۱۷۲

• مانع شدن از پارک ماشین ۱۷۲

• استفاده از دوربین مدار بسته ۱۷۲

• پروانه کسب ۱۷۲

- طلای قاچاق ۱۷۳
- طلای سرقتی ۱۷۳
- خرید طلای بدون فاکتور ۱۷۴





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ
وَالْعَن اَعْدَاءَهُمْ اَجْمَعِيْنَ

دین برنامه زندگی آحاد بشر است که خداوند توسط حجج الهی در اختیار آن‌ها قرار داده است. در هر دوره از زندگی بشر براساس شرایط و استعداد های موجود بشر، دین برنامه‌های بهینه‌سازی زندگی را در اختیار همه قرار می‌دهد. در این دوره نیز فقهای عظام جهت سهولت استفاده از دین برخی از دستورات شرعی را در قالب دانش فقه به مخاطبان عرضه می‌کنند.

فقه همه ابعاد و جزئیات زندگی انسان‌ها را در بر می‌گیرد، کاربردی نمودن احکام تدوین شده می‌تواند زندگی روزمره مردم را بیشتر منطبق بر دین نماید. چه آن که گاه ناآگاهی مومنین از احکام خاص مورد نیاز به غفلت از ادای تکلیف منجر می‌گردد. تدوین و آداب احکام اصناف یکی از بسته‌بندی‌های کاربردی و نو در فقه است که کمک شایانی به ترویج و فرهنگ سازی سبک زندگی اسلامی می‌نماید.

صنف طلا و جواهر بخشی از اصناف بازار است که از دیر باز فقهای شیعه به آن توجه داشته و احکام خرید و فروش و سایر احکام آن را از نصوص دینی استخراج و بیان کرده‌اند. تدوین آداب و احکام صنف طلا و جواهر طرحی تازه برای استفاده ساده‌تر از فقه در زندگی است که با تلاش مجدانه حجج اسلام آقایان: علی رحیمی اقدم، علی قدسی، محمد جوادی والا، قدرت‌الله انصاری، کریم آراد و علی اصغر راد حسینی (مسئول واحد فقه پژوهشکده) تدوین شده است.

با توجه به ظرفیت و کارآرایی عظیم نقد سازنده، در اینجا از همه فرهیختگان ناقد درخواست می‌گردد که به منظور بالندگی و ارتقای متن حاضر، نقدهای سازنده خود را از این مجموعه، دریغ نفرمایند.



پژوهشکده باقر العلوم

✱ تحقیق میدانی

با توجه به حضور بسیاری از انسان‌ها در بازار و فروشگاه‌ها در جایگاه فروشنده یا مشتری و همچنین مراجعات فراوان اصناف و کسبه و بازاریان و مردم متدین برای یافتن جواب سؤالات شرعی خود درباره موضوع معاملات و بازار و مشکلات آن‌ها در این باره، به سبب نبود کتابی مدون درباره احکام اصناف، ضرورت نوشتن کتاب "احکام اصناف" احساس شد و برای برطرف شدن این نیاز مهم، گردآوری سؤالات شرعی مهم کسبه و بازاریان و اصناف مختلف در پژوهشکده باقرالعلوم (علیه السلام) قم به لطف خدا آغاز شد تا همه کسبه و اصناف با آگاهی کامل نسبت به وظایف و مسائل شرعی خود درآمدی حلال و پاک داشته باشند.

البته با توجه به اینکه سؤالات یاد شده نباید فرضی باشند بلکه باید کاربردی و از مسائل مبتلا به کسبه و اصناف باشد، از خود کسبه و بازاریان محترم، و همچنین از کارشناسان زبده و پژوهشگران حوزوی فعال در این عرصه برای گردآوری سؤالات شرعی کمک گرفتیم.

بنابراین برخی کارشناسان و پژوهشگران به بازارها و فروشگاه‌های استانها و شهرهای مختلف کشور اعزام شدند تا سؤالات و مسائل مختلف شرعی کسبه مؤمن و متدین را گرد آورده، دسته‌بندی و در ادامه پاسخ‌های آن‌ها را آماده کنند.

* مرحله دوم: گردآوری کتاب‌ها و مقالات هر صنف

با توجه به اینکه در تحقیق میدانی همه سؤالات گردآوری نمی‌شود و از برخی از آن‌ها غفلت می‌شود، کارشناسان و پژوهشگران، به اطلاعات گردآوری شده بسنده نکرده، با گردآوری و مطالعه کتاب‌ها و مقالات نوشته شده درباره هر صنف، اطلاعات بیشتر و دقیق‌تری را به دست می‌آورند تا بعد از فهرست‌بندی اولیه، به سؤالات ساختار فقهی دهند.

* مرحله سوم: گردآوری و مطالعه قوانین و مقررات هر صنف

با مراجعه حضوری پژوهشگران در اتحادیه اصناف استانها و شهرهای مختلف کشور و گردآوری همه قوانین و مقررات و بخشنامه‌های اصناف و همچنین گردآوری همه قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و قوانین داخلی ادارات و ارگان‌ها و اصناف و با مطالعه و بررسی وظایف و اختیارات شرعی و قانونی شاغلان هر صنف، سؤالات مورد نیاز گردآوری و نوشته شد تا شاغلان محترم هر صنف بیشتر با وظایف قانونی خود آشنا شوند.

* مرحله چهارم: گردآوری سؤالات از منابع معتبر فقهی

با مراجعه به کتاب‌ها و مقالات فقهی تدوین شده، سؤالات مورد نیاز گردآوری و نوشته می‌شد؛ در این مراجعه علاوه بر نوشتن سؤالات، جواب‌ها هم نوشته می‌شد.

۱. نرم‌افزار و کتب فقهی مقام معظم رهبری علیه السلام و حضرت امام رحمته الله علیه

- اجوبة الاستفتائات، رساله آموزشی ج ۱ و ۲، راهنمای فتاوا،

تحریر الوسیله، توضیح المسائل حضرت امام رحمته الله علیه، حاشیه

عروة الوثقی. و سایر کتب فقهی.

- از دیگر کتاب‌های فقهی برای یافتن سؤال استفاده می‌شود.

- نرم‌افزار جامع فقه

۲. سایت‌های معتبر فقهی

- سایت مقام معظم رهبری علیه السلام (KHAMENEI.IR - LEADER.IR) - سایت پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام - سایت اسلام کوئست - پرسمان نهاد - آنهار - تبیان - ویکی علوم اسلامی - ویکی فقه و....

بخش اول

آداب عمومی و نگارش



انسان در دنیا نیازمند امور مادی است و بدون آن‌ها نمی‌تواند زندگی مناسبی داشته باشد. در راستای تأمین این نیازها، لازم است که انسان از دستورات الهی تبعیت نموده تا سعادت خود را تضمین نماید.

بدان جهت خداوند متعال، دین اسلام را بر پیامبر اکرم ﷺ ارائه کرد تا به عنوان آخرین دین الهی در بین بشریت باقی بماند. در این دین جاویدان، تمامی ابعاد جسمی و روحی بشر مورد توجه قرار گرفته تا انسان‌ها بتوانند به سعادت دنیوی و اخروی دست یابند.

خداوند در آیه ۲۸ سوره سبأ می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا» ما تو را فقط برای این کار فرستادیم که همه مردم را به دستورات دینی فراخوانی و از عقوبت کار بترسانی.

و در آیه ۸۹ سوره نحل می‌فرماید: «نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» قرآن را بر تو نازل کردیم تا تبیین‌کننده‌ی تمامی چیزها باشد.

همچنین پیامبر اکرم ﷺ این نکته را بیشتر مورد تأکید قرار داده و می‌فرماید: هر چیزی که شما انسان‌ها را از آتش جهنم دور کند و یا به بهشت نزدیک کند برای شما بیان کرده‌ام.^۱

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَيْسَ شَيْءٌ يُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَقَدْ ذَكَرْتُهُ لَكُمْ وَلَا شَيْءٌ يَقْرِبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا وَقَدْ دَلَّلْتُكُمْ عَلَيْهِ. (بحارالانوار (ط - بیروت)، ج ۷۴، ص ۱۸۵).

البته سعادت انسان و جوامع بشری، شرط دیگری هم دارد و آن شرط مهم و اساسی این است که خود انسان هم به کار و فعالیت پرداخته و از تنبلی، کناره‌گیری نمایند.

این امر توسط پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام مورد تأکید واقع شده است و آن‌ها مسلمانان را نسبت به تلاش و کوشش تشویق نموده‌اند.

در بعضی روایات آمده است، پیامبر ﷺ زمانی که از کسی خوشش می‌آمد می‌پرسید آیا شغلی دارد؟ اگر در جوابش می‌گفتند: بیکار است، می‌فرمود: از چشمم افتاد. شخصی علت این حرف را از آن حضرت پرسید؛ ایشان فرمودند: مؤمن اگر کاری نداشته باشد دین خود را وسیله‌ی درآمد خود قرار می‌دهد.^۱

بنابراین کار و تلاش انسان‌ها با رعایت دستورات دینی می‌تواند روش تضمین شده برای آبادانی جامعه و سعادت آن‌ها باشد.

۱. رَوَى ابْنُ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا نَظَرَ إِلَى الرَّجُلِ فَأَعْجَبَهُ فَقَالَ هَلْ لَهُ حِرْفَةٌ فَإِنْ قَالُوا لَا قَالَ سَقَطَ مِنْ عَيْنِي قَبِيلٌ وَكَيْفَ ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ حِرْفَةٌ يَعْيشُ بِدِينِهِ. (بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۱۰۰، ص ۹).

❖ جایگاه مال و ثروت در اسلام

این که مال و ثروت تنها نسخه‌ی پیشرفت انسان باشد، گفتار صحیح و قابل قبولی نیست. از طرفی انکار ارزش مال و ثروت نیز با توجه به آیات و احادیث قابل قبول نیست. زیرا خداوند متعال در قرآن کریم، مال و ثروت را به عنوان زینت دنیا معرفی کرده و می‌فرماید: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»^۱ مال و فرزندان، زینت زندگانی دنیا هستند. و در بسیاری دیگر از آیات به استفاده از نعمت‌های الهی و بهره بردن از امکانات دنیوی اشاره کرده است. مثلاً در آیه شریفه‌ی:

«هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا. فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ...»^۲

اوست خدایی که زمین را برای انسان، آرام گردانید تا در بتواند در مناطق مختلف آن حرکت نموده و از روزی خدا استفاده نماید.

۱. سوره کهف، آیه ۴۶.

۲. سوره ملک، آیه ۱۵.

خداوند متعال در آیه دیگری به پیامبر خودش تذکر می‌دهد: اگر چه رعایت آخرت مهم بوده و در اولویت است اما نباید دنیا و بهره‌مندی از نعمت‌های دنیوی فراموش شود. «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ، وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا...»^۱ به وسیله آنچه که خدا به تو داده، دنبال آخرت باش ولی سهم خودت را از دنیا فراموش نکن.

در روایات هم می‌توان به چنین مطالبی دست یافت. مثلاً از امام باقر علیه السلام نقل شده است که می‌فرماید: دنیا می‌تواند وسیله‌ی مناسبی برای دستیابی به آخرت باشد.^۲

بنابراین وجود ثروت و استفاده مناسب از آن، مورد تایید خداوند متعال می‌باشد. و بدان جهت، فقر اختیاری در دیدگاه اسلامی ناپسند بوده و مورد مذمت قرار گرفته است. و در سایر موارد فقر، برای از بین بردن این پدیده‌ی شوم، دستورات مختلفی بیان شده است؛ دلیل وجوب پرداخت کفارات مختلف در مورد روزه، شکستن قسم، تخلف از نذر، زکات مال، زکات فطره، و صدقات مستحبی از این قبیل می‌باشد.

کسی که در دنیا از نعمت‌های مادی خداوند محروم است قطعاً در زندگی خود با مشکلات زیادی مواجه خواهد بود. و بدان جهت امیرالمؤمنین علیه السلام فقر را به مرگ بزرگ تشبیه می‌کند.^۳ منظور امام از تعبیر مذکور این است که: انسان فقیر چون از نیازهای مادی خود محروم می‌شود مانند انسان مرده است و از طرفی چون غذایی را که انسان فقیر متحمل آن می‌شود لحظه‌ای و زودگذر نبوده، بلکه در مدت طولانی با مشکلات فراوان درگیر است. لذا حضرت از فقر به عنوان مرگ بزرگ یاد می‌کند.

فقر به قدری در زندگی بشر اثر دارد که ممکن است باعث کفر برخی

۱. سوره قصص، آیه ۷۷.

۲. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: «نِعْمَ النُّعُونُ الدُّنْيَا عَلَى ظَلَبِ الْآخِرَةِ» (کافی - ط - دارالحدیث)،

ج ۹، ص ۵۲۸.

۳. قَالَ عَلِيٌّ علیه السلام: الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ نَهَجُ الْبَلَاغَةِ. ((للصّحی صالِح))، ص ۵۰۰.

از انسان‌های سست ایمان شود. بدان جهت که پیامبر ﷺ می‌فرماید:
فاصله‌ی فقر تا کافر شدن اندک است.^۱

البته باید توجه داشت منظور از فقری که در روایات بیان می‌شود مرتبه‌ای از فقر و تنگدستی است که انسان نتواند لوازم ضروری و مورد نیاز زندگی خود را تأمین نماید. و گرنه تنگدستی در تهیه وسائل تجملات و غیر ضروری که در زندگی‌های این زمان، رایج شده است قطعاً فقر محسوب نمی‌شود، بلکه گرایش به چنین اموری، اسراف و تبذیر شمرده می‌شود.

خداوند متعال در اشاره به این نوع زندگی می‌فرماید: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ»^۲ زندگانی دنیا کالای فریبنده‌ای بیش نیست. و در روایتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده که فرمود: بیش از نیاز خود، چیزی از دنیا نخواهید و بیشتر از آنچه به دستتان رسیده و روزی شما بوده است، طلب نکنید و خود را در زحمت اضافی نیندازید.^۳

بنابراین با وجود اینکه ثروت می‌تواند در بسیاری از کارها، به صورت مفید مصرف شود اما باید توجه داشت که زیادی ثروت باعث روی آوردن به اشرافی‌گری و کاخ‌نشینی نباشد.

اگر این نکته رعایت شود قطعاً وجود ثروت، برای دین و دنیای مسلمانان مفید خواهد بود. به عبارت بهتر، استفاده هدفمند از اموال و دارائی می‌تواند باعث سعادت اشخاص و جامعه باشد.

* تقوا در کسب و کار *

در مورد کسب و کار، کتاب‌های متعدد نوشته شده است. و هر کسی بر اساس بینش و باور خود، موفقیت در تجارت را تفسیر می‌کند. برخی فکر

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا. (کافی (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ص ۷۴۸).

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۸۵.

۳. قَالَ عَلِيٌّ (علیه السلام): الدُّنْيَا دَارُ مُنَى لَهَا الْفَتَاءُ وَلِأَهْلِهَا مِنْهَا الْجَلَاءُ... لَا تَسْأَلُوا فِيهَا فَوْقَ الْكَفَافِ وَلَا تَطْلُبُوا مِنْهَا أَكْثَرَ مِنَ الْبَلَاغِ. (نهج البلاغه (للصّبحی صالح)، ص ۸۵).

می‌کنند که هر چقدر سود، بیشتر باشد موفقیت، قطعی بوده و توانسته‌اند به کار ایده‌آل خود دست یابند، اگرچه برای دستیابی به چنین موفقیتی، مرتکب کارهای حرام و غیراخلاقی شوند. اما قطعاً چنین تفکری در مکتب اسلامی پذیرفته نبوده و تجارت پرسود شمرده نمی‌شود.

لقمان در نصیحتی به پسر خود می‌گوید: تقوا و حدود الهی را مراعات کن که پرسودترین تجارت برای انسان می‌باشد.^۱

همچنین امام سجاد (ع) می‌فرماید: هر کسی که به واجبات خود عمل می‌کند از بهترین مردم است.^۲

بنابراین اگر انسان بخواهد به خیر دنیا و آخرت دست یابد، باید در زندگی و تجارت خود حریم الهی را رعایت نماید. در این صورت است که رحمت الهی شامل انسان خواهد بود.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾.^۳

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر تقوا پیشه کنید و حدود الهی را رعایت نمایید، خداوند به شما قدرت تشخیص حقایق را خواهد داد و گناهان شما را پاک کرده و شما را می‌بخشد.»

انشاءالله در فصل‌های بعدی حدود الهی در خرید و فروش به صورت کامل بیان خواهد شد.

* یادگیری احکام کسب و کار

تاجرو کاسب متدینی که می‌خواهد در کسب و کار و تجارت خود مسائل

۱. مِنْ وَصِيَّةِ لُقْمَانَ لِابْنِهِ قَالَ: ... عَلَيْكَ بِالتَّقْوَى فَإِنَّهُ أَرْبَحُ التِّجَارَاتِ. (ارشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، ج ۱، ص ۷۲).

۲. قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (ع): مَنْ عَمِلَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ، فَهُوَ مِنْ خَيْرِ النَّاسِ. (کافی - دارالحدیث)، ج ۳، ص ۲۰۹).

۳. سوره انفال، آیه ۲۹.

شرعی را رعایت کند باید قبل از انجام کسب و کار، به یادگیری مسائل مورد نیاز خود اهتمام ورزد و سپس به امر تجارت روی آورد.

روایت شده امیرالمؤمنین علیه السلام بالای منبر به بازاریان می فرمود: ابتدا احکام خرید و فروش را بیاموزید سپس به کسب و کار بپردازید، ابتدا احکام بعد تجارت، ابتدا احکام بعد تجارت.^۱

انسان باید برای یادگیری احکام شرعی به فتاوی مرجع تقلید خود مراجعه کند. رساله توضیح المسائل، کتاب استفتائات و سایت رسمی مرجع تقلید، منابع مناسبی برای این کار است؛ همچنین کتاب حاضر در موضوع احکام طلا و جواهر پاسخگوی سوالات مخاطبان خواهد بود.

۱. عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يَقُولُ عَلَى الْمِنْبَرِ يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ الْفَقْهَ ثُمَّ الْمُتَجَرَ الْفَقْهَ ثُمَّ الْمُتَجَرَ الْفَقْهَ ثُمَّ الْمُتَجَرَ. (کافی (ط - دارالحدیث)، ج ۱۰، ص ۱۵).



* پرهیز از تنبلی

انسان مومن با وجود اینکه در کسب روزی، به خدا توکل می‌کند، باید خودش هم برای تأمین مخارج زندگی بکوشد و اعتماد به خدا نباید به معنی تنبلی انسان در امور زندگی تفسیر شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی، از چند نفر اسم می‌برد که دعایشان قبول نمی‌شود. یکی از آن‌ها مردی است که در خانه خود نشسته و می‌گوید: خدایا به من روزی بده! ولی خودش دنبال روزی نرفته و از خانه‌اش خارج نمی‌شود.^۱ حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: به کسب و تجارت پردازید که باعث استقلال شما و بی‌نیاز شدن از مال دیگران خواهد بود.^۲ و اگر کسی، با این نیت سراغ کسب و کار برود که محتاج دیگران نباشد طبق فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن گاه که در قیامت، خدا را ملاقات می‌کند صورتش مثل ماه شب چهارده می‌درخشد.^۳

۱. عن النبي صلی الله علیه و آله قال: إِنْ أَصْطَفَا مِنْ أُمَّتِي لَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ دُعَاؤُهُمْ... وَ رَجُلٌ يَقْعُدُ فِي بَيْتِهِ، وَ يَقُولُ: رَبِّ ارْزُقْنِي، وَ لَا يَخْرُجُ، وَ لَا يَطْلُبُ الرِّزْقَ، (کافی (ط - دارالحدیث) ج ۹، ۵۱۴ - ۵۱۵).

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام تَعَرَّضُوا لِلتِّجَارَةِ فَإِنَّ فِيهَا غِنًى لَكُمْ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ. (کافی (ط - دارالحدیث)، ج ۱۰، ص ۱۲).

۳. عن النبي صلی الله علیه و آله قال: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا اسْتِغْنَاءً عَنِ النَّاسِ وَ تَعَطُّفًا عَلَى الْجَارِ لَقِيَ اللَّهَ

بیکاری علاوه بر اینکه باعث فقر و بی پولی می شود، آرامش انسان را سلب نموده و او را به ورطه هلاکت می کشاند. در زمان بیکاری است که شیطان، انسان را بیشتر وسوسه نموده و فرمانروای بی همتای او می گردد. از امام صادق علیه السلام روایت شده: تجارت را ترک نکن که همانا ترک آن باعث از بین رفتن عقل انسان می شود.^۱

بیکاری با توجه به آثار مخربی که دارد برای تمامی انسان ها امری ناپسند است. بنابراین کسب و کار مخصوص افراد نیازمند نیست؛ بلکه بر همه افراد با توجه به شغل و موقعیتی که دارند لازم است کار کنند. امیرالمؤمنین علیه السلام بارها به اصحاب خود توصیه کرده: به کسب و کار بپردازید، اگرچه فقیر باشید یا ثروتمند.^۲

کسب و کار مایه ی عزت انسان بوده و باعث رشد مادی و معنوی وی می گردد و سربلندی و عزت و آقایی جامعه و کشور را در پی خواهد داشت. از امام صادق علیه السلام روایت شده که می فرمود: هر کس که از طلب روزی شرم نداشته باشد و به دنبال کسب و کار برود تأمین هزینه های زندگی برایش آسان شده و به آرامش خاطر دست می یابد و اهل و عیالش در رفاه و آسایش خواهند بود.^۳

بنابراین کناره گیری از کسب و کار مشروع نیست و هیچ کس نمی تواند با توجیهات شرعی از کسب و کار و انجام وظیفه خودداری نماید. و اگر بخواهیم سخن دین را در این زمینه بشنویم باید بدانیم که در شریعت الهی، در این باره توصیه های فراوانی شده است. تا جایی که امام صادق علیه السلام ثواب کسب و کار را معادل با ثواب جهاد در راه خدا دانسته و می فرماید: هر

وَوَجْهَهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبُذْرِ. (بحارالانوار - ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص ۸).
 ۱. عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: لَا تُتْرَكِ التِّجَارَةُ فَإِنَّ تَرْكَهَا مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ. (مستدرک الوسائل

و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص ۱۱).
 ۲. كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يُوصِي أَصْحَابَهُ يَقُولُ أُوصِيكُمْ بِالْخَشْيَةِ... وَالْاِكْتِسَابِ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى. (بحارالانوار - ط - بیروت)، ج ۷۵، ص ۳۰۵).

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ لَمْ يَسْتَخِجْ مِنْ طَلَبِ الْمَعَاشِ حَفَّتْ مَوْتُهُ وَ رُخِيَ بَالُهُ وَ نَعِمَ عِيَالُهُ، (بحارالانوار - ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص ۷).

کسی که برای تأمین مخارج اهل و عیال خود به رنج و سختی بیفتد مانند کسی است که در راه خدا مجاهده می‌کند.^۱

تلاشی که انسان در راه کسب و کار انجام می‌دهد مایه خیر و برکت بوده و باعث می‌شود روزی طیب و حلال نصیب انسان شود. از پیامبر ﷺ سوال شد: پاک‌ترین و حلال‌ترین کسب انسان چه چیزی است؟ فرمود: اگر انسان با دست خود، کار کند و یا خرید و فروش صحیح و شرعی انجام دهد پاک‌ترین کسب را دارد.^۲

نکته دیگری که در مورد پاک بودن کسب و کار باید به آن توجه کرد این است که فرزندان ما با همین درآمدها رشد می‌کنند؛ لذا باید دقت کافی در مورد کسب و کار و درآمد خود داشته باشیم تا انشاء الله فرزندانی سالم و دیندار و معتقد به اسلام و دستورات آن گردند.

* الگوبودن ائمه علیهم السلام در کسب و کار *

این نکته قابل ذکر است که آن چه پیشوایان ما در مورد کسب و کار فرموده‌اند، خود بدان عمل نموده‌اند. مثلاً:

۱. هنگامی که مسجد قبا و مسجد النبی ساخته می‌شد، پیامبر ﷺ به همراه دیگر مسلمانان کار می‌کرد. آن حضرت سنگ‌های کوچک و بزرگ را برمی داشت و به محل ساختن مسجد می‌برد. بعضی از اصحاب عرضه می‌داشتند یا رسول الله! پدر و مادرم فدایت! اجازه بده سنگ و خاک را من ببرم و به جای شما کار کنم، حضرت می‌فرمودند: نه، تو هم سنگ دیگری بردار.^۳
۲. امیرالمؤمنین علیا زمانی که از جنگ و جهاد فارغ می‌شدند به

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (کافی ط -

دارالحدیث)، ج ۹، ص ۵۶۶.

۲. عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ قَالَ: سُئِلَ النَّبِيُّ ﷺ أَيُّ كَسْبٍ الرَّجُلُ أَطْيَبُ قَالَ عَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهِ وَكُلُّ بَيْعٍ مَبْرُورٍ. (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص ۲۴).

۳. معجم الکبیر، ج ۲۴، ص ۳۱۸.

تعلیم مردم و قضاوت بین آن‌ها می‌پرداختند و بعد از انجام این امور در باغی که داشتند باستان خویش به کار می‌پرداختند و همزمان ذکر خدا را هم می‌گفتند.^۱

۳. راوی نقل می‌کند روزی امام صادق علیه السلام را در یکی از باغ‌هایش دیدم. آن حضرت لباس مخصوص کار پوشیده بود و بیل به دست گرفته، و در باغ خویش مشغول کشاورزی بود و به شدت از پیشانی و پشت مبارکش عرق می‌ریخت؛ عرض کردم: فدایت شوم! بیل را بدهید تا من کار کنم. فرمودند: دوست دارم مرد به خاطر کسبِ روزی حلال در برابر آفتاب آزرده شود.^۲

۴. علی بن ابی حمزه از پدر خود نقل نموده: حضرت موسی بن جعفر علیه السلام را دیدم که در زمین خود مشغول کار بود و از پاهایش در حالی که متورم شده بود عرق می‌ریخت. عرض کردم: فدایت شوم کارگرها کجا هستند؟ فرمود: کسانی با دست خود کار کرده‌اند که از من و پدرم بهتر بوده‌اند. گفتم: آن‌ها چه کسانی هستند؟ فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام و اجداد من همه با دستِ خود کار می‌کردند؛ کار کردن شیوه‌ی پیامبران، مرسلین، اوصیاء و صالحین بوده است.^۳

۱. عَنْ سَيِّدِنَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَنَّهُ لَمَّا كَانَ يَفْرُغُ مِنَ الْجِهَادِ يَتَفَرَّغُ لِتَعْلِيمِ النَّاسِ وَ الْقَضَاءِ بَيْنَهُمْ فَإِذَا فَرَغَ مِنْ ذَلِكَ اشْتَغَلَ فِي حَائِطٍ لَهُ يَعْمَلُ فِيهِ بِيَدِهِ وَهُوَ مَعَ ذَلِكَ ذَاكِرُ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ. (بحار الأنوار - ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص ۱۶.

۲. عَنْ أَبِي عَمْرٍو الشَّيْبَانِيِّ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَبِيَدِهِ مِسْحَاةٌ وَعَلَيْهِ إِزَارٌ غَلِيظٌ يَعْمَلُ فِي حَائِطٍ لَهُ وَالْعَرَقُ يَتَصَابُ عَنْ ظَهْرِهِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَكْفَيْتَنِي أَكْفَيْتَنِي فَقَالَ لِي إِنِّي أَحِبُّ أَنْ يَتَذَكَّرَ الرَّجُلُ بَحَرَ الشَّمْسِ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ. (بحار الأنوار - ط - بیروت)، ج ۴۷، ص ۵۷.

۳. عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي خَفَرَةَ قَالَ رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام يَعْمَلُ فِي أَرْضٍ لَهُ قَدْ اسْتَنْقَعَتْ قَدَمَاهُ فِي الْعَرَقِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَيْنَ الرَّجَالُ فَقَالَ يَا عَلِيُّ قَدْ عَمِلَ بِالْيَدِ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي فِي أَرْضِهِ وَ مِنْ أَبِي فَقُلْتُ وَ مَنْ هُوَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَ آبَائِي علیهم السلام كُلُّهُمْ كَانُوا قَدْ عَمِلُوا بِأَيْدِيهِمْ وَ هُوَ مِنْ عَمَلِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ وَ الصَّالِحِينَ. (بحار الأنوار - ط - بیروت)، ج ۴۸، ص ۱۱۵.

*** ۱. انجام برخی اعمال مستحب و اذکار پیش از رفتن به بازار**
 خداوند متعال با توجه به لطف و محبتی که نسبت به بندگان خود دارد در هیچ زمانی آنان را به خود واگذار نکرده است. به همین منظور اعمال و دعاهایی بیان شده تا انسان رنگ و بوی معنویت گرفته و دچار غفلت نشود. تجارت و کسب و کار هم از این مساله استثناء نبوده و نماز و دعاهایی در مورد آن وارد شده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: زمانی که کاسب به بازار می رود مستحب است دو رکعت نماز بخواند، در رکعت اول حمد و سوره توحید و در رکعت دوم حمد و سوره کافرون و بعد از اتمام نماز این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي غَدَوْتُ أَلْتَمِسُ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَأَرْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا حَسَنًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا وَاعْطِنِي فِيمَا رَزَقْتَنِي الْعَافِيَةَ غَدَوْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَفُوتِهِ غَدَوْتُ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَلَا قُوَّةَ وَلَكِنْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ وَأُتِرًا إِلَيْكَ مِنَ الْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ هَذَا الْيَوْمِ فَبَارِكْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ.»^۱

۱. مکارم الأخلاق، ص ۲۵۷-۲۵۶.

خدایا! اول صبح، راهی شده‌ام تا روزی خود را از فضل تو درخواست نمایم و این کار را خودت دستور داده‌ای. پس از فضل خود، روزی زیادی که حلال و پاکیزه باشد به من بده. و همراه با چیزهایی که به من روزی کرده‌ای، عافیت نیز عطا کن. اول صبح راهی شده‌ام اما نه با توان و قدرت خودم بلکه با حول و قوه‌ی تو، خدایا! هیچ توان و قوه‌ای [بدون اذن تو] در من وجود ندارد. خدایا! در این روز، من برکت را از تو درخواست می‌کنم، در تمامی کارها، امور مرا با برکت بگردان. ای رحم کننده ترین رحم کنندگان. و خدایا بر پیامبر و آل پاکیزه‌ی او درود بفرست.

* ۲. اعمال مستحب و اذکار هنگام رسیدن به بازار

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: زمانی که کاسب به بازار رسید مستحب است این دعا را بخواند:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ أَهْلِهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ أَهْلِهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَتُغَيَّ أَوْ يُتَغَيَّ عَلَيَّ أَوْ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أَظْلَمَ أَوْ أُعْتَدِيَ أَوْ يُعْتَدَى عَلَيَّ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ وَفَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ»^۱

یعنی گواهی می‌دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست، هیچ شریکی نداشته و فرمانروایی هستی مختص او بوده و حمد و ستایش فقط شایسته‌ی اوست. او خدایی است که به تمامی موجودات، هستی داده و آن‌ها را می‌میراند و اوست که بعد از مرگ موجودات می‌تواند آن‌ها زنده کند و او خداوند زنده‌ای است که هیچ وقت نمی‌میرد. تمای خیرها به

۱. مکارم الأخلاق، ص ۲۵۷-۲۵۶.

دست اوست و او بر همه چیز تواناست. گواهی می‌دهم که حضرت محمد ﷺ بنده و فرستاده‌ی اوست.

خدایا، خیر بازار و خیر اهل بازار را از تو درخواست می‌کنم و از شر بازار و شر اهل بازار به تو پناه می‌برم. خدایا به تو پناه می‌برم از این که سرکشی کنم و یا مورد سرکشی واقع شوم، ظلم کنم یا مظلوم واقع شوم، حقی را پایمال کنم یا حق من پایمال شود. و از شیطان و سربازانش و انسان‌های فاسق در میان عرب و عجم به تو پناه می‌برم. خدایی که هیچ خدایی جز او نیست برای من کافی است، بر او توکل می‌کنم و او پروردگار عرش عظیم است.

* ۳. دعای خرید کالا

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: مستحب است وقتی انسان می‌خواهد کالایی را بخرد این دعا را بخواند:

«يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا دَائِمُ يَا رَءُوْفُ يَا رَحِيْمُ اَسْأَلُكَ بِعَوْنِكَ وَقُدْرَتِكَ وَمَا اَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ اَنْ تُقْسِمَ لِي مِنَ التِّجَارَةِ الْيَوْمَ اَعْظَمَهَا رِزْقًا وَاَوْسَعَهَا فَضْلًا وَاَحْسَنَهَا عَاقِبَةً فَإِنَّهُ لَا خَيْرَ فِيمَا لَا عَاقِبَةَ لَهُ»^۱

ای خداوند همیشه زنده و پایدار، ای خدای جاویدان، ای صاحب لطف بسیار نسبت به بندگان، ای خدای مهربان، از تو می‌خواهم به من کمک کنی و با قدرتی که داری و با علم فراگیری که داری، امروز بزرگ‌ترین روزی و وسیع‌ترین فضل و بخشش خودت را قسمت ما بکن و کاری که بهترین عاقبت را داشته باشد برای من قرار بده چون کاری که سرانجام خوبی نداشته باشد هیچ خیری در آن وجود ندارد.

* ۴. رونق کسب با قرائت سوره حجر

کاسب می‌تواند با تدبیر مناسب به کسب خود رونق بخشد؛ مثلاً خوشرویی،

۱. کافی (ط - دارالحديث)، ج ۱۰، ص ۳۶

برخورد مناسب با مشتری، انصاف و عواملی از این قبیل می‌تواند در این باره موثر باشد. عوامل معنوی نیز در این خصوص بی‌تاثیر نیستند و می‌توانند در رونق کسب، نقش داشته باشند. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: کسی که سوره‌ی مبارکه حجر را قرائت نموده و به آن عمل نماید، کسبش افزایش یافته و مردم از معامله کردن با او خودداری نمی‌کند، بلکه رغبت پیدا می‌کنند تا با او خرید و فروش کنند.^۱

* ۵. استحباب ذکر خدا در بازار

طبق فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام مستحب است زمانی که انسان به بازار می‌رود و همه در آن جا مشغول کار خود هستند، ذکر خدا را زیاد بگوید، این کار کفاره گناهان او بوده و باعث می‌شود اعمال نیک او افزایش یابد و در زمره غافلین نوشته نشود.^۲

در روایت دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند: زمانی که مردم در بازار مشغول کار خود بوده و از یاد خدا غافل می‌شوند اگر کسی در آن وضعیت متوجه پروردگار شود و ذکر او را بگوید، خداوند هزار حسنه برای وی می‌نویسد و در قیامت مغفرتی شامل حالش می‌شود که به فکر هیچ کس خطور نمی‌کرد.^۳

بنابراین با عنایت به باورهای دینی هر ذکر^۴ که در محل کسب و کار

۱. قال السيد هبة الله الراوندي في مجموع الرائق في خواص سورة الحجر: و من حملها كثر كسبه ولا يعدل أحد عن معاملته ورغبوا في البيع منه والشراء، وصرح الشهيد في مجموعته ان ما ذكر من خواص القرآن مروى عن الصادق عليه السلام. (جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۳، ص ۲۵۴).

۲. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِذَا دَخَلْتُمُ الْأَسْوَاقَ وَعِنْدَ اسْتِغَاثِ النَّاسِ فَإِنَّهُ كَفَّارَةٌ لِلذُّنُوبِ وَزِيَادَةٌ فِي الْحَسَنَاتِ وَلَا تُكْتَبُوا فِي الْعَافِلِينَ. (الخصال، ج ۲، ص ۶۱۴).

۳. عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ فِي السُّوقِ مُخْلِصاً عِنْدَ عَقْلَةِ النَّاسِ وَشُغْلِهِمْ بِمَا فِيهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَيَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْفِرَةً لَمْ تَخْطُرْ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ (بحار الأنوار ط - بيروت)، ج ۱۰۰، ص ۱۰۲).

۴. دو نوع ذکر وجود دارد: یک ذکر لفظی و زبانی مانند گفتن الله اکبر، گفتن سبحان الله، لا اله الا الله و دیگری ذکر قلبی، و آن به این معناست که آدمی با تمام وجودش

گفته شود مستحب است. افزون بر آن، در روایات، ذکرهای خاصی وارد شده است؛ از جمله از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرموده است: هر کس ذکر شریف «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ» را در بازار بگوید هزاران هزار حسنه در پرونده او نوشته خواهد شد.^۱

به یاد خدا باشد چه در ظاهر و چه در باطن، و در همه اعمالی و رفتارش، رضای خدا را مد نظر داشته باشد و او را ناظر بر اعمال خویش ببیند و از انجام اعمالی که می‌داند مورد رضایت خداوند نیست، اجتناب ورزد. که این نوع ذکر بهتر از ذکر زبانی و لفظی است. چنان که رسول خدا صلی الله علیه وآله در ضمن وصیت‌های خویش به امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «و در هر حال به یاد خدا باش و یاد خدا تنها سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر نیست، بلکه یاد خدا آن است که شخص، هنگام رو برودن با حرام، از خدا بترسد و آن را ترک گوید.» (من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ۳۵۸)؛ بنابراین اهل ذکر کسانی هستند که خود را در محضر خداوند متعال حاضر می‌بینند و به غیر خدا توجهی ندارند.

۱. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ علیه السلام مَنْ قَالَ فِي السُّوقِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَةٍ. (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص ۹۷). در روایت دیگری دعا به این شکل نقل شده است: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَثْمَانَ بْنِ زَيْدِ بْنِ بَكَّارِ بْنِ الْوَلِيدِ الْجُهَنِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ علیه السلام يَقُولُ مَنْ دَخَلَ سُوقًا فَقَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الظُّلُمِ وَالْمَأْتَمِ وَالْمَغْرَمِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ عَدَدَ مَنْ فِيهَا مِنْ فَصِيحٍ وَأَعْجَمٍ. (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۳، ص ۱۷۳).



* رعایت اخلاق در معاملات و کارها

کسب و کار، زمانی ارزش واقعی پیدا می‌کند که انسان در کنار تجارت از امور دینی و وظایف اسلامی خود غافل نبوده باشد. یکی از این وظایف، رعایت اخلاق اسلامی است که به کسب دنیوی انسان هم رونق می‌دهد. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: در تجارت خود فضایل اخلاقی را رعایت نمایید و کارهای شایسته و زیبایی که مفید دین و دنیای شماست انجام بدهید.^۱ و همچنین از امام صادق علیه السلام هم نقل شده که فرموده است: هر صاحب شغلی باید سه ویژگی اخلاقی داشته باشد تا کسب و کارش رواج یابد: ۱. در کار خود ماهر باشد. ۲. در کار خود امانتدار باشد. ۳. نظر صاحب کار را جلب نماید.^۲

۱. قال الرضا علیه السلام: ... وَ اسْتَغْمِلْ فِي تِجَارَتِكَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ وَ الْأَفْعَالَ الْجَمِيلَةَ لِلدِّينِ وَ الدُّنْيَا. (بهار الأنوار - ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص ۱۰۰.

۲. عن الإمام الصادق علیه السلام قال: ... كُلُّ ذِي صِنَاعَةٍ مُضْطَرٌّ إِلَى ثَلَاثٍ خِلَالِهَا يَجْتَلِبُ بِهَا الْمَكْسَبَ، وَ هُوَ: أَنْ يَكُونَ حَازِقًا بِعَمَلِهِ، مُؤَدِّيًا لِلْأَمَانَةِ فِيهِ، مُسْتَمِيلًا لِمَنْ اسْتَعْمَلَهُ. (بهار الأنوار - ط - بیروت)، ج ۷۵، ص ۲۳۶.

* کاسبِ محبوب در نزد خدا

محبوب بودن در بین مردم یکی از خواسته‌های درونی انسان هاست که اگر رنگ و بوی الهی به خود بگیرد ارزشمند خواهد بود. اما مهم‌تر از آن، کاسبِ محبوبیت در نزد خداست که می‌تواند سعادت دنیا و آخرت انسان را به همراه داشته باشد.

از حضرت علی علیه السلام روایت شده که فرموده است: شاغل و کاسبی که امانتدار است محبوب خداست.^۱ و همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خدا سه گروه را بدون حساب وارد بهشت می‌کند که یکی از آن‌ها، کاسب راستگوست.^۲ و در مقابل، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده: کاسبی که در حفظ دین خود، حرص و ولع نداشته باشد از بدترین مردم است.^۳

* اعتدال در کسب و کار

یکی دیگر از خصلت‌های پسندیده، میانه‌روی در امور زندگی است، تجارت و کسب و کار هم از این امر استثناء نبوده و مستحب است انسان در کسب و کار اعتدال و میانه‌رو باشد و در طلب مال و روزی نه کوتاهی و تنبلی ورزد و نه حریص باشد.^۴

* نماز اول وقت

از اموری که می‌تواند نشانگر ارادت باطنی انسان به خدا باشد مساله نماز و رعایت وقت آن می‌باشد. خداوند متعال در ستایش بندگان مومن می‌فرماید:

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - يُحِبُّ الْمُخْتَرِفَ الْأَمِينَ. (کافی (ط - دارالحدیث)، ج ۹، ص ۶۴۲).

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: ثَلَاثَةٌ يُدْخِلُهُمُ اللَّهُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ إِمَامٌ عَادِلٌ وَ تَاجِرٌ صَدُوقٌ وَ شَيْخٌ أَفْنَى عُمُرِهِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ. (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص ۹۹ - ۹۸).

۳. عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: شِرَارُ النَّاسِ الزَّارِعُونَ وَ الثَّجَارُ إِلَّا مَنْ شَحَّ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ. (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص ۱۰۳).

۴. همان.

«رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ»^۱

مومنین، مردانی هستند که تجارت و خرید و فروش نمی‌تواند آن‌ها را از یاد خدا و اقامه نماز و پراخت زکات بازدارد.

در تفسیر این آیه مبارکه و شأن نزول آن فرموده‌اند: منظور از این مردان، آهنگران و مهره‌فروشان بودند، که هرگاه چکش و مهره سوراخ کن را بلند می‌کردند و در آن هنگام صدای اذان را می‌شنیدند، دست از کار خود کشیده و مهره سوراخ کن را از مهره، بیرون نیاورده و چکش زدن را رها کرده و آن را به سویی می‌انداخت و نماز را بپا می‌داشتند.^۲

امام رضا علیه السلام هم سخن خود را مستند به این آیه کرده و می‌فرماید: زمانی که مشغول به تجارت هستید اگر وقت نماز برسد، مواظب باشید کار تجاری شما را از نماز دور نکنند؛ خدا در قرآن قومی را ستایش نموده و گفته است: «مردانی که تجارت و خرید و فروش آن‌ها را از ذکر خدا باز نمی‌دارد»^۳ و این افراد تجارت می‌کنند ولی وقتی زمان نماز فرا می‌رسد تجارت خود را رها کرده و به نماز می‌ایستند و اجر این افراد بیشتر از کسانی است که حرفه و شغلی ندارند و نماز می‌خوانند.^۴

آری نماز در شریعت اسلامی به قدری مهم است که خود پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در میدان جنگ نیز از نماز اول وقت غافل نمی‌شدند.

باید توجه داشت هدف از خلقت انسان‌ها، بندگی کردن برای خداوند متعال می‌باشد بنابراین شایسته است که انسان مومن، نماز و سایر

۱. سورة النور، آیه ۳۷.

۲. جَاءَ فِي تَفْسِيرِ قَوْلِهِ تَعَالَى لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ إِنَّهُمْ كَانُوا حَدَّادِينَ وَخَزَائِينَ فَكَانَ أَحَدُهُمْ إِذَا رَفَعَ الْمِظْرَقَةَ أَوْ غَرَزَ الْأَشْفَى فَيَسْمَعُ الْأَذَانَ لَمْ يُخْرِجِ الْأَشْفَى مِنَ الْمَغْرِرِ وَلَمْ يَحْضِرْ بِالْمِظْرَقَةِ وَرَمَى بِهَا وَقَامَ إِلَى الصَّلَاةِ. (مجموعه ورام، ج ۱، ص ۴۳).

۳. سورة نور، آیه ۳۷.

۴. قَالَ الرضا علیه السلام ... وَإِذَا كُنْتَ فِي تِجَارَتِكَ وَحَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَلَا تَشْغَلْكَ عَنْهَا مَتَحَرِّكْ فَإِنَّ اللَّهَ وَصَفَ قَوْمًا وَمَدَحَهُمْ فَقَالَ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَكَانَ هَؤُلَاءِ الْقَوْمُ يَتَجَرَّوْنَ فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ تَرَكُوا تِجَارَتَهُمْ وَقَامُوا إِلَى صَلَاتِهِمْ وَكَانُوا أَغْظَمَ أَجْرًا مِمَّنْ لَا يَتَجَرَّوْنَ فَيُصَلُّوْنَ (بحار الأنوار ط - بيروت)، ج ۱۰۰، ص ۱۰۰.

عبادت‌های خود را در رأس همه امور قرار دهد. امروزه با توجه به اینکه که اوقات شرعی به صورت منظم در اختیار همگان قرار گرفته است انسان می‌تواند با برنامه ریزی منظم در کارها، از فضیلت نماز اول وقت و نمازهای جماعت بهره ببرد.

* درآمد پاک و حلال

موضوع مهم دیگری که انسان باید همیشه به آن توجه داشته باشد کسب درآمد حلال و شرعی است. چرخ زندگی در طول تاریخ چرخیده و در هر برهه‌ای از زمان، عده‌ای به اوج قدرت و مقام رسیده‌اند و عده‌ای با فقر تنگدستی دست و پنجه نرم نموده‌اند، در چنین وضعیتی است که برخی از انسان‌ها سخت‌ترین روزها را در امتحان الهی سپری می‌کنند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: عبادت، هفتاد جزء است که بهترین آن، کسب حلال می‌باشد.^۱ و هم‌چنین از آن حضرت روایت شده که می‌فرمود: هر کس از دسترنج خود بخورد خداوند با نظر رحمت به او نگاه کرده و هیچ وقت او را عذاب نمی‌کند^۲ و با سرعت برق آسا از پل صراط عبور می‌کند^۳ و تمام درهای بهشت به روی او باز شده و از هردری که بخواهد می‌تواند وارد بهشت شود^۴ و در قیامت در شمار انبیاء بوده و ثواب پیامبران را خواهد برد.^۵ هم‌چنین امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: نبرد کردن با شمشیر

۱. عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا أَوْ أَفْضَلُهَا جُزْءُ

طَلَبُ الْحَلَالِ (بحار الأنوار - ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص ۷.

۲. عَنْهُ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَنْ أَكَلَ مِنْ كَيْدِ يَدِهِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ ثُمَّ لَا يُعَذِّبُهُ أَبَدًا. (مستدرک

الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص ۲۴).

۳. عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ: مَنْ أَكَلَ مِنْ كَيْدِ يَدِهِ مَرَّةً عَلَى الصِّرَاطِ كَانَتْ بَرَقِ الْخَاطِفِ

(مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص ۲۳).

۴. عَنْهُ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَنْ أَكَلَ مِنْ كَيْدِ يَدِهِ حَلَالًا فَتُحِلَّ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ

(بحار الأنوار - ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص ۱۰.

۵. عَنْهُ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَنْ أَكَلَ مِنْ كَيْدِ يَدِهِ كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي عِدَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَيَأْخُذُ ثَوَابَ

الْأَنْبِيَاءِ. (بحار الأنوار - ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص ۱۰.

آسانتر از به دست آوردن مال حلال است.^۱ و نیز از ایشان نقل شده که فرموده است: هر کس شب را خسته از طلب حلال به روز برساند، گناهانش بخشیده می‌شود.^۲

* درآمد حرام

اگر خدای نکرده انسان فریب شیطان را خورده و به کسب حرام رو آورد قطعاً این مال حرام، اثرات زیانبار در زندگی او داشته و باعث شقاوت وی در دنیا و آخرت خواهد شد و اعمال خوب او را هم ضایع خواهد کرد.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: اگر کسی، مالی را از راه حرام کسب کند خداوند او را به فقر و فلاکت خواهد کشاند.^۳ و نیز می‌فرماید: خداوند متعال فرشته‌ای دارد که هر شب ندا می‌کند هر کسی که مال حرام بخورد خداوند نمازهای واجب و مستحب او را قبول نمی‌کند.^۴ و همچنین از آن حضرت نقل شده است که فرموده است: کسی که مال حرام می‌خورد و عبادت می‌کند، مثل کسی است که روی ماسه (یا آب)، ساختمان می‌سازد.^۵

و نیز امام علی علیه السلام می‌فرماید: از بزرگ‌ترین حسرت‌های روز قیامت، حسرت مردی است که مالی را از راه حرام کسب کرده و بعد از وفاتش، بازماندگان وی، آن مال را در راه خدا انفاق کنند و وارد بهشت شوند ولی صاحب مال به خاطر کسب حرام وارد جهنم شود.^۶

۱. قال أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: ... مجالدة السيوف أهون من طلب الحلال. (کافی - ط - دارالحدیث)، ج ۱۰، ص ۵۰.

۲. عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ بَاتَ كَالًا مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ بَاتَ مَغْفُورًا لَهُ. (بحار الأنوار - ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص ۲.

۳. عَنْ أَبِي قَلَابَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَنْ كَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ جِلِّهِ أَفْقَرَهُ اللَّهُ. (بحار الأنوار - ط - بیروت)، ج ۶۶، ص ۳۸۲.

۴. قَالَ ﷺ: فَإِنَّ اللَّهَ مَلَكًا يُنَادِي عَلَى نَبْتِ الْمَقْدِسِ كُلَّ لَيْلَةٍ مَنْ أَكَلَ حَرَامًا مَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ صَرَفًا وَلَا عَدْلًا وَالصَّرْفُ النَّافِلَةُ وَالْعَدْلُ الْفَرِيضَةُ. (بحار الأنوار - ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص ۱۶.

۵. وَعَنْ ﷺ قَالَ: الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّيْلِ وَقِيلَ عَلَى الْمَاءِ. (بحار الأنوار - ط - بیروت)، ج ۸۱، ص ۲۵۸.

۶. وَقَالَ عَلَى ﷺ إِنَّ أَعْظَمَ الْخَسِرَاتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ خَسِرَةُ رَجُلٍ كَسَبَ مَالًا فِي غَيْرِ طَاعَةٍ.

همچنین امام هادی علیه السلام در مورد مال حرام می فرماید: مال حرام افزوده نمی شود و اگر افزایش یابد، برکتی در آن وجود ندارد و اگر در راه خدا صرف شود أجر و ثوابی نخواهد داشت. مال حرامی که بعد از وفات شخص باقی می ماند وسیله ای برای رفتن به جهنم خواهد بود.^۱

* توبه از درآمد حرام

البته خداوند متعال با توجه به اینکه به بندگان خود لطف و محبت دارد راه بازگشت را به روی آنان نبسته بلکه آن ها را تشویق به توبه کرده است. و اگر شخصی از درآمد حرام دست برداشته و بخواهد جبران کند خداوند بخشنده و مهربان است. در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرموده است: اگر انسان یک دانق^۲ حرام را به صاحبش برگرداند ثواب آن معادل با هفتاد هزار حج بدون گناه خواهد بود.^۳

در روایت دیگری آن حضرت می فرماید: هر کسی که مشغول به خوردن غذای حلال می شود، فرشته ای بالای سرش ایستاده و او استغفار می کند تا اینکه از خوردن فارغ شود. و اگر لقمه ای از حرام در شکم بنده ای قرار گیرد، تمام فرشتگان آسمان و زمین او را لعنت می کنند. و تا زمانی که لقمه حرام در شکم آن شخص باشد خدا به او توجهی نمی کند. کسی که لقمه حرام می خورد غضب الهی گرفتار می شود ولی اگر توبه کند خدا گناهش را عفو می کند و اگر بدون توبه بمیرد آتش جهنم سزاوار اوست.^۴

اللّٰهُ فَوَزَّيْتُهُ رَجُلًا فَأَنْفَقَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَدَخَلَ بِهِ الْجَنَّةَ وَ دَخَلَ بِهِ الْأَوَّلُ النَّارَ.

(بحارالانوار - ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص ۱۲).

۱. قَالَ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام يَا دَاوُدُ إِنَّ الْحَرَامَ لَا يَنْمِي وَإِنْ نَمَى لَا يُبَارِكُ لَهُ فِيهِ وَمَا أَنْفَقَهُ لَمْ يُؤْجَزْ عَلَيْهِ وَمَا خَلَقَهُ كَانَ زَادَهُ إِلَى النَّارِ (کافی - ط - دارالحدیث)، ج ۹، ص ۶۸۳).

۲. سکه قدیمی که ارزش خیلی کمی داشته است.

۳. وَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله لَرُدُّ دَانِقٍ مِنْ حَرَامٍ يَغْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ سَبْعِينَ أَلْفَ حِجَّةٍ مَبْرُورَةٍ. (بحارالانوار

- ط - بیروت)، ج ۱۰۱، ص ۲۹۶).

۴. وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ قَامَ عَلَى رَأْسِهِ مَلَكٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ حَتَّى يَنْفَعَهُ مِنْ أَكْلِهِ وَقَالَ صلی الله علیه و آله إِذَا وَقَعَتِ اللَّقْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِي جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ

* استقامت در راه کسب درآمد حلال

نکته آخر در مورد کسب حلال که نباید از آن غفلت کنیم، استقامت در کسب حلال است. ممکن است بسیاری از انسان‌ها با فطرت پاکی که دارند به کسب حلال مشغول شوند اما با گذشت زمان و مشکلات زندگی و عواملی از این قبیل، کم کم، برخی از آن‌ها از راه مستقیم منحرف شده و با توجیه کردن کارهای خود در دام شیطان بیفتند و ناخواسته در آمد خود را با حرام مخلوط نمایند. لذا شایسته است انسان در تمامی عمر خود، کاملاً هوشیار بوده و نسبت به کسب خود، دقت کافی داشته باشد. در این صورت قطعاً مورد عنایت خداوند متعال واقع می‌شود؛ پیامبر ﷺ در این مورد می‌فرماید: هر کسی که چهل روز غذای حلال بخورد، خداوند قلبش را نورانی می‌کند.^۱ همچنین فرموده است: هر کسی که یک لقمه حرام خورد چهل روز نمازش قبول نشده و دعایش اجابت نمی‌شود، هرگوشتی که از حرام در بدن او رشد می‌کند سزاوار دوزخ است. همانا یک لقمه هم باعث رویش گوشت می‌شود.^۲

و فِي الْأَرْضِ وَمَا دَامَتِ اللَّقْمَةُ فِي جَوْفِهِ لَا يَنْظُرَ اللَّهُ إِلَيْهِ وَمَنْ أَكَلَ اللَّقْمَةَ مِنَ الْحَرَامِ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَإِنْ مَاتَ فَالتَّارُ أَوَّلَى بِهِ. (بحار الأنوار - ط - بیروت)، ج ۶۳، ص ۳۱۴.

۱. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: مَنْ أَكَلَ الْحَلَالَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ. (بحار الأنوار - ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص ۱۶.

۲. عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: مَنْ أَكَلَ لَقْمَةً حَرَامًا لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَلَمْ تُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا وَكُلُّ لَحْمٍ يُثْبِتُهُ الْحَرَامُ فَالتَّارُ أَوَّلَى بِهِ وَإِنَّ اللَّقْمَةَ الْوَاحِدَةَ تُثْبِتُ اللَّحْمَ. (بحار الأنوار - ط - بیروت)، ج ۶۳، ص ۳۱۵-۳۱۴.



کتابخانه شخصی
میرزا محمد علی

* ۱. آداب مستحبی در انجام معامله

❖ فرق نگذاشتن بین مشتریان

مستحب است انسان بین مشتریان خود فرق نگذارد و با همه آنها به یک نحور رفتار کند و در نرخ اجناس، با انصاف معامله کند.^۱

❖ مراعات طرف مقابل در اندازه گیری کالا

مستحب است که فروشنده وزن کالا را کمی بیشتر از مقدار مورد معامله اندازه گیری کند و برای خریدار هم مستحب است که خودش کمتر بگیرد.^۲
امیرالمؤمنین علیه السلام در بازار کنیزی را دید که از قصاب گوشت می خرد و به او می گوید: بیشتر بده، آن حضرت به قصاب فرمود: بیشتر از وزن معامله شده به او گوشت بده زیرا برکت آن بسیار زیاد است.^۳

۱. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۲، ص ۲۳۲؛ تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب

الإمامیة (ط - الحدیثة)، ج ۲، ص ۲۵۰؛ (توضیح المسائل - محشی - امام خمینی)، ج ۲، ص ۱۹۴.

۲. عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ: مَنْ أَخَذَ الْمِيزَانَ بِيَدِهِ فَنَوَى أَنْ يَأْخُذَ لِنَفْسِهِ وَافِيًا لَمْ يَأْخُذْ إِلَّا رَاجِحًا وَمَنْ أَعْطَى فَنَوَى أَنْ يُعْطَى سَوَاءٌ لَمْ يُعْطِ إِلَّا نَاقِصًا. (وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۹۳).

۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَرَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام عَلَى جَارِيَةٍ قَدْ اشْتَرَتْ لَحْمًا مِنْ قِصَابٍ وَ هِيَ تَقُولُ زِدْنِي فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام زِدْهَا فَإِنَّهُ أَكْثَرُ لِلْبَرَكَةِ. (وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۹۲).

گوشت یا سایر کالاهایی که در مقابل پول مشخصی به مشتری، داده می‌شود معامله‌ای است که هریک از طرفین به خاطر نفع خود اقدام به انجام آن می‌کنند ولی وقتی فروشنده بیشتر از سهم مشتری به او می‌دهد لطفی است که فروشنده به خاطر خدا در حق مشتری انجام می‌دهد و خود این کار باعث برکت بسیار زیاد در روزی او می‌شود.

علاوه بر اینکه بیشتر دادن کالا از طرف فروشنده مستحب است، وی باید مطمئن شود که سهم کامل مشتری را پرداخت کرده است. امام صادق (ع) می‌فرماید: پرداخت کامل حق مشتری زمانی صورت می‌گیرد که در اندازه‌گیری کالا، بیشتر اندازه‌گیری کنیم.^۱ طبیعتاً اگر کسی در این مساله کوتاهی نماید باعث می‌شود مال حرام در اموال وی مخلوط شده و باعث بدبختی او شود. امام صادق (ع) در جمع یاران خود فرمود: دو چیز است که باعث هلاکت و بدبختی اقوام قبل از شما بوده است. همه پرسیدند: ای فرزند پیامبر! آن دو صفت چیست؟ امام فرمود: پیمانانه کشیدن و وزن کردن.^۲

نکته دیگری که در بحث وزن یا اندازه‌گیری کالا باید ملاحظه نماییم این است که اگر شخصی توان، و اطلاعات کافی در این مورد ندارد نباید به این کار اقدام نماید. به امام صادق (ع) گفتند شخصی که کالاها را پیمانانه می‌کند قصدش این است که حق مشتری را به طور کامل رعایت نماید ولی هنگام انجام کار نمی‌تواند آن را درست انجام بدهد؟ امام پاسخ داد: اطرافیان وی که با او سرو کار دارند نظرشان در مورد عملکرد ایشان چیست؟ راوی می‌گوید به امام گفتیم: اطرافیان می‌گویند: نمی‌تواند درست انجام دهد! امام فرمود: این شخص نباید به این کار اقدام نماید.^۳

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: لَا يَكُونُ الْوَفَاءُ حَتَّى يَرْجَعَ. وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۹۲.
۲. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): إِنَّ فِيكُمْ خَصْلَتَيْنِ هَلَكَ بِهِمَا مَنْ قَبْلَكُمْ مِنَ الْأُمَمِ قَالُوا وَمَا هُمَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ الْمِكْيَالُ وَالْمِيزَانُ. (وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۹۴).
۳. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: قُلْتُ لَهُ رَجُلٌ مِنَ نِسْتِهِ الْوَفَاءَ وَهُوَ إِذَا كَانَ لَمْ يُخْسِنَ أَنْ يَكِيلَ قَالَ فَمَا يَقُولُ الَّذِينَ حَوْلَهُ قُلْتُ يَقُولُونَ لَا يُوفَى قَالَ هَذَا لَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَكِيلَ.

* ۲. امور مکروه و ناپسند در انجام معامله

در کسب و کار لازم است انسان خصلت‌های ناپسند را کنار بگذارد و نسبت به سخنان و رفتار خود احساس مسئولیت نشان دهد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: هر کسی که خرید و فروش می‌کند باید از پنج صفت اجتناب نماید:

۱. در خرید و فروش مرتکب ربا نشود.
 ۲. قسم نخورد.
 ۳. عیب کالا را مخفی نکند.
 ۴. هنگام فروش، کالا را نستاناید و هنگام خرید، کالا را مذمت نکند.^۱
- پیامبر صلی الله علیه و آله در جای دیگری می‌فرماید: وای بر بازرگانان و کاسبان امت من از قسم خوردن و وای بر صنعتکاران امت من از «امروز و فردا کردن».^۲
- یعنی انسان نباید در کسب و کار خود قسم بخورد چون قسم خوردن دروغ حرام است و قسم راست مکروه می‌باشد. و همچنین کاسب باید به تعهداتی که می‌دهد عمل کند و رعایت حال مشتری را نماید و از تأخیر در انجام کار خودداری کند.
- امام رضا علیه السلام می‌فرماید: هر کسی که تجارت می‌کند باید از دروغ گفتن پرهیز نماید.^۳ یکی دیگر از مکروهات کسب و کار این است که انسان مومن و کاسب متدین، زودتر از همه به بازار برود و در برگشت از بازار دیرتر از همه به خانه برگردد.^۴

برخی از مسائل ریز که بعضاً مورد توجه ما قرار نمی‌گیرد ممکن است از امور ناپسندی باشد که در احادیث از آن‌ها نهی شده است. امام صادق علیه السلام

(وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۳۹۴).

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ بَاعَ وَ اشْتَرَى فَلْيَجْتَنِبْ خَمْسَ خِصَالٍ وَ إِلَّا فَلَا يَبِيعَنَّ وَ لَا يَشْتَرِيَنَّ الرِّبَا وَ الْحَلْفَ وَ كِثْمَانَ الْعَنِيَةِ وَ الْحَمْدَ إِذَا بَاعَ وَ الدَّمَ إِذَا اشْتَرَى. «بحار الأنوار

(ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص ۹۶).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: وِیلَ لِتِجَارَةِ امْتِي مِنْ «لَا وَ اللَّهِ» وَ «بِلی وَ اللَّهِ». وَ وِیلَ لِصَنَاعَةِ امْتِي مِنْ «الْیَوْم» وَ «غدا». (من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۶۰).

۳. قال الرضا علیه السلام: وَ مَنْ اشْتَرَى فَلْيَجْتَنِبِ الْكَذِبَ.... (فقه الرضا علیه السلام، ص ۲۵۱).

۴. تحریر الوسيلة، ج ۱، ص ۵۰۱.

می‌فرماید: قبل از خریدن کالا، مزه کردن و چشیدن آن اشکالی ندارد ولی چیزی را که نمی‌خواهید بخرید، مزه نکنید.^۱

منظور این است اگر انسان قصد خرید کالایی را دارد خوردن مقداری از آن برای فهمیدن مزه یا طعم و سایر ویژگی‌های آن اشکالی ندارد ولی اگر قصد خرید کالا را نداشته باشیم چنین حقی نداریم.

۱. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فَيْضٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَشْتَرِي مَا يُدَاقُ أَيْدُوهُ قَبْلَ أَنْ يَشْتَرِيَهُ قَالَ نَعَمْ فَلْيَذُوقْهُ وَلَا يَذُوقَنَّ مَا لَا يَشْتَرِيهِ. (بحار الأنوار ط - بيروت)، ج ۱۰۰، ص ۹۹.

بخش دوم

مقدمه



مشاغل مرتبط با طلا و سایر فلزات قیمتی مانند نقره، برنز، برلیان از شغل‌های رایج در سراسر جهان است که شامل گروه‌های ساخت، فروش و تعمیر زیورآلات و موارد مشابه آن می‌باشد. شاغلین محترم در این صنف با توجه به گروه کاری خود با انواع زیورآلات سروکار دارند.

کالا‌های مورد معامله در این صنف از قیمت بالایی برخوردار بوده بدین جهت لازم است که صاحبان این مشاغل در حفظ، نگهداری و انتقال کالا کمال دقت و احتیاط را داشته باشند و نیز مسائل امنیتی از قبیل وجود گاوصندوق، نمایان بودن داخل مغازه در شب، امتناع از باز کردن مغازه در اوقات خلوت را رعایت نمایند تا از بروز اتفاقات ناگوار جلوگیری به عمل آید. بدان جهت سزاوار است که اصناف محترم طلاکار همانند سایر شاغلین، هر روز قبل از شروع به کار و فعالیت، مقداری صدقه بدهند. در روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: در اول روز صدقه بدهید تا به خاطر همین صدقه، بلائی محقق نشود.^۱

زیرا اگر کسی به خدا توکل کرده و تدبیرات لازم را انجام دهد و روز خود را با صدقه شروع کند امید است که اتفاق ناگواری برای او نیفتد. البته در این زمینه دعا‌هایی نیز رسیده است.

۱. عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَمْرٍو النَّخَعِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله:
بَكِّرُوا بِالصَّدَقَةِ؛ فَإِنَّ الْبَلَاءَ لَا يَنْحَطُّهَا. (کافی - دارالحدیث)، ج ۷، ص ۲۱۸-۲۱۷.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: اگر بخواهی حرزی برای کالای خود قرار دهی تا در امان باشند بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَوْدَعْتُكَ يَا مَنْ لَا يُضَيِّعُ وَدِيعَتَهُ وَاسْتَخَرْتُكَ فَاحْفَظْهُ عَلَيَّ وَاحْرُسْهُ لِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَبِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ وَبِعِزِّكَ الَّذِي لَا يَذِلُّ وَبِسُلْطَانِكَ الْقَاهِرِ الْغَالِبِ لِكُلِّ شَيْءٍ.^۱

خدایا این مال را، در نزد تو امانت می‌گذارم و نگهداری آن را به تو واگذار می‌کنم. آن را برای من حفظ نما. خدایا با چشمان خودت که هیچ وقت به خواب نمی‌روند مراقبت نما و آن را در پناه رکن خودت که همیشگی است نگه دار! با عزت خودت که هیچ ذلتی در آن راه ندارد و با تسلط فراگیر و مقتدر خودت که در مورد تمامی اشیاء داری، مال مرا از حفظ نما.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرموده است: زمانی که دوست داشتی کالای خویش در امان بوده و محفوظ بماند آیه الکرسی را بخوان و آن را نوشته و در وسط کالا قرار بده و همچنین این آیه را بنویس که خداوند بزرگ می‌فرماید:

﴿وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ﴾^۲ لَا ضَيْعَةَ عَلَى مَا حَفِظَ اللَّهُ ﴿فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾^۳.

ما از پیش رو و پشت سر، سدی دور آن‌ها کشیده و ایشان را با آن پوشانده‌ایم و دیگر جایی را نمی‌بینند. چیزی را که خدا حفظ کند هیچ وقت از بین نمی‌رود. پس اگر اعراض کردند بگو خدا مرا بس است، معبودی نیست جز او، من بر او توکل می‌کنم و او پروردگار عرش بزرگ است.

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱۰۰، ص ۱۰۳.

۲. سوره یس، آیه ۹.

۳. سوره توبه، آیه ۲۹.

اگر این موارد انجام شود کالای خود را حفظ و در امان قرار داده‌ای و انشاء الله هیچ آسیبی به آن نخواهد رسید.^۱

لازم است به این نکته توجه شود، اصلی ترین ماده‌ای که طلاکاران محترم به شکل‌های مختلف با آن سروکار دارند طلاست.

امروزه این ماده به دو نوع یعنی طلای سفید و زرد عرضه می‌گردد. البته هدف ما بیان جزئیات کاری اصناف محترم نبوده و این‌گونه مسائل در جای خود بررسی شده است. ما در این نوشته قصد داریم آداب و احکام مرتبط با طلا و نقره و سایر جواهرات و زیورات زنانه و مردانه را بررسی کنیم. طلا یکی از فلزات گرانبهایی است که در طول تاریخ برای زینت کردن به کار گرفته شده است و در توصیف نعمتهای بهشتی هم از این ماده نام برده شده است. خداوند متعال در آیه ۳۱، سوره کهف می‌فرماید: «يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ»^۲ مومنین در بهشت با دست‌بندهایی از طلا آراسته می‌شوند. و در آیه ۷۱، سوره زخرف می‌فرماید: «يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصُحُفٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَافٍ» برای مومنین، ظرف‌ها و جام‌های طلایی در گردش است. انا از هر چیزی که خواستند استفاده نمایند.]

در زمان قدیم، طلا علاوه بر زینت، در معاملات نیز به کار گرفته می‌شود. سکه طلا با ارزشترین پول رایج در آن زمان بوده است که مردم برای ارزش‌گذاری کالا از آن استفاده کرده و در خرید و فروش از آن بهره می‌بردند. ولی در قرن اخیر، اسکناس‌ها، جای سکه‌های طلا و نقره را گرفته‌اند و این دو فلز، جایگاه خود را در معاملات از دست داده‌اند ولی به عنوان کالایی مستقل مورد خرید و فروش قرار می‌گیرند.

امروزه طلا به خاطر مصارف مختلف آن در عرصه جهانی، از ارزش زیادی برخوردار شده است. و می‌تواند در اقتصاد و رونق کشورها نقش

۱. وعنه [زید الزناد] قال سمعته [أبا عبد الله عليه السلام] يقول: إِذَا أَحْرَزْتَ مَتَاعاً فَأَقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ

اَكْتُبْهُ وَصَعْهُ فِي وَسْطِهِ وَ اَكْتُبْ ... (جامع أحاديث الشيعة (للبرجودي) ج ۲۳، ص ۲۵۴).

۲. این آیه در سوره حج، آیه ۲۳ و در سوره فاطر آیه ۳۳ نیز ذکر شده است.

موثر داشته باشد. بنابراین لازم است مسلمانان در کشورهای خود آداب و اخلاق اسلامی را در زمینه تولید، مصرف و معاملات این عنصر جهانی و گران قیمت بشناسند و به وظیفه خود عمل نمایند.

یکی دیگر از فلزات گرانبه‌اء که مورد توجه انسان‌ها بوده است نقره می‌باشد که در زمان‌های گذشته درزینت و داد و ستد استفاده می‌شد.

در قرآن کریم، نقره نیز مانند طلا از زینت‌های اخروی شمرده شده است. خداوند متعال در آیه ۲۱ سوره انسان می‌فرماید:

﴿عَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٌ خُضْرٌوَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ

رَبُّهُمْ شَرَاباً طَهُوراً﴾ بهشتیان لباس‌هایی است از حریر نازک سبزرنگ و

دیبا^۱ ضخیم بر تن دارند، و با دستبندهایی از نقره تزیین شده‌اند، و

پروردگارشان نوشیدنی گوارا به آن‌ها می‌نوشاند.

و در آیات قبل از این آیه می‌فرماید:

﴿وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِآنِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا﴾^۲ «قواریرا

مِنْ فِضَّةٍ قَدَرُوهَا تَقْدِيرًا»^۳ یعنی: [خدام بهشتی] با جام‌های نقره‌ای و

کوزه‌های بلورین در اطراف آن‌ها دور می‌زنند. کوزه‌های بلورین که در

اندازه‌های مناسب از نقره ساخته شده‌اند.

البته زینت کردن، منحصر به طلا و نقره نبوده و مواردی دیگری هم

وجود دارد که در ادامه ذکر خواهد شد.

۱. پارچه ابریشمین رنگین. (فرهنگ معین).

۲. الإنسان: ۱۵.

۳. الإنسان: ۱۶.

✱ طلا در زمان قدیم

در زمان قدیم دو گروه در شغل خود با طلا سرو کار داشتند: گروه اول، افرادی که به کار قالب ریزی طلا می پرداختند و آن را به شکل زیورآلات به مردم می فروختند و گروه دوم، صرافان که به مبادله سکه های طلا و نقره خرید و فروش آن می پرداختند. در روایات به هر دو گروه اشاره شده و مطالبی در باره آن ها بیان گردیده است. که در پایین توضیح خواهیم داد.

✱ سازنده طلا و زیورآلات

یکی از کارهای که در زمان قدیم نیز رایج بوده است قالب ریزی فلزات بوده است؛ اگرچه در کار آن ها دقت کافی وجود نداشته است ولی می توانستند کارهای قابل قبولی ارائه دهند. کسانی که به ساخت و قالب ریزی طلا مشغول بودند با عنوان «صائغ» شناخته می شدند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد کسانی که به قالب ریزی طلا و تولید زیورآلات می پرداختند، فرموده است: زرگر (طلا ساز)، دنیا دوستی را برای امت من به ارمغان می آورد.^۱ طلا، نقره و سایر زیورآلات از جلوه های دنیوی است که می تواند زمینه ی مناسبی برای فریب افراد جامعه باشد. بدین جهت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تذکر می دهد تا خود طلافروش و دیگران متوجه این نکته باشند و در دام شیاطین انس و جن گرفتار نشوند.

۱. قال النبی صلی الله علیه و آله: أَمَّا الصَّائِغُ فَأَنَّهُ يَبْعَالِجُ رَيْنَ أُمَّتِي. (جامع أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۲،

ص ۷۲۴. [در برخی از منابع به جای کلمه «رین»: زین، دین، غبن ذکر شده است.]

در روایت دیگری ذکر شده: طلا و نقره از سنگهای مسخ شده می باشند و هر کس آن دورا دوست داشته باشد با آن ها خواهد بود.^۱

یعنی اگر کسی به خاطر علاقه به طلا و جواهر مسیر زندگی خود را تغییر دهد و از راه مستقیم الهی منحرف گردد قطعاً نتیجه کار او در قیامت همین سنگ ها خواهد بود که در آنجا هیچ ارزشی ندارند. و به عبارت دیگر با همین سنگ های به ظاهر ارزشمند محسور می شود.

این نکته را امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز در توصیه های خود به یکی از اصحابش به نام نوف بکائی تذکر داده و می فرماید: هر کس که ما را دوست داشته باشد، در روز قیامت همراه ما خواهد بود و اگر کسی یک سنگ را دوست داشته باشد، در قیامت با آن سنگ محسور خواهد شد.^۲

* شغل صرافی

دومین گروه که در زمان های گذشته با طلا سرو کار داشته اند صرافان بوده اند. صراف به کسی گفته می شود که در مبادلات انواع پول ها مهارت داشته و این کار را به عنوان شغل خود انتخاب نموده است. امروزه نیز صرافان همین کار را می کنند و در هر کشوری پول رایج آن کشور را به پول های دیگر تبدیل می کنند.

تفاوتی که صرافان امروزی با صرافان قدیم دارند در این است که بخشی از پول مبادله ای در زمان قدیم از جنس طلا و نقره بوده است.

بنابراین صرافان در زمان قدیم، توانایی کافی در تشخیص طلا نیز داشته اند. آن ها با دینار طلا و درهم نقره، سرو کار داشته اند و پول های مختلف را شناخته و عیار هر کدام را مشخص می کردند. و بالاخره کار

۱. أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنُ عُمَرَ بْنِ زَيْدٍ قَالَ: الذَّهَبُ وَالْفِصَّةُ حَجَرَانِ مَسْخُوحَانِ فَمَنْ

أَحَبَّهُمَا كَانَ مَعَهُمَا. (الخصال، ج ۱، ص ۴۴).

۲. عَنْ نَوْفٍ الْبِكَالِيِّ قَالَ: ... يَا نَوْفُ مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ

حَجَرَ الْحَشَرَةِ اللَّهُ مَعَهُ. (الأمالي (للصدوق)، ص ۲۱۰).

اصلی آن‌ها تعویض پول هر شهر و هر کشوری با پول‌های دیگر بوده است. صراف در مقابل انجام چنین کارهایی «حق الصّرف» می‌گرفته است. در روایتی، شغل صراف می‌مکروه دانسته شده است. اسحاق بن عمار می‌گوید: «نزد امام صادق (ع) رفتم و به امام خبر دادم که پسری به من عطاء شده است. امام (ع) فرمود: آیا او را محمد ننامیدی؟ گفتم: چنین کرده‌ام. امام (ع) فرمود: پس محمد را زن و به او ناسزا نگو. خداوند او را روشنی چشم تو در زندگی‌ات قرار دهد و پس از مرگ تو جانشین راست‌گفتار و راست‌کردار تو خواهد بود.

اسحاق می‌گوید به امام گفتم: فدایت شوم! او را به چه کاری بگذارم؟ امام (ع) فرمود: او را از پنج شغل دور نگه دار، و سپس هر جا که خواستی او را بگذار، ۱. در نزد صراف نگذار؛ چرا که صراف از ربا سالم نمی‌ماند. ۲. او را به کفن فروش نسپار؛ چون از شیوع وبا خوشحال می‌شود. ۳. او را نزد کسی که مواد خوراکی می‌فروشد نگذار، چون از احتکار سالم نمی‌ماند. ۴. او را پیش قصابی که زیاد حیوانات را ذبح می‌کند، نگذار، چون مهربانی از وی سلب می‌شود. ۵. او را به برده فروش نسپار؛ چرا که پیامبر اکرم (ص) فرموده است: بدترین مردم، فروشنده انسان است.^۱

روشن است که معنای کراهت صراف، حرمت و عدم جواز نیست بلکه به این معنی است که پسندیده و محبوب خدا و پیامبر (ص) نمی‌باشد بنابراین اگر کاسب، مراقبت کافی داشته باشد می‌تواند به این شغل اقدام نماید. سدید صیرفی از اصحاب امام صادق (ع) می‌گوید: به امام عرض

۱. حق الصّرف: پولی است که صراف به خاطر نظر کارشناسی خود، دریافت می‌کرده است.
 ۲. عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَخَبَرْتُهُ أَنَّهُ وَلَدَ لِي غُلَامٌ قَالَ أَلَا سَمَّيْتَهُ مُحَمَّدًا - قُلْتُ قَدْ فَعَلْتُ قَالَ فَلَا تُصْرِبْ مُحَمَّدًا - وَلَا تُسَمِّهِ جَعَلَهُ اللَّهُ قُرَّةَ عَيْنٍ لَكَ فِي حَيَاتِكَ وَ خَلَفَ صِدْقٍ بَعْدَكَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فِي أَيِّ الْأَعْمَالِ أَضَعُهُ قَالَ إِذَا عَدَلْتَهُ عَنْ خَمْسَةِ أَشْيَاءَ فَضَعُهُ حَيْثُ شِئْتَ لَا تُسَلِّمُهُ صَبْرِيًّا فَإِنَّ الصَّبْرِيَّ لَا يَسْلَمُ مِنَ الزَّهْوِ وَلَا تُسَلِّمُهُ بَيْعًا أَكْثَانَ فَإِنَّ صَاحِبَ الْأَكْفَانِ يَسْرُو الْوَبَاءَ إِذَا كَانَ وَلَا تُسَلِّمُهُ بَيْعًا طَعَامَ فَإِنَّهُ لَا يَسْلَمُ مِنَ الْإِحْتِكَارِ وَلَا تُسَلِّمُهُ جَزَارًا فَإِنَّ الْجَزَارَ تُسَلِّبُ مِنْهُ الرَّحْمَةَ وَلَا تُسَلِّمُهُ تَخَاسًا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ سَرَّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ النَّاسَ. (وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۳۶-۱۳۵).

کردم: از حسن بصری خبری به من رسیده که اگر راست باشد **إِنَّا لِلّهِ** و **إِنَّا إِلَيْهِ** راجعون. یعنی کار ما تمام است، حضرت پرسید آن چیست؟ عرض کردم: شنیده‌ام که او بارها گفته است: «اگر مغزش از حرارت خورشید به جوش آید به سایه دیوار صراف پناه نمی‌برد، و اگر کبدش از تشنگی قطعه قطعه شود از خانه صراف آب طلب نمی‌کند.» و این در حالی است که کار و شغل من صرافی است و براساس درآمد حاصل از این کار، گوشت و خون من روئیده و با همین درآمد به حج و عمره رفته‌ام.

سدیر می‌گوید: حضرت نشست، سپس فرمود: حسن بصری دروغ گفته است. تو با حساب دقیق، تحویل بگیر و با حساب دقیق تحویل بده، و در وقت نماز هر چه در دست داری رها کرده و به نماز برخیز. آیا نمی‌دانی که اصحاب کهف^۱ صراف بوده‌اند.^۲ بنابراین امام می‌خواهد بفرماید: اگر کسی در شغل خود موازین شرعی را رعایت نموده و نماز خود را اول وقت بخواند کار او اشکالی ندارد و ارزشمند خواهد بود.

۱. البته شیخ صدوق مؤلف کتاب «من لا یحضره الفقیه» گفته است: منظور از صراف بودن اصحاب کهف این است که آن‌ها صراف کلام بوده‌اند. محققین در شرح این روایت افزوده‌اند: «مقدّسین از انجام شغل صرافی خودداری می‌کردند زیرا صراف‌ها دقت کافی در وزن و شناخت عیار به کار نمی‌بردند. بنابراین توجیه یا بیان مؤلف اینست که: ای سدیر تو خود عقلت را به کار بند و ببین کلام حسن بصری تا چه حد درست و تا چه حد نادرست است مانند اصحاب کهف که صراف کلام بودند و حق و باطل را تمییز می‌دادند.» (من لا یحضره الفقیه / ترجمه غفاری، علی اکبر و محمد جواد بلاغی، صدر، ج ۴، ص ۲۱۱-۲۱۰).

۲. رَوَى عَنْ سَدِيرِ الصَّيْرِفِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدِيثَ بَلَّغْنِي عَنِ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ فَإِنْ كَانَ حَقًّا فَإِنَّا لِلّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ قَالَ وَمَا هُوَ قُلْتُ بَلَّغْنِي أَنَّ الْحَسَنَ كَانَ يَقُولُ لَوْ عَلَى دِمَاعِهِ مِنْ حَرِّ الشَّمْسِ مَا اسْتَقْطَلَ بِحَائِطِ صَيْرِفِيِّ وَلَوْ تَفَرَّقَتْ كِبْدُهُ مَاءً وَهُوَ عَمَلِي وَتِجَارَتِي وَعَلَيْهِ نَبَتْ لَحْمِي وَدَمِي وَمِنْهُ حَجَّتِي وَعُمْرَتِي قَالَ فَجَلَسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ كَذَبَ الْحَسَنُ خُذْ سَوَاءً وَاعْطِ سَوَاءً فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَدَعْ مَا بِيَدِكَ وَانْهَضْ إِلَى الصَّلَاةِ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ كَانُوا صَيَارِفَةً. (من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۹).

* زینت

زینت و آراستگی همیشه محبوب بشر بوده و انسان‌ها در طول تاریخ برای رسیدن به آن، خود را به رنج و زحمت انداخته‌اند. متأسفانه امروزه این ویژگی به اوج خود رسیده و از ضروریات زندگی مردم، محسوب می‌شود. در حالی که اگر زینت نمودن، فقط به خاطر هواهای نفسانی باشد باعث بدبختی خود شخص و دیگران خواهد شد. اگر زنان و دختران در حالی که آرایش و زینت آن‌ها در معرض دید نامحرم قرار دارد در جامعه حضور پیدا کنند این امر باعث انحراف مردان و پسران اجنبی خواهد شد.

به عبارت دیگر، بی توجهی مردم نسبت به انحراف دیگران باعث انحراف خود آن‌ها خواهد شد. بدین جهت پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: هر مردی که راضی باشد زنش زینت کرده و از خانه بیرون رود غیرت و مردانگی خود را از دست داده است و هر کسی او را بی غیرت بخواند گناه نکرده است. و نیز اگر زن از خانه خارج شود در حالی که زینت کرده و عطر زده و شوهرش به این کار راضی باشد برای هر قدمی که زن برمی‌دارد برای شوهرش، خانه‌ای از آتش آماده می‌شود.^۱

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ... وَأَيُّمَا رَجُلٍ رَضِيَ بِتَزْيِينِ امْرَأَتِهِ وَتَخَرَّجَ مِنْ بَابِ دَارِهَا فَهُوَ دَيُّوْتُ وَلَا يَأْتُمُ مِنْ يَسْمِيهِ دَيُّوْنَا وَالْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ مِنْ بَابِ دَارِهَا مَتَزَيِّنَةً مُتَعَطِّرَةً وَالزَّوْجُ بِذَاكَ رَاضٍ يُنْبِي لَزَوْجِهَا بِكُلِّ قَدَمٍ نَبَتْ فِي النَّارِ... (جامع الأخبار (للمعیری)، ص ۱۵۸).

* زینت پسندیده

این مساله نباید مورد غفلت قرار گیرد که زینت در برخی از موارد شایسته است. طبق احادیث، مرتبه‌ای از آراستگی، همیشه پسندیده بوده و وظیفه همه مسلمانان می‌باشند.

امام حسن علیه السلام هنگام نماز بهترین لباس خود را می‌پوشید و می‌فرمود: خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد و من برای خدای خودم زینت می‌کنم. زیرا خدا در آیه ۳۱، سوره اعراف می‌فرماید: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» هنگام رفتن به مسجد (و یا انجام هر عبادتی) زینت داشته باشید. پس من دوست دارم که در نماز بهترین لباس خود را بپوشم.^۱

و نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی که ویژگی‌های مومن را تبیین می‌کند می‌فرماید: مومن، باید آراسته باشد هر چند فقیر و تنگدست باشد.^۲

همچنین در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: زمانی که امیرالمؤمنین علیه السلام ابن عباس را به سوی خوارج فرستاد، او بهترین لباس خود را پوشید و عطر خوش بویی بر روی خود زده و بر بهترین مرکب خود سوار شده و به سوی خوارج رفت. خوارج با دیدن او گفتند: ابن عباس تو بهترین مردم هستی اما با پوشش شاهانه پیش ما آمده ای؟! ابن عباس این آیه را تلاوت کرد: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»^۳ ای پیامبر بگو: زینت‌هایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و نیز روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام نموده است؟! و در ادامه‌ی حدیث، راوی می‌گوید امام صادق علیه السلام به من فرمود: بپوش و خودت را آراسته کن چون خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد ولی باید از حلال باشد.^۴

۱. عن خيشمة بن أبي خيشمة قال كان الحسن بن علي عليه السلام إذا قام إلى الصلاة لبس أجود ثيابه، فقيل له: يا ابن رسول الله لم تلبس أجود ثيابك فقال: إن الله تعالى جميل يحب الجمال فأتجمل لربي، و هو يقول: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» فأحب أن ألبس أجود ثيابي. (تفسير العياشي، ج ۲، ص ۱۴).

۲. المؤمن له.... تجمل في فاقة. (الكافي - ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۲۳۱.

۳. اعراف آیه ۳۲.

۴. عَنْ يُوْسُفَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ... قَالَ إِنَّ عَبْدَ اللَّهِ بِنَ

خوارج، گروهی از مسلمانان بودند که به خاطر تنگ نظری، تحجر، کوتاه فکری در مقابل حضرت علی علیه السلام صف آرایی نمودند. امیرالمؤمنین علیه السلام برای هدایت آن‌ها ابن عباس را که چهره‌ای شایسته و محبوب بین آن‌ها بود فرستاد. ولی آن‌ها از دیدن وضعیت ظاهری او تعجب نمودند چون گمان می‌کردند کسی که فضیلتش از دیگران بیشتر است نباید از زینت‌های دنیوی بهره ببرد. و به همین خاطر امام صادق علیه السلام این جریان را نقل می‌کند تا اشتباه بودن چنین تفکری را بفهماند.

بنابراین باید بین زینت حرام و زینت حلال تفاوت قائل شد و از افراط و تفریط در این مساله اجتناب نمود. علاقه به زیبایی و ابراز آن، خصائص فطری انسان‌هاست که باید بر اساس موازین شرعی کنترل شود تا انسان بتواند به سعادت دنیوی و اخروی دست یابد.

* زینت حرام

گسترش ابزار زینت از قبیل نوع پوشش، نحوه آرایش و استفاده از زیورآلات متنوع، زمینه‌ی مناسبی برای انحراف مردم، به خصوص جوانان ایجاد کرده است. در چنین زمانی است که بندگان مخلص خدا و دلسوزان جامعه باید برای رهایی فرزندان و اطرافیان خویش از دست شیاطین تلاش نموده و برای دستیابی به این امر ارزشمند، باید احکام و آداب شرعی را به طور کامل بیاموزند و آن را به دیگران آموزش دهند.

زینت کردن با وجود اینکه بر زیبایی انسان می‌افزاید اما به خاطر مفسده‌هایی که دارد در برخی از موارد حرام شمرده شده است. یعنی زینت به خودی خود حلال و در مواردی مستحب است ولی به اعتبار

عَبَّاسٌ لَمَّا بَعَثَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِلَى الْخَوَارِجِ فَوَاقَفَهُمْ لَيْسَ أَفْضَلَ ثِيَابِهِ وَ تَطَيَّبَ بِأَفْضَلِ طِبْيِهِ وَ رَكِبَ أَفْضَلَ مَرَائِجِهِ فَخَرَجَ فَوَاقَفَهُمْ فَقَالُوا يَا ابْنَ عَبَّاسٍ بَيْنَمَا أَنْتَ أَفْضَلُ النَّاسِ إِذَا أَنْتَيْنَا فِي لِبَاسِ الْجَبَابِرَةِ وَ مَرَائِجِهِمْ قَتَلَا عَلَيْهِمْ هَذِهِ الْآيَةَ - قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قَالُوا لَيْسَ وَ تَجَمَّلُ فَإِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ لَتَكُنَّ مِنْ خَلَالٍ. (الكافي - ط - الإسلامية)، ج ۶، ص ۴۴۲.

اشخاصی که زینتِ انسان را می بینند و یا با توجه به مکان ها و فضاهایی که زینت کننده در آن جا حضور پیدا می کند، گاهی زینت کردن حرام می شود. به صورت کلی هر چیزی که عرفاً، زینت بانوان محسوب می شود و یا باعث تحریک نامحرم شود باید زنان آن را از دید نامحرم بپوشانند.

خداوند در سوره نور، آیه ۳۱ به پیامبر ﷺ می فرماید به زنان مومن بگو: ﴿... وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ﴾^۱ به غیر از زینت ظاهری، زینت های خود را آشکار نکنند. و با روسری های خود گریانشان (گلو و دور گردن) را بپوشانند.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می فرماید: آشکار نبودن زینت یعنی آشکار نکردن محلی که زینت داده می شود. و در ادامه با نقل از روایتی^۲ می فرماید: منظور از زینت های ظاهری همان صورت، دو کف دست و قدم ها می باشد. بنا بر این شایسته است زنان، به نحو کامل، پوشش اسلامی را رعایت نمایند و حتی از مواردی که باعث می شود نامحرم، اندک توجهی به آن ها پیدا کند خودداری نمایند.

خداوند متعال در سوره نور، آیه ۳۱ می فرماید: ﴿وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ﴾ زنان، پاهای خود را چنان به زمین نکوبند که زینت های مخفی آنان معلوم شود.

و نیز در روایتی امام موسی بن جعفر علیه السلام حتی شنیده شدن صدای

۱. شاید منظور علامه رحمته الله روایتی است که از امام صادق علیه السلام نقل شده است با این مضمون: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام؛ فِي قَوْلِهِ جَلَّ سَنَاؤُهُ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا قَالَ الْوُجْهُ وَ الدَّرَازِعَان. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۲۷۵. در این روایت منظور از زینت ظاهری صورت و دو ذراع بیان شده است. البته در روایات دیگری مراد از زینت ظاهری، سرمه و انگشتریان شده است. مثلاً: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» قَالَ: «الزَّيْنَةُ الظَّاهِرَةُ: الْكُحْلُ وَ الْخَاتَمُ». کافی (ط - دارالحدیث)، ج ۱۱، ص ۱۹۷. در روایات، در مورد «قدمین» ظاهراً چیزی بیان نشده است. اما فقهاء در تفسیر آیه، آن را بیان کرده اند. مثلاً صاحب وافی در تفسیر «إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» می فرماید: الوجه و الکفین و القدمین. (الوافی، ج ۲۲، ص ۸۲۳).
۲. و المراد بزینتهن مواضع الزينة... و قد وردت الرواية أن المراد بما ظهر منها الوجه و الکفان (الميزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۱۱).

زیورآلات را هم ناپسند می‌شمارد. برادر امام موسی بن جعفر علیه السلام از آن حضرت پرسید: آیا به پا بستن خلخال برای زنان و اطفال جایز است؟ آن حضرت فرمود: اگر بی صدا باشد یا اگر صدا دارد به نحوی استفاده شود که ایجاد سرو صدا نکند اشکالی ندارد ولی اگر صدا داشته باشد خوب نیست.^۱

مخفی کردن زینت و داشتن عفاف کامل می‌تواند امنیت بیشتری را برای زنان به همراه داشته باشد. و افراد سست‌ایمان را از انحراف نگه دارد. خداوند متعال در سوره احزاب، آیه ۳۲ می‌فرماید:

﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾

ای زنان پیامبر، نازک و رقیق به نحوی که موجب طمع و هوس در دل بیمار دلان شود سخن نگوئید، لازم نیست سخت هم سخن بگوئید بلکه به طور متعارف صحبت کنید.

اگر چه ظاهر آیه، خطاب به زنان پیامبر است ولی با وجود قرائن موجود در آن، حکم عام از آیه استفاده می‌شود و عمل مذکور، وظیفه همه زنان مسلمان خواهد بود.

* زینت برای شوهر

زینت نمودن زن برای شوهر در دین اسلام امری بسیار شایسته می‌باشد و در حقیقت تدبیر الهی است برای پاسخ به حس درونی زنان که طبیعتاً علاقه مند به اظهار زیبایی‌های خود می‌باشند.

خداوند انسان را خلق کرده و از تمامی نیازهای روحی و جسمی او مطلع می‌باشد. بدین جهت در روایات، زنان مورد تشویق قرار گرفته‌اند تا در محیط خانه و در نزد همسر به خودآرایی و زینت کامل پردازد.

۱. سَأَلَهُ [عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ - أَخَاهُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام] عَنِ الْخَلَاخِلِ هَلْ يَصْلُحُ لُبْسُهَا لِلنِّسَاءِ وَالصَّبِيَّانِ قَالَ إِنَّ كُنَّ صَوَاءً فَلَا بَأْسَ وَإِنْ كَانَ لَهَا صَوْتُ فَلَا يَصْلَحُ. (من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۵۴).

چنین رفتاری مانع انحراف و به گناه افتادن دیگران می‌شود و در نهایت، زن می‌تواند محیط خانه‌ی خود را باطروات و شاداب نگه داشته و شیرینی زندگی را به اعضای خانواده و مخصوصاً به همسر خود هدیه نماید. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی، زینت کردن زن برای شوهر خود را یکی از اوصاف زنان شایسته معرفی می‌کند.

آن حضرت، خطاب به اصحاب خود فرموده است: آیا می‌خواهید بهترین زنان را معرفی کنم؟ اصحاب در جواب گفتند: آری یا رسول الله. حضرت فرمود: بهترین زنان، زنی است که زیاد بچه‌دار می‌شود و با عاطفه و محبت بوده و عفیف و پوشیده باشد، در خانواده‌اش با احترام نسبت به افراد خانواده رفتار نماید و برای شوهرش متواضع و فروتن باشد. با شوهر خود با عشق و علاقه و شوخی و مزاح برخورد نماید و نسبت به مردان نامحرم، مستور و نگهدار باشد و به سخن شوهر گوش فرا داده و درخواست‌های او را بپذیرد و در خلوت، خود را برای همسرش بیاراید و مانند مردان، ترک زینت نکند.^۱

البته مردان نیز در قبال زنان خود مسئول بوده و باید رفتار مناسب در مقابل زحمات و تلاش همسر خود ارائه نمایند.

به عبارت بهتر، ارج نهادن به زحمات خالصانه‌ای که زنان به شوهران خود نثار می‌کنند از وظایف شرعی و اخلاقی همه مردان بوده و باعث تحکیم خانواده خواهد بود. زن صالح همانند مرد صالح یکی از نعمت‌های الهی است که خدا در دنیا به بندگان خود اهدا کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: مرد مسلمان بعد از اسلام، بهترین فایده‌ای که می‌تواند داشته باشد، همسر مسلمانی است که نگاه به او، وی را شاد کرده و خواسته‌هایش را بپذیرد و در نبود مرد، مواظب نفس خود و اموال مرد باشد.^۲

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ نِسَائِكُمْ قَالُوا بَلَى قَالَ إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَلُودُ الْوَدُودُ السَّيِّئَةُ الْعَفِيفَةُ الْغَزِيرَةُ فِي أَهْلِهَا الذَّلِيلَةُ مَعَ بَغْلِهَا الْمُتَبَجِّعَةُ مَعَ زَوْجِهَا الْحَصَانُ عَنِ غَيْرِهِ النَّبِيُّ تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَتُطِيعُ أَمْرَهُ وَإِذَا خَلَا بِهَا بِذَلَّتْ لَهُ مَا أَرَادَ مِنْهَا وَلَمْ تَتَبَدَّلْ لَهُ تَبَدَّلَ الرَّجُلُ. (مکام الاخلاق، ص ۲۰۰).

۲. قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَايْدَةً بَعْدَ الْإِسْلَامِ أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرُهُ

❖ زینت در زمان عده

یکی دیگر از مواردی که زنان حق ندارند خود را آراسته و زینت کنند زمان «عده» می باشد. عده در اصطلاح شرعی زمان خاصی است که خداوند متعال آن را مشخص کرده تا زن در آن زمان از ازدواج مجدد با دیگران و زینت کردن خودداری نماید.^۱

عده دارای دو قسم می باشد: ۱. عده طلاق. ۲. عده وفات.

■ عده طلاق

عده طلاق، مدت زمانی است که زن باید بعد از طلاق منتظر باشد تا بتواند مجدداً ازدواج نماید. در این مدت، شوهر می تواند از طلاق خود انصراف داده و پیش زن خود برگردد و به اصطلاح فقهی از طلاق خود، رجوع نماید. خداوند متعال در مورد مدت عده طلاق در آیه ۲۲۸ سوره بقره می فرماید: «وَالْمُطَلَّاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ» زنانی که طلاق گرفته اند به اندازه سه پاکی انتظار بکشند. یعنی زن بعد از طلاق باید سه بار عادت ماهانه ببیند و پاک شود تا زمان عده تمام شود.

زنانی که طلاق گرفته اند و در ایام عده به سر می برند هنوز طلاق آن ها متزلزل است؛ بدین جهت شوهر حق ندارد زن مذکور را از خانه خود بیرون کند و زن نیز باید در این مدت از زینت کردن اجتناب نماید.

و نیز در آیه ۱ سوره طلاق می فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تَخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَيَلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي

إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا، وَطُطِيعُهُ إِذَا أَمَرَهَا، وَتَحَفَظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَمَالِهِ». (الکافی ط - دارالحدیث)، ج ۱۰، ص ۵۷۸-۵۷۷.

۱. العدة في اصطلاح الشرع والمتشعبة زمان خاص عينه الشرع للمرأة ومنعها فيه عن الزواج بغير من له العدة، وعن التزین بزینة.... (مصطلحات الفقه، ص ۳۷).

لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا» ای پیامبر زمانی که زنان را طلاق می‌دهید در زمان عده طلاق دهید [زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با همسرشان نزدیکی نکرده باشند] و حساب عده را نگه دارید و از خدایی که پروردگار شماست بترسید؛ آنان را از خانه‌هایشان بیرون نکنید، خودشان هم اقدام به ترک منزل نکنند مگر اینکه گناهی علنی مرتکب شوند که در این صورت می‌توانید آن‌ها را بیرون کنید. و اینها همه حدود خدا است و کسی که از حدود خدا تجاوز کند به نفس خود ستم کرده است. توجه می‌دانی شاید خدا بعد از طلاق و قبل از پایان عده، حادثه‌ای پدید آورد و شوهر به سوی همسرش برگردد. (واو را مجدداً به همسری قبول نماید).

علامه طباطبایی در تفسیر عبارت، "لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا" به روایتی^۱ استناد کرده و می‌فرماید: زنی که طلاق گرفته باید عده‌اش را در خانه‌اش نگه دارد، و در آن ایام، زینت خود را برای شوهرش ظاهر سازد تا شاید خدای تعالی دوباره محبت وی را در دل شوهرش بیفکند، و نفرت و کینه او را از دلش بیرون سازد.^۲

■ عده وفات

عده وفات، مدت زمانی است که زنان بعد از مرگ شوهر، از زینت کردن اجتناب می‌کنند. زنان مذکور در طول این مدت، حق ازدواج با اشخاص دیگر را ندارند. مدت زمان انتظار در آیه ۲۳۴ بقره بیان شده است. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَ

۱. عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ [الامام الصادق علیه السلام] أَوْ إِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُطَلَّاقَةِ: «تَعْتَدُ فِي بَيْتِهَا، وَ تُظْهِرُ لَهُ زِينَتَهَا؛ لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا». (کافی - دارالحدیث، ج ۱۱، ص ۵۵۸).

۲. وَفِي الْكَافِي، بِإِسْنَادِهِ عَنْ وَهْبِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُطَلَّاقَةِ تَعْتَدُ فِي بَيْتِهَا، وَ تَظْهَرُ لَهُ زِينَتَهَا - لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۳۱۹).

عَشْرًا» کسانی از شما که مردند و همسرانی از خود به جا گذاشتند، باید این زنان چهار ماه و ده روز انتظار بکشند.

در حدیثی از امام رضا علیه السلام نقل شده که می فرماید: زنی که شوهرش فوت کرده باید از زمانی که خبر مرگ او را شنید عده نگه دارد؛ زیرا می خواهد به پاس احترام شوهرش که از دنیا رفته زینت نمودن را ترک نماید.^۱

بنابراین، زن باید بعد از لحظه مرگ شوهرش، چهار ماه و ده روز عده نگه داشته و از زینت کردن اجتناب نماید.

☆ افراط و تفریط در استفاده از زینت‌ها

اسراف (افراط) در لغت به معنای تجاوز کردن از حد متعارف و معقول است که شامل سخن گفتن و اعمال می شود و در مورد مخارج و هزینه ها بیشتر رواج دارد.^۲ افراط و تفریط در هیچ کاری شایسته نیست و مسلمان باید در زندگی خود اعتدال داشته باشد.

خداوند متعال در مورد اسراف کنندگان می فرماید:

﴿إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾.^۳

یعنی اسراف کنندگان برادران شیطان هستند و همان گونه که شیطان نسبت به پروردگار خود کفران نمود، اسراف کاران نیز این چنین می باشند.

شایسته نیست در کشور اسلامی عده ای از مردم با بهره گیری از امکانات مختلف، اسراف نمایند، در حالی که برخی از مردم، در تهیه لوازم ضروری زندگی، دچار مشکلات زیاد باشند.

وجود رفاه و امکانات دنیوی نباید انسان را دچار غفلت نموده و آخرت را از یاد ببرد. انسان زمانی که در سختی ها، مشکلات و مرض ها گرفتار

۱. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام، قَالَ: «الْمُتَوَفَّى عَنْهَا زَوْجُهَا تَعْتَدُ حِينَ يَبْلُغُهَا؛ لِأَنَّهَا تُرِيدُ أَنْ تُحْدَ عَلَيْهِ. (کافی - دارالحدیث)، ج ۱۱، ص ۶۱۱.

۲. الاسراف: مجاوزة الحد فی کل قول، أو فعل. و هو فی الإنفاق أشهر. (القاموس الفقہی لغة واصطلاحاً، ص ۱۷۰).

۳. سوره اسراء، آیه ۲۷.

می شود خدا را خاضعانه فرا می خواند ولی متأسفانه بعد از استجاب دعا همه چیز را فراموش کرده و گرفتار جلوه های ظاهری حیات دنیوی می شود. خداوند متعال در این باره می فرماید:

﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِحَنِيهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۱ از سوی دیگر مسلمان نباید نسبت به خود و اهل خانه سختگیر باشد بلکه لازم است در حد توان به زندگی خود وسعت داده و آنچه مورد نیاز اهل و عیال خویش است، تهیه نماید.

با وجود اینکه پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام در زندگی شخصی خود جانب احتیاط را رعایت می کردند و در امور مادی با سختی زندگی می نمودند؛ اما چنین روشی را برای ما جایز ندانسته اند.

یکی از اصحاب امیرالمؤمنین علی (ع) به ایشان عرض کرد: یا امیرالمؤمنین، از برادرم (عاصم بن زیاد) به توشکایت دارم. امام فرمود: چه شکایتی؟ عرضه داشت: برادرم لباسی کهنه پوشیده و دل از دنیا بریده. حضرت فرمود: او را نزد من حاضر کنید. آن شخص به محضر امام حاضر شد. امام به او فرمود: ای دشمن جان خویش، شیطان پلید تو را به بیراهه کشیده، آیا به زن و فرزند خود رحم نمی کنی؟! آیا نمی دانی که خداوند چیزهای پاکیزه را بر تو حلال کرده؟! و تواز پذیرش آن ها سرباز می زنی! تو نزد خداوند کوچکتر از آنی که با تو این گونه رفتار نماید.

عاصم گفت: یا امیرالمؤمنین، تو خود با لباس خشن و غذای ساده زندگی می کنی! حضرت فرمود: وای بر تو، من همانند تو نیستم، زیرا خداوند بر پیشوایان عادل واجب فرموده که خود را با مردم تهیدست برابر قرار دهند تا تهیدستی بر فقیر سنگینی نکند و او را از پای در نیاورد.^۲

۱. سوره یونس، آیه ۱۲.

۲. فَقَالَ لَهُ الْعَلَاءُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَشْكُو إِلَيْكَ أَخِي عَاصِمَ بْنَ زِيَادٍ قَالَ وَمَا لَهُ قَالَ لَيْسَ الْعَبَاءَةُ وَتَخَلَّى عَنِ الدُّنْيَا قَالَ عَلِيُّ بِهِ فَلَمَّا جَاءَ قَالَ يَا غَدِي تَفْسِهِ لَقَدْ اسْتَهَامَ

☆ زینت جهت خودنمایی

مسلمان باید نسبت به مسائل زندگی خود شناخت کامل پیدا کرده تا بتواند به درستی عمل نموده و از تقلید کورکورانه در امان بماند. متأسفانه امروزه، خودنمایی و اظهار فخر بر دیگران، به یکی از افتخارات رایج در دنیا تبدیل شده و برخی از مردم آن را جزء ضروریات زندگی خود می‌دانند.

اگر زینت به طلا و یا سایر جواهرات، جهت خودنمایی و اظهار فخر بر دیگران باشد، مذموم بلکه در بعضی مواقع حرام است.

خداوند متعال در سوره نساء، آیه ۳۶ می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا﴾

خدا، انسان متکبر فخر فروش را دوست ندارد.

همچنین پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: هر کس حلال دنیایی را به قصد دنیا فروشی و فخر فروشی طلب نماید، خدا را در حالی ملاقات می‌کند که از دست او خشمگین است. و هر کس دنیا را به خاطر حفظ آبرو در تأمین نیازهای خود و خویشتن داری طلب کند، در روز قیامت با صورتی نورانی شبیه ماه شب چهارده وارد قیامت می‌شود.^۱

اظهار فضل و برتری مختص به زمان خاصی نبوده و همیشه این حس، در انسان‌ها وجود داشته است. و حتی بعضی از افراد به خاطر مسائلی که هیچ گونه ارزشی ندارد بر دیگران فخر نموده‌اند. خداوند متعال در آیات ابتدائی سوره تکوین می‌فرماید:

﴿الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ ۚ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ۚ كَلَّا سَوْفَ نَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ نَعْلَمُونَ ۚ﴾

بِكَ الْغَيْبُ أَمْ مَا رَحِمْتُ أَهْلَكَ وَ لَكَ اللَّهُ أَهْلٌ لَكَ الظُّلُمَاتِ وَ هُوَ يَكْرَهُ أَنْ تَأْخُذَهَا أَنْتَ أَهْلُوهَا عَلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ قَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا أَنْتَ فِي خُشُونَةٍ مُلْبَسِكَ وَ خُشُونَةٍ مَا كَلِمَتِكَ قَالَ وَ يَحْكُ إِنِّي لَسْتُ كَأَنْتَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَرَضَ عَلَى أَيْمَةِ [الْحَقِّ] الْعَدْلِ أَنْ يَقْدِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَنْتَبِغَ بِالْفَقِيرِ فَقَرَهُ. (نهج البلاغة للصبحی صالح)، ص ۳۲۵-۳۲۴.

۱. وَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا حَلَالًا مُكَاثِرًا مُفَاخِرًا لِقَى اللَّهَ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ وَ مَنْ طَلَبَهَا اسْتِغْفَافًا عَنِ الْمَسْأَلَةِ وَ صِيَانَةً لِنَفْسِهِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةً الْبُذْرُ (مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۵۳).

فخر نمودن در داشتن مال و نفرت بیشتر، شما را از سعادت واقعی دور کرد تا آنجا که به شمردن مردگان خود نیز پرداختید. ولی این کارها، مشکلات شما را برطرف نکرده و به زودی خواهید فهمید، به زودی! علامه طباطبائی در تفسیر این آیات می‌فرماید: خداوند، مردم را به خاطر فخر نمودن درباره اموال و اولاد و افراد و غفلت از عذاب اخروی و شقاوت انسان به شدت مورد توبیخ قرار داده و تهدید می‌کند که به زودی حقایق را می‌فهمند.^۱

همچنین خداوند متعال در قرآن، قوم هود علیه السلام را به خاطر خودنمایی در ساختن بناها و کاخ‌ها مورد توبیخ قرار داده و می‌فرماید:

﴿أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ﴾^۲

چرا در هر مکانی، بیهوده نشانی بنا می‌کنید؟ و قصرها می‌سازید؟ مگر در دنیا جاودانه زنده خواهید بود؟

گویا قوم هود در بالای کوه‌ها و نقاط بلند، ساختمان‌هایی به بلندی کوه می‌ساختند، تا برای گردش و تفریح بدانجا روند، بدون اینکه غرض دیگری در نظر داشته باشند، بلکه صرفاً به منظور فخر نمودن به دیگران و پیروی از هوی و هوس، خداوند متعال در این آیه ایشان را بر این کارشان توبیخ و سرزنش می‌کند.^۳

۱. توبیخ شدید للناس علی تلهیهم بالتکاثرفی الأموال و الأولاد و الأعضاء و غفلتهم عما وراء من تبعه الخسران و العذاب، و تهدید بأنهم سوف یعلمون (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۵۰).

۲. سوره الشعراء آیه ۱۲۸ و ۱۲۹.

۳. ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص ۴۲۱.

❖ تجملات در زندگی

با وجود اینکه طلا در زندگی اشخاص زیاد کاربرد دارد اما نباید بهانه‌ای برای تجمل‌گرایی باشد. استفاده نامناسب از طلا و سایر وسایل زینتی در داخل خانه و یا ساخت خانه اگر متناسب با نیازها نبوده باشد طبیعتاً روحیه تجمل‌گرایی را افزایش داده و مردم را از یاد خدا غافل می‌سازد و به ورطه هلاک خواهد کشاند.

خداوند متعال در آیه ۶، سوره قصص می‌فرماید:

«وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ.» هر چیزی که به شما داده شده است، وسیله زندگی دنیا و زیور آن می‌باشد. و آنچه نزد خدا است به‌تر و پایدارتر است؛ آیا باز هم تعقل نمی‌کنید؟

ظاهراً خداوند متعال در این آیه می‌خواهد، امکانات مادی و آنچه را که برای زندگی دنیا مورد نیاز است به عنوان اموری زودگذر معرفی می‌کند. بنابراین انسان باید از فکر خود استفاده نموده و ذخایری را که برای همیشه ماندگار هستند برای زندگی خویش انتخاب نماید.

در روایات نیز، تجمل‌گرایی مورد نکوهش قرار گرفته است. انس بن مالک از اصحاب پیامبر ﷺ می‌گوید: روزی رسول خدا ﷺ از منزل بیرون آمده بود که (بر سر ساختمانی) قبه‌ای بلند دید. پرسید: این چیست؟ اصحاب گفتند: این ساختمان از آن یکی از انصار است. پیامبر ﷺ چیزی نگفت تا وقتی که صاحب آن قبه آمد و در میان مردم سلام کرد، پیامبر ﷺ از او روی گرداند. و چند بار تکرار کرد، تا آن مرد از خشم پیامبر و اعراض ایشان آگاه شد. سپس آن مرد انصاری نزد اصحاب گله کرد و گفت: من متوجه نگاه عصبانی رسول خدا ﷺ شده‌ام، ولی نمی‌دانم چه شده است و من چه کاری کرده‌ام؟ گفتند: پیامبر ﷺ قبه‌ای که بر روی ساختمان خود ساخته بودی را دید و پرسید: «این قبه مال کیست؟» و ما به او گفتیم که مال تو می‌باشد. سپس آن مرد رفت و قبه‌ی ساخته شده بر روی ساختمان خویش را ویران نموده و با زمین یکسان کرد.

رسول خدا ﷺ روز دیگری بیرون آمده بود و آن قبه را ندید؛ پرسید: قبه‌ای که اینجا بود چه شد؟ گفتند: صاحب آن قبه، علّت [ناراحتی و] اعراض تو را از ما جویا شد و ما جریان پیش آمده را به او گفتیم و او آن قبه را ویران کرد. پیامبر ﷺ فرمود: هر بنایی که ساخته شود، در روز قیامت و بالی برای صاحب خود خواهد بود، مگر ساختمانی باشد که به اندازه‌ی نیاز صاحب آن بوده باشد.^۱ حضرت علی علیه السلام از درب خانه‌ای که با آجر ساخته شده بود، رد می‌شد [و این خانه طوری ساخته شده بود که زیبایی آن به چشم می‌خورد] حضرت پرسید: این خانه مال چه کسی است؟ برخی جواب دادند:

۱. إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ خَرَجَ فَرَأَى قَبَّةً مَشْرُفَةً، فَقَالَ: مَا هَذِهِ؟ قَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ: هَذَا لِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ؛ فَمَكَثَ حَتَّى إِذَا جَاءَ صَاحِبُهَا فَسَلَّمَ فِي النَّاسِ، أَعْرَضَ عَنْهُ. وَصَنَعَ بِهِ ذَلِكَ مَرَارًا حَتَّى عَرَفَ الرَّجُلُ الْغَضَبَ وَالْإِعْرَاضَ عَنْهُ، فَشَكَا ذَلِكَ إِلَى أَصْحَابِهِ وَ قَالَ: وَاللَّهِ إِنِّي لَا أَكْرَهُ نَظَرَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَا أَدْرِي مَا حَدَثَ فَيَ وَمَا صَنَعْتُ؟ قَالُوا: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَرَأَى قَبْتَنَكَ فَقَالَ: لِمَنْ هَذِهِ؟ فَأَخْبَرْنَاهُ. فَرَجَعَ إِلَى قَبْتِهِ فَسَوَّاها بِالْأَرْضِ؛ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ فَلَمْ يَرَ الْقَبَّةَ، فَقَالَ: مَا فَعَلْتَ الْقَبَّةَ الَّتِي كَانَتْ هَاهُنَا؟ قَالُوا: شَكَا إِلَيْنَا صَاحِبُهَا إِعْرَاضَكَ عَنْهُ، فَأَخْبَرْنَاهُ، فَهَدَمَهَا. فَقَالَ: إِنَّ لِكُلِّ بِنَاءٍ بَيْنِي، وَبِالْأَرْضِ عَلَى صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، إِلَّا مَا لَا بَدَّ مِنْهُ. (الحياة/ ترجمه احمد آرام، ج ۴، ص ۲۸۴).

خانه‌ی فلان کس است که شخصی فریب خورده (ودنیارگرا) است. امام راه خود را ادامه داد و به در خانه دیگری رسید که مانند خانه‌ی قبلی از آجر ساخته شده بود، فرمود: این هم فریب خورده‌ای دیگر.^۱

با توجه به مطالب ذکر شده مشخص گردید که تمامی جلوه‌های زندگی، زینتی برای مردم قرار داده شده است تا امتحان شوند. بنابراین لازم است که انسان از این دام‌های شیاطین با دقت عبور کرده و به مقصد نهایی برسد. خداوند متعال در آیه ۱۴ سوره آل عمران می‌فرماید:

﴿زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِصَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْخَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ﴾^۲ «علاقه به شهوات یعنی زنان و فرزندان و گنجینه‌های پراز طلا و نقره و اسبان نشان‌دار و چارپایان و مزرعه‌ها زینت زندگی دنیا قرار داده شده است. (شیطان این امور را در چشم انسان جلوه داده و زینت می‌نماید.) همه اینها، کالای موقت در زندگی دنیا است، و سرانجام نیک، نزد خداست.

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌فرماید: حب و علاقه به نعمتهای دنیایی از اموری است که خدا در غریزه انسان قرار داده تا انگیزه‌ای برای ادامه حیات داشته باشند. چون اگر غریزه حب دنیا در انسان، قرار داده نمی‌شد، زندگی او در این کره خاکی دوام نمی‌یافت، کسی به دنبال تولید مثل نمی‌رفت، و نسل بشر قطع می‌شد، و حال آنکه خدای سبحان اراده کرده تا بشر مدت معینی در زمین زندگی کند، چون در روز اول خلقت بشر به حضرت آدم فرمود: ﴿وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ﴾^۳ شما تا زمان مشخص شده در زمین مستقر خواهید بود و از نعمت‌های آن بهره‌مند خواهید شد.

۱. مَرَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِبَابِ رَجُلٍ قَدْ بَنَاهُ مِنْ آجُرٍ فَقَالَ لِمَنْ هَذَا الْبَابُ قِيلَ لِمَغْرُورٍ الْفُلَانِيِّ ثُمَّ مَرَّ بِبَابٍ آخَرَ قَدْ بَنَاهُ صَاحِبُهُ بِالْآجُرِ فَقَالَ هَذَا مَغْرُورٌ آخَرُ. (بحارالانوار (ط - بیروت)،

ج ۷۳، ص ۱۵۰؛ المحاسن، ج ۲، ص ۶۰۸).

۲. سوره اعراف، آیه ۲۴.

بنابراین خواست الهی برایین قرار گرفته که انسان‌ها، علاقمند و دوستدار دنیا باشند ولی باید آن را وسیله زندگی آخرت خود قرار داده و از نعمت‌های دنیا، به نحوی که برای آخرت انسان مفید است استفاده نماید.

امکانات مادی از قبیل، خانه، ماشین، لباس، غذا، و... همه از زینت‌های دنیا است که چشم همگان را خیره کرده و باعث می‌شود تا مردم برای کسب آن‌ها از هر روشی استفاده کنند. در چنین مواردی است که شیطان زمینه‌ی مناسبی برای فریب انسان پیدا کرده و با جلوه دادن این امکانات، دلربایی می‌کند.

بدان جهت انسانِ مومن باید هوشیار بوده و از امکانات و لذت‌های دنیوی بهره برداری نماید؛ ولی حدود الهی را رعایت نموده و کمال دقت را در کسب و کار و زندگی خویش داشته باشد.

* انفاق طلا و نقره

اموال دنیا جذابیت و شیرینی خاصی برای همگان دارند لذا دل‌کندن از آن‌ها در دنیا و مخصوصاً لحظه مرگ کار سخت و دشواری است.

انفاق نمودن اموال یکی از روش‌هایی است که می‌تواند این محبت را از دل‌ها بیرون کند؛ اگر انسان به مظاهر دنیا و امکاناتی که در اختیار دارد شدیداً علاقه‌مند باشد ممکن است مایه شقاوت و بدبختی وی شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حب دنیا سرچشمه‌ی همه‌ی بدی‌هاست.^۱

به عبارت روشن‌تر انسان تا زمانی که زنده هست می‌تواند از اموال خودش در راه خدا بهره برده و آخرت خویش را آباد نماید زیرا بعد از مرگ معلوم نیست اموال ما در چه راهی مصرف خواهند شد.

خداوند متعال در آیه ۲۵۴، سوره بقره می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «... حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ...». (کافی ط - دارالحدیث)،

ج ۳، ص ۳۳۹.

وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ ای کسانی که ایمان دارید پیش از آنکه روزی بیاید که در آن هیچ معامله و دوستی و شفاعتی نباشد (یعنی روز قیامت) از آنچه روزی شما شده انفاق کنید و بدانید کافران همانا ظالمان نسبت به خود و دیگران می باشند.

انفاق طلا و نقره نیز از این امر مستثنی نبوده بلکه ممکن است تاثیر بیشتری در سعادت انسان داشته باشد. و انفاق نمودن آن موجب شقاوت وی گردد. علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۶۷ سوره بقره که می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِنْ طَبِئَاتٍ مَا كَسَبْتُمْ﴾ از حضرت علی علیه السلام روایتی نقل نموده که آن حضرت فرموده است: یعنی از طلا و نقره [انفاق کنید].^۱

و نیز خداوند متعال در آیه ۳۴، سوره توبه می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَتَّقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ کسانی را که به جمع آوری طلا و نقره می پردازند و آن را در راه خدا انفاق نمی کنند به عذاب دردناک بشارت بده. (از آن برسان)

سکه های قدیمی بعضاً از جنس طلا و نقره بوده و ارزش زیادی در نزد مردم داشتند و برخی به خاطر رفاه بیشتر به جمع آوری آن ها می پرداختند و از انفاق آن خودداری می کردند. خداوند در این آیه، عذاب الهی را به آن ها تذکر می دهد.

* طلا در مسجد

استفاده از طلا در مساجد اگر چه شرعاً حرام نیست اما زینت و تجملات در مساجد امر شایسته و مناسبی نیست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی، زینت کردن مساجد و همچنین تزئین قرآن با طلا را یکی از خصلت های ناپسند می داند. در این روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وضعیت قبل از قیامت را توضیح داده و در ادامه می فرماید: در آن زمان مساجد را زینت داده و قرآن ها را با طلا

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۰۳.

۲. سوره توبه، آیه ۳۴.

مزین می‌کنند و از منبرهای بلند استفاده می‌کنند و صفوف مردم زیاد شده و صدای گریه و زاری در مسجدها به گوش می‌رسد. و مردم در کنار هم بوده و بدن‌هایشان یکجا جمع می‌شود، ولی سخنانشان متفاوت بوده و دین هر کس، لقلقه زبان اوست....^۱

* مذمت استفاده از نقره

چنانچه ذکر شد طلا و نقره فقط وسیله‌ای برای تأمین نیازهای انسان می‌باشد. ولی متأسفانه این دو فلز با توجه به جلوه‌ی ظاهری که دارند جزء آمال و آرزوهای برخی از مردم شده است.

خداوند در قرآن، ارزشمند بودن نقره را مورد نکوهش قرار داده و می‌فرماید:

﴿وَلَوْ لَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لَبُيُوتِهِمْ

سُقْفًا مِنْ فِصَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ﴾^۲ اگر ترس این نبود که مردم

به خاطر دیدن نعمت کافران و محرومیت مؤمنان، همگی رو به

کفر بیاورند، هر آینه برای خانه‌های کافران، سقفی از نقره درست

می‌کردیم، و با درجاتی بر دیگران غلبه می‌دادیم.

خدا در این آیه می‌خواهد بیان کند که ظواهر مادی مثل نقره ارزش

واقعی ندارند و سزاوار نیست که مومنین در دنیا به آن‌ها مشغول شده و از

یاد خدا غافل شوند، و این امور برای کفاری که آگاهانه دست از ارزش‌های

الهی کشیده‌اند جلب توجه می‌نماید و به خود مشغول می‌سازد و اگر

مشکلی پیش نمی‌آمد آن‌ها را به تمامی کفار عرضه می‌کردیم.

خدا دوست دارد مومنین با دور ماندن و وابسته نشدن به مظاهر مادی

و تحمل سختی‌ها و رنج‌ها به تقویت ایمان خود پردازند. در روایتی از

۱. تُزَخَّرُفُ الْمَسَاجِدُ وَ تُذَهَّبُ بِالْمَصَاحِفِ وَ تُغْلَى الْمَنَابِرُ وَ تَكْثُرُ الصُّنُوفُ وَ تَرْتَفِعُ

الصَّجَّاتُ فِي الْمَسَاجِدِ وَ تَجْتَمِعُ الْأَجْسَادُ وَ الْأَلْسُنُ مُخْتَلِفَةً وَ دِينُ أَحَدِهِمْ لُغَةً عَلَى

لِسَانِهِ (ارشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، ج ۱، ص ۶۷).

۲. الزخرف: ۳۳.

پیامبر ﷺ نقل شده است که می فرماید: بلاءِ بزرگ با ثوابِ بزرگ جبران می شود. و زمانی که خدا بنده ای را دوست داشته باشد او را به بلاهای بزرگ مبتلاء می سازد.^۱

۱. عَنْ أَبِي عُبَيْدٍ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ عَظِيمَ الْبَلَاءِ يُكَافَأُ بِهِ عَظِيمُ الْجَزَاءِ، فَإِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا ابْتَلَاهُ بِعَظِيمِ الْبَلَاءِ...». (کافی (ط - دارالحدیث)، ج ۳، ص ۶۳۶).



برخی از سنگ‌های معدنی به خاطر ویژگی‌هایی که دارند سنگ زینتی محسوب می‌شوند. مانند سنگ عقیق، زمرد، یاقوت و مشابه اینها که از قدیم رایج بوده‌اند و یا مثل برلیان که در این زمان رایج شده است. بعضی از سنگ‌های زینتی علاوه بر فایده‌ی زینتی خود دارای فوائد معنوی نیز می‌باشند که در روایات ذکر شده است. و با اهمیت‌ترین آن‌ها عبارتند از:

❖ عقیق

عقیق یکی از سنگ‌های زینتی است که خلقتش همراه با ویژگی‌های خاصی است. از امام حسین علیه السلام نقل شده که می‌فرماید: هنگامی که خدا حضرت موسی را آفرید، در طور سینا با او سخن گفت. سپس نگاهی به زمین کرد و از نور روی خود، عقیق را آفرید، آن‌گاه فرمود: به حق خودم قسم! دستی را که عقیق داشته باشد، عذاب نخواهم کرد، به شرط آنکه علی علیه السلام را دوست داشته باشد.^۱

۱. عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ كَلَّمَهُ عَلَى طُورِ سَيْنَا ثُمَّ أَظْلَعَ عَلَى الْأَرْضِ أَظْلَاعَهُ فَخَلَقَ مِنْ نُورِ وَجْهِهِ الْعَقِيقَ ثُمَّ قَالَ أَلَيْتُ بِنَفْسِي عَلَى نَفْسِي إِلَّا أَعَذَّبْتُ كَفَّ لَابِسِهِ إِذَا تَوَلَّى عَلِيًّا بِالنَّارِ. (ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، النص، ص ۱۷۵).

عقیق آثار قابل توجهی دارد که در احادیث به آن‌ها اشاره شده است. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که می‌فرماید: انگشتر عقیق به دست کنید که دارای برکت است و هر کس این کار را انجام دهد امید است که حاجتش به بهترین وجه برآورده شود.^۱

همچنین امام رضا علیه السلام می‌فرماید: عقیق فقرا از بین می‌برد و استفاده از انگشتر عقیق باعث از بین رفتن نفاق می‌گردد.^۲

حضرت در جای دیگر از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که ایشان زیاد می‌فرمود: هر کس انگشتر عقیق به دست کند فقیر نمی‌شود و حاجاتش به بهترین صورت برآورده می‌شود.^۳ و نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده که می‌فرماید: هیچ دستی که به درگاه خداوند دراز می‌شود محبوب‌تر از دستی که بر آن انگشتر عقیق باشد، نیست.^۴

عقیق با وجود اینکه یک نوع سنگ معدنی است اما دارای آثار و خواص مهمی است، و اثر داشتن یک سنگ نباید باعث تعجب ما شود چون برخی از آثار معنوی بر ما پوشیده هستند.

توضیح بیشتر اینکه حوادث دنیا بر اساس علت و معلول پیش می‌رود و این سنت الهی است. اما باید توجه داشت که علت‌ها منحصر در عوامل مادی نیستند؛ بلکه عوامل معنوی هم می‌توانند در تحقق برخی از امور موثر باشند. مثلاً بر اساس آموزه‌های دینی، صدقه و دعا از امور معنوی است که می‌تواند قضای حتمی را برگرداند. بنابراین ذکر چنین خواصی برای سنگ‌هایی از قبیل عقیق نباید مورد شک و تردید قرار گیرد. عقیق علاوه بر

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله تَحَنَّنُوا بِالْعَقِيقِ فَإِنَّهُ مُبَارَكٌ وَمَنْ تَحَنَّنَ

بِالْعَقِيقِ يُوْشِكُ أَنْ يُفْضَى لَهُ بِالْأُخْسَنِ. (الكافی - ط - الإسلامية)، ج ۶، ص ۴۷۰.

۲. عَنِ الرَّضَا علیه السلام قَالَ: الْعَقِيقُ يَنْفِي الْفَقْرَ وَلَيْسَ الْعَقِيقُ يَنْفِي الْتِفَاقَ. (الكافی - ط -

الإسلامية)، ج ۶، ص ۴۷۰.

۳. عَنِ الرَّضَا علیه السلام قَالَ كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ مَنْ اتَّخَذَ حَاتِمًا فَضُهُ عَقِيقٌ لَمْ يَفْتَقِرْ وَلَمْ يَفْضَ لَهُ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ. (كافی - ط - دارالحدیث)، ج ۱۳، ص ۸۸.

۴. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ مَا رَفَعْتُ كَفَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ كَفِّ فِيهَا

عَقِيقٌ. (بحار الأنوار - ط - بیروت)، ج ۹۰، ص ۳۵۳.

منافعی که دارد می‌تواند مانع تحقق بلاء و مصیبت شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: عقیق باعث امان در سفر بوده^۱ و جزری در سفر می‌باشد.^۲

نقل شده: حاکمی، مردی از خاندان ابوطالب را به اتهام جرمی احضار کرد، در راه به امام صادق علیه السلام برخورد، حضرت [به او و همراهانش] فرمود: انگشتی عقیق همراه او باشد، آن‌ها این کار را انجام داده و انگشت عقیق به او دادند و به همین خاطر هیچ آسیبی به او نرسید.^۳

همچنین روایت شده است مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت کرد که راهزنان جلوی او را گرفته‌اند، حضرت به او فرمود: چرا انگشت عقیق در دست نداشتی؟ انگشت عقیق، انسان را از هر آسیبی حفظ می‌کند.^۴

نیز از عمرو بن ابی مقدم نقل شده: مردی که تازیانه خورده بود، از کنار امام محمد باقر علیه السلام عبور می‌کرد؛ حضرت فرمود: انگشت عقیق او کجاست؟ اگر انگشتش را به همراه داشت، تازیانه نمی‌خورد.^۵ نتیجه آن که انگشت عقیق چنانچه ذکر شده دارای فوائد قابل توجهی است. اما رعایت برخی دیگر از نکات می‌تواند بر فضیلت این سنگ زینتی بیفزاید.

امام صادق علیه السلام از جدّ بزرگوارش نقل می‌کند: کسی که بر عقیق انگشت خود عبارت «مُحَمَّدُ نَبِیِّ اللَّهِ وَ عَلِیٌّ وَلِیُّ اللَّهِ» را نقش کند خداوند او را از مرگ بد حفظ کرده و هنگام مرگ بر فطرت خود می‌میرد. [یعنی هنگام مرگ منحرف نمی‌شود و با اسلام کامل از دنیا می‌رود].^۶

۱. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام الْعَقِيقُ أَمَانٌ فِي السَّفَرِ. (الكافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص ۴۷۰).

۲. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام الْعَقِيقُ جُزْرٌ فِي السَّفَرِ. (نواب الأعمال و عقاب الأعمال، النص، ص ۱۷۴).

۳. عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ الْقَصِيرِ قَالَ: بَعَثَ الْوَالِي إِلَى رَجُلٍ مِنْ آلِ أَبِي طَالِبٍ فِي حَنَائِيَةٍ فَمَرَّ بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ أَتُبْعُوهُ بِخَاتَمِ عَقِيقٍ فَأَتَى بِخَاتَمِ عَقِيقٍ فَلَمْ يَزْمَكُوهَا. (الكافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص ۴۷۱).

۴. شَكَأَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قُطِعَ عَلَيْهِ الطَّرِيقُ، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «هَلَّا تَخَتَّمْتَ بِالْعَقِيقِ؛ فَإِنَّهُ يُخْرِشُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ». (کافی (ط - دارالحدیث)، ج ۱۳، ص ۸۸).

۵. عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمَيْثَدَامِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ مَرَّ بِهِ رَجُلٌ مَجْلُودٌ فَقَالَ أَتَيْنَ كَانَ خَاتَمُهُ الْعَقِيقُ أَمَا إِنَّهُ لَوْ كَانَ عَلَيْهِ مَا جَلَدَ. (نواب الأعمال و عقاب الأعمال، النص، ص ۱۷۴).

۶. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ علیه السلام قَالَ مَنْ صَاغَ خَاتَمًا عَقِيقًا فَتَنَقَّسَ فِيهِ مُحَمَّدُ نَبِیِّ اللَّهِ وَ عَلِیٌّ وَلِیُّ اللَّهِ وَقَاهُ اللَّهُ مِيتَةَ السُّوءِ وَلَمْ يَمُتْ إِلَّا عَلَى الْفِطْرَةِ. (نواب الأعمال و عقاب الأعمال، النص، ص ۱۷۴).

و همچنین نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام انگشتر عقیق سرخ رنگی به دست می‌کرد و نماز می‌خواند.^۱

* فیروزه

فیروزه نوعی سنگ معدنی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد آن می‌فرماید: خداوند متعال فرموده: من شرم دارم بنده‌ام را ناامید کنم با وجود اینکه دستش را به دعا بلند کرده، در حالی که انگشتر فیروزه به انگشتان اوست.^۲

* زمرد

زُمرّد یا زبرجد سنگ قیمتی است که سبز رنگ و شفاف می‌باشد.^۳ از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که فرموده‌اند: در دست کردن انگشتر زمرد مایه گشایش در زندگی است که هیچ سختی و دشواری را به دنبال ندارد.^۴

* جزع یمانی

یکی دیگر از سنگ‌های زینتی، جزع یمانی است که منسوب به مملکت یمن بوده و از معادن عقیق در آن کشور استخراج می‌شود و شبیه عقیق است. رنگ آن سیاه و سفید است، این سنگ معدنی به شکل چشم می‌باشد به گونه‌ای که سیاهی و سفیدی چشم را به آن تشبیه می‌کنند. جزع یمانی انواعی دارد که کمیاب‌ترین نوع آن معروف به «جزع بقرانی»

و عقاب الأعمال، النص، ص ۱۷۴.

۱. وَلَهُ خَاتَمٌ عَقِيقٌ يَمَانِيٌّ أَحْمَرُ أَكَاَنَ [يَلْبَسُهُ فِي الصَّلَاةِ فِي يَمِينِهِ. (شواهد التنزيل لقواعد

التفضیل، ج ۱، ص ۲۱۲).

۲. عَنْ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ إِنِّي لَأَسْتَخِي مِنْ عَبْدٍ يَرْفَعُ يَدَهُ وَفِيهَا خَاتَمٌ فَيُزَوِّجُ فَأَرْزُهَا خَائِبَةً. (بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۹، ص ۳۲۱).

۳. الاصطلاحات الفقهية في الرسائل العملية، ص ۱۰۱.

۴. عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ نَصْرِ صَاحِبِ الْأَثَرَاكِ وَكَانَ يَقُومُ بِبَعْضِ أُمُورِ الْمَاضِي علیه السلام قَالَ قَالَ يَوْمًا وَأَمْلَأَهُ عَلَى مِنْ كِتَابِ التَّخْتُمِ التَّخْتُمُ بِالزُّمَرْدِ يَسْرُلَا عُسْرَ فِیه. (الكافی

(ط - الإسلامية)، ج ۶، ص ۴۷۱).

است که خطوطی مستقیم و ممتد دارد.^۱ از امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام نقل شده که فرموده‌اند: انگشترِ جزعِ یمانی را در دست خود کنید که شرّ شیطانهای نافرمان را از شما دور می‌سازد.^۲

* یاقوت

یاقوت سنگ ارزشمندی است که بعد از الماس سخت‌ترین سنگ معدنی محسوب می‌شود. این سنگ، ترکیبی از اکسید آلومینیوم است. غالباً شفاف بوده و به رنگ سرخ، سبز، زرد می‌باشد و برای زینت از آن استفاده می‌شود.^۳ امام رضا علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که فرموده است: انگشتر یاقوت در دست کنید زیرا فقرا را از بین می‌برد.^۴

* بلور

نوعی سنگ معدنی است که سفید و شفاف می‌باشد. به دست کردن انگشتری که نگین آن بلور باشد در نماز مستحب است.^۵ امام صادق علیه السلام فرموده است: بلور، نگین نیکویی است.^۶

۱. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۸۲.

۲. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام تَخْتُمُوا بِالْجَزْعِ الْيَمَانِيِّ فَإِنَّهُ يَرْدُ كَيْدَ مَرَدَةِ الشَّيَاطِينِ. (کافی ط - دارالحدیث)، ج ۱۳، ص ۹۲.

۳. معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية، ج ۳، ص ۵۰۸.

۴. عَنْ الرِّضَا علیه السلام قَالَ كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ تَخْتُمُوا بِالْيَاقُوتِ فَإِنَّهُ يَنْفِي الْفَقْرَ. (کافی ط - دارالحدیث)، ج ۱۳، ص ۸۹.

۵. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، ص ۱۳۴.

۶. عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُغْرُوفِ بِابْنِ وَهْبَةَ الْعَبْدِيِّ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ نِعَمَ الْقَصُّ الْبَلُورُ. (کافی ط - دارالحدیث)، ج ۱۳، ص ۹۲.



❖ استفاده از طلا برای مردان

با وجود اینکه مستحب است انسان به آراستگی خود توجه نموده و از زینت‌هایی مثل عطر بهره ببرد. اما برخی از زینت‌ها برای مرد حرام است. استفاده از طلا و ابریشم خالص از زینت‌هایی است که در نماز و غیر نماز بر مرد حرام است.

پیامبر ﷺ به حضرت علی علیه السلام سفارش کردند: هرگز انگشتر طلا بر انگشت خویش مکن، زیرا آن، زینت تود را خرت خواهد بود.^۱

متأسفانه در این زمان برخی از مردان، جوانان و نوجوانان از این کالا به شکل حرام استفاده می‌کنند. مردان در هنگام ازدواج، از انگشتر طلا، ساعت طلا و موارد مشابه استفاده می‌کنند تا دامادی خود را تکمیل نمایند ولی از این مساله غافل شده‌اند که انجام هرکاری که مورد رضایت خداوند نباشد برکتی به دنبال ندارد.

۱. أن النبی ﷺ قال لعلي عليه السلام ... فلا تتختم بخاتم ذهب فإنه زینتک فی الآخرة. (من لا یحضره الفقیه؛ ج ۱، ص ۲۵۳).

پسران جوان نیز در برخی از اوقات برای نشان دادن شخصیت کاذب خویش و فخر نمودن بر دیگران از زنجیر و پلاک طلا، و... استفاده می‌کنند. ولی باید بدانند که این امور ظاهری نمی‌تواند ارزش واقعی انسان را مشخص کند. کسانی که با این امور می‌خواهند خود را مطرح نمایند قطعاً کمبودهایی در خود حس می‌کنند. اما آن‌ها که زندگی خود را بر اساس واقعیات تنظیم می‌نمایند بدون این امور ظاهری هم احساس موفقیت می‌کنند. مثلاً دانشمندی که صاحب علم و دانش است علاقه ندارد که با چنین امور واهی به خودنمایی بپردازد، چون کسی که با کوشش و فعالیت به دنبال موفقیت است فرصت برای انجام چنین کارهایی را ندارد.

لازم به ذکر است برخی از جوانان که از طلاجات استفاده می‌کنند از حکم شرعی این مسأله آگاه نبوده و با وجود اینکه اهل نماز و روزه هستند به این کار اقدام می‌کنند. بنابراین وظیفه طلافروش این است اولاً از فروش چنین کالای حرام به مردان، خودداری نموده تا مرتکب حرام نشود. و ثانیاً: در صورت تقاضای مشتری، مسأله را به آن‌ها گوشزد نماید.

* ظروف طلا و نقره

یکی دیگر از موارد حرام، استفاده از ظروف طلا و نقره است.^۱ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: شایسته نیست که انسان در کاسه طلا و نقره چیزی بنوشد.^۲ و در تعلیل این سخن، امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرماید: ظرف طلا و نقره کالای خانه‌ی کسانی است که دارای یقین نیستند.^۳ یعنی کسانی که قیامت را باور ندارد.

۱. حرام بودن استفاده از ظروف طلا و نقره، شرایطی دارد که در بخش احکام به صورت کامل ذکر خواهد شد.

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَا يَتَّبِعِي الشُّرْبُ فِي آيَةِ الْفِصَّةِ وَالذَّهَبِ. (من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۲).

۳. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ: «آيَةُ الذَّهَبِ وَالْفِصَّةِ مَتَاعُ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ». (کنی ط - دارالحدیث)، ج ۱۲، ص ۲۸۶).

در روایت دیگری محمد بن اسماعیل از اصحاب امام رضا علیه السلام می‌گوید:
 از حضرت در مورد ظروف طلا و نقره پرسیدم. امام آن را کاری ناپسند دانست.
 به امام گفتم: برخی از شیعیان نقل کرده‌اند که امام موسی بن جعفر علیه السلام
 آینه‌ی نقره کاری شده داشته است. امام رضا علیه السلام در جواب فرمود: نه، خدا
 را شکر. [که اینگونه نبوده است] فقط یک حلقه‌ی نقره‌ای داشته است. و الان
 همین حلقه در دست من است. امام در ادامه فرمودند: برادرم عباس زمانی
 که ختنه شد برایش کمان (یا شمشیر) بچه گانه‌ای که به نقره تزیین شده بود [به
 عنوان هدیه] برایش ساخته شد؛ مقدار نقره‌ی استفاده شده در آن به اندازه ده
 درهم بود. پدرم امام موسی بن جعفر علیه السلام دستور داد آن را شکستند.^۱

۱. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ زُرَيْعٍ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا علیه السلام عَنْ آيَةِ الذَّهَبِ وَ
 الْفِضَّةِ، فَكَرَّهَهَا. فَقُلْتُ: قَدْ رَوَى بَعْضُ أَصْحَابِنَا أَنَّهُ كَانَ لِأَبِي الْحَسَنِ علیه السلام مِرَاةً مُلَبَّسَةً فِضَّةً.
 فَقَالَ: «لَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، إِنَّمَا كَانَتْ لَهَا حَلَقَةٌ مِنْ فِضَّةٍ وَهِيَ عِنْدِي» ثُمَّ قَالَ: «إِنَّ الْعَبَّاسَ
 حِينَ عُذِرَ، عَمِلَ لَهُ قَضِيبٌ مُلَبَّسٌ مِنْ فِضَّةٍ مِنْ نَحْوِ مَا يُعْمَلُ لِلصَّبِيَّانِ، تَكُونُ فِضَّتُهُ نَحْوَ
 مِنْ عَشْرَةِ دَرَاهِمٍ، فَأَمَرَهُ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام فَكَسَرَهَا». (كافي - ط - دار الحديث)، ج ۱۲، ص ۲۸۲-۲۸۳.



در احکام فقهی برای مشخص کردن برخی از مقادیر و اوزان «سنجش قیمت و وزن» از طلا و نقره استفاده شده است. ما در ذیل به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم تا طلافروشان محترم اطلاعاتی در این زمینه نیز داشته باشند.

* مهریه

مهریه، چیزی است که مرد به خاطر عقد ازدواج پرداخت آن را به همسر خود متعهد می‌شود.^۱

امروزه معمولاً مهریه بر اساس سکه طلا مشخص می‌شود. بنابراین اطلاع از آداب این امر مهم و همگانی بسیار شایسته است.

مهریه، بدهی مردان است که باید پرداخت شود و اگر شخص به هر بهانه از دادن آن امتناع کند کار حرامی انجام داده و حاکم شرع می‌تواند او را مجبور به پرداخت نماید. اما نکته‌ای که مردان باید هنگام ازدواج به آن توجه کنند این است که نباید در میزان مهریه افراط نمایند. هر کسی بر اساس توان خود باید مهریه را مشخص می‌کند.

۱. المهر: صدق المرأة، و هو ما يدفعه الزوج إلى زوجته بعقد الزواج. (القاموس الفقهی لغة و اصطلاحاً، ص ۳۴۱).

متأسفانه امروزه مهریه به ابزاری برای فخرفروشی خانواده‌ها تبدیل شده است ولی لازم است مسلمانان در این کار هم رفتاری اسلامی داشته باشند. مهریه نمی‌تواند خوشبختی دختر را تضمین نماید بدین جهت شایسته است که قبل از ازدواج دختر تحقیقات مناسب در مورد همسر آینده خود داشته باشند تا در امر مهریه زیاد سختگیری ننمایند.

افراط و تفریط در مورد مهریه ناپسند است. بنابراین نباید میزان مهریه را خیلی کم قرار داد، همان طوری که در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که می‌فرماید: من دوست ندارم مهریه‌ای کمتر از ده درهم باشد که تا شبیه اجرت بدکاران نشود.^۱

و از طرف دیگر نباید مهریه را بیشتر از مقدار متعارف و معقول قرار داد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: مبارک بودن زن را در مهریه‌ی کم او و شوم بودن وی را در مهریه‌ی زیاد او است.^۲

در روایات مقدار واجبی برای مهریه مشخص نشده است و به توافق طرفین واگذار شده است. اما میزان مهریه زنان پیامبر در تاریخ ثبت شده و از آن با عنوان «مهر السنه» یاد می‌شود.

مهر السنه همان مهریه‌ای است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای همسران خود قرار داده است که معادل با پانصد درهم است.^۳ از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که فرموده‌اند: خدا به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وحی کرد مهر زنان مومن، پانصد درهم است، و پیامبر نیز این کار را انجام داد. بنابراین هر مومنی که از برادر دینی خود درباره یکی از محارمش (مثلاً دخترش) خواستگاری نموده و راضی باشد که مهریه او را پانصد درهم قرار دهد ولی طرف مقابل از پذیرش

۱. إِنْ بَلَغَ الْأَمْرُ أَنْ يَكُونَ الْمَهْرُ أَقَلَّ مِنْ عَشْرَةِ دَرَاهِمٍ لَيْتَ لَا يُشْبِهَ مَهْرَ الْبَغِيِّ. (قرب الإنسان ط)

- الحدیث، متن، ص ۱۴۴.

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ أَنَّ مِنْ بَرَكَاتِ الْمَرْأَةِ قَلَّةُ مَهْرِهَا وَمِنْ شُؤْمِهَا كَثْرَةُ مَهْرِهَا.

(مکارم الأخلاق، ص ۱۹۸).

۳. مهر السنه ما أصدقہ النبی صلی الله علیه و آله لأزواجه و هو خمسمائة درهم قیمتها خمسون دینارا

(مصطلحات الفقه، ص ۵۲۵).

آن سرباز زند، حق این مومن را ضایع کرده و سزاوار است که خدا حوریان بهشتی را به ازدواج او درنیآورد.^۱

و در مورد مهریه حضرت زهراء علیها السلام نقل شده است: زمانی که امیرالمؤمنین علیه السلام به خواستگاری حضرت زهراء رفت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او فرمود: اگر دخترم را به عقد ازدواج تو درآورم مهریه آن چقدر خواهد بود؟ حضرت علی علیه السلام عرض کرد: شمشیرم و اسبم و زره و شترم را مهریه او قرار می‌دهم. پیامبر فرمود: شتر، شمشیر و اسب را نمی‌توانی بفروشی چون به آن‌ها نیاز داری و به وسیله‌ی آن‌ها با مشرکین می‌جنگی. اما زرهت را بفروش و مهریه قرار بده. حضرت علی علیه السلام رفت و آن را به چهار صد و هشتاد درهم قطری فروخت.^۲

در مورد اینکه ۴۸۰ درهم قطری دقیقاً چه قدر می‌باشد اختلاف است. برخی آن را معادل با ۴۰۰ درهم معمولی دانسته‌اند و بعضی دیگر ۴۸۰ درهم و برخی ۵۰۰ درهم بیان کرده‌اند.^۳

با توجه به آنچه ذکر شد مستحب است که مهریه مشخص شده در امر ازدواج معادل با مهر السنه باشد که در روایت مذکور و نیز در منابع فقهی مقدار آن را ۵۰۰ درهم^۴ ذکر کرده‌اند.^۵

۱. عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام ... ثُمَّ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى نَبِيِّهِ أَنْ يَسُنَّ مَهْرَ الْمُؤْمِنَاتِ خَمْسِمِائَةَ دِرْهَمٍ فَفَعَلَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ خَطَبَ إِلَى أَخِيهِ حُرْمَتَهُ فَبَدَّلَ خَمْسِمِائَةَ فَلَمْ يَزُوجْهُ فَقَدْ عَقَّه وَ اسْتَحَقَّ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَلَّا يُزَوِّجَهُ حُرَّاءَ. (تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)، ج ۷، ص ۳۵۷).

۲. قَالَ عليه السلام: يَا رَسُولَ اللَّهِ زَوِّجْنِي فَاطِمَةَ قَالَ إِذَا زَوَّجْتُكَهَا فَمَا تُصَدِّقُهَا قَالَ أَصَدِّقُهَا سِنْفِي وَ قَرِيبِي وَ دِرْعِي وَ نَاصِحِي قَالَ أَمَّا نَاصِحُكَ وَ سِنْفُكَ وَ قَرِيبُكَ فَلَا غَيْبَكَ عَنْهَا ثِقَاتِلَ الْمُشْرِكِينَ وَ أَمَّا دِرْعُكَ فَشَأْنُكَ بِهَا فَانْطَلِقْ عَلَيَّ عليه السلام وَ بَاعْ دِرْعَهُ بِأَرْبَعِمِائَةٍ وَ ثَمَانِينَ دِرْهَمًا قَطْرِيًّا. (بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۴۳، ص ۱۴۰).

۳. مناقب (ابن شهر آشوب) ج ۱۳، ص ۶۸۰. (به نقل از سایت مرکزی پاسخگویی).

۴. امام خمینی رحمه الله ۵۰۰ درهم را معادل با ۲۶۲٫۵ مثقال، نقره مسکوک دانسته‌اند. (استفتائات (امام خمینی)، ج ۳، ص ۱۸۸).

۵. الاصطلاحات الفقهية في الرسائل العملية، ص ۲۱۰؛ (استفتائات (امام خمینی)، ج ۳، ص ۱۷۷؛ تحرير الوسيلة، ج ۲، ص ۲۹۷).

* زکات و خمس

بحث خمس و زکات نیز یکی از مباحث مطرح شده در مورد طلا و نقره می باشد. و بدان جهت سزاوار است که به احادیث مربوط به آن ها اشاره شود. البته جزئیات مساله در بحث احکام بیان شده است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: زمانی که آیه زکات یعنی «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا»^۱ بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد؛ حضرت به منادی دستور داد که به مردم خبر دهد، خدا، زکات را بر شما واجب کرده است همان طوری که نماز را واجب نموده است. [ای مردم] خدا واجب کرده است که از طلا و نقره و شتر و گاو و گوسفند و گندم و جو و خرما و کشمش، زکات بدهید.^۲

طبق این روایت و روایات دیگر طلا و نقره از چیزهایی است که مشمول زکات می باشد. البته این دو در صورتی مشمول زکات می باشند که به شکل سکه رایج در معاملات باشند. همان گونه که در زمان های قدیم اینگونه بوده است.

به عبارت روشن تر، طلا و نقره ای که به عنوان زیورآلات زنانه از آن استفاده می شود، مشمول زکات نیست. امام صادق علیه السلام در روایتی می فرماید: بر زیورآلات زکات واجب نیست، اگر چه بیشتر از صد هزار [دینار] باشد. و اگر مؤمنی آن را به عنوان امانت خواست شایسته است در اختیار او بگذاری، زیرا امانت دادن، به منزله زکات آن می باشد.^۳

و در مورد خمس باید توجه داشته باشیم که حکم شرعی خمس جدا از حکم زکات است و ممکن است در مورد چیزی هم زکات واجب شده

۱. ای پیامبر از اموال مردم صدقه (واجب یعنی زکات) بگیر تا مال آن ها را پاک کنی و خودشان را از گناه منزه کنی. (سوره توبه، آیه ۱۰۳).

۲. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنْزِلَتْ إِلَيْهِ آيَةُ الزَّكَاةِ «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ فَفَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْإِبِلِ وَالْبَقَرِ وَالْغَنَمِ وَمِنَ الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالشَّعْبِرِ وَالنَّمْرِ وَالزَّيْبِ. (من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۴).

۳. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام ... وَلَيْسَ عَلَى الْخَلِيِّ زَكَاةٌ وَإِنْ بَلَغَ مِائَةَ أَلْفٍ وَلَكِنْ تَعْيَرُهُ مُؤْمِنًا إِذَا اسْتَعَارَهُ مِنْكَ فَهَذِهِ زَكَاةُ. (من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۱۶-۱۵).

باشد و هم خمس. به حکم شرع مقدس واجب است که انسان، خمس مازاد بر هزینه‌های یک سال خود را پرداخت نماید.

طلا و نقره اگر جزء هزینه‌های زندگی انسان باشد یعنی شخصی متناسب با شأن زندگی خود برای اهل و عیالش طلا و جواهرات می‌خرد در این صورت مشمول خمس نخواهد بود. ولی اگر طلا و نقره به عنوان سرمایه باشد مثلاً طلافروش در مغازه خود طلا یا نقره به عنوان سرمایه داشته باشد مشمول خمس می‌باشد و باید پرداخت نماید.^۱

* دیات

«دیه» پولی است که انسان به خاطر جنایت سهوی و غیر عمد ملزم به پرداخت آن می‌شود. و این جنایت می‌تواند شامل قتل نفس، قطع اعضاء و یا جراحت بوده باشد.

ارتباط طلاکاران با این بحث (دیات) و بحث بعدی (کفارات) و نیز مباحث مشابه از این جهت است که مقدار مال مشخص شده در این موارد بر اساس طلا یا نقره محاسبه شده است. مثلاً امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: حضرت علی علیه السلام فتوی داده‌اند: دیه کامل در مورد قتل انسان، هزار دینار طلاست.^۲

پرداخت دیه زمانی است که جنایت عمدی نبوده باشد؛ زیرا در صورت عمد، حق قصاص ثابت شده و شخص مصدوم یا صاحبان مقتول می‌توانند ضارب یا قاتل را قصاص نمایند. از قواعد معروف در بحث دیه این است که اگر یکی از اعضای که انسان دو عدد از آن دارا می‌باشد یعنی اعضای جفتی، مثل چشم، گوش، دست، مورد جنایت^۳ واقع شوند،

۱. شرایط و جزئیات بیشتر در بخش احکام ذکر شده است و برای توضیح بیشتر می‌توانید به رساله آموزشی رهبری، ج ۱، ص ۲۷۳-۳۱۲ مراجعه نمایید.

۲. قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام أَفْتَى عَلَى علیه السلام: الدِّيَّةُ فِي النَّفْسِ أَلْفُ دِينَارٍ. (من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۷۸).

۳. منظور از جنایت در عبارت بالا، بریده شدن آن می‌باشد.

دیه کامل خواهند داشت. همچنین اعضای تک عضوی مثل بینی اگر مورد جنایت واقع شود دیه کامل خواهد داشت. بحث دیات دارای تفصیل زیادی است که در کتب مربوطه ذکر شده است.

* کفارات

«کفاره» مال مشخصی است که شرعاً پرداخت آن در برخی از مواقع واجب شده و باید به فقراء داده شود. کفاره بر دو قسم می‌باشد که در ذیل بیان شده است. برخی اوقات، کفاره به خاطر گناهی است که انسان مرتکب شده است. یعنی خداوند متعال برای آمرزش برخی از گناهان، جریمه‌های مالی قرار داده که اگر بنده توبه کند و این کفاره و جریمه‌ی مالی را بپردازد گناهِش پاک می‌شود. مثلاً اگر کسی از قسم یا نذر شرعی خود تخلف نماید باید ده فقیر را اطعام^۱ نمایند و یا به ده نفر لباس دهد؛ و اگر نتواند این دو کار را انجام دهد باید سه روز پیاپی روزه بگیرد.^۲

قسم دیگر کفاره مربوط به جایی است که انسان به خاطر عذری از انجام اعمال محروم می‌شود. مثلاً در بحث روزه، به خاطر پیری یا مرض در برخی از حالات پرداخت کفاره واجب می‌شود تا انسان با پرداخت این پول بتواند مقداری از فضیلت از دست داده را جبران نماید.

ارتباط بحث کفارات با بحث طلافروش این است که برخی از کفارات بر اساس طلا یا نقره بیان شده‌اند. مثلاً آمیزش در ایام عادت زنان^۳ حرام می‌باشد و دارای کفاره است.

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرماید: اگر شماره روزهای حیض زن به سه قسمت تقسیم شود و مرد در قسمت اول آن، با زن خود در قُبُل [قسمت جلوا]

۱. اطعام یعنی اینکه یک بار به آن غذای کامل بخوراند.

۲. رساله آموزشی رهبری، ج ۲، ص ۳۱۱.

۳. ایام عادت منظور همان عادت ماهانه است که در اصطلاح پزشکی پرئود ماهانه نامیده می‌شود.

جماع کند، بنا بر احتیاط واجب باید هیجده نخود طلا کفاره به فقیر بدهد.^۱
 حضرت امام در کتاب استفتانات می فرماید: «مثقال شرعی هیجده
 نخود و مثقال صیرفی ۲۴ نخود است.»^۲
 برخی از محققین گفته اند: مثقال صیرفی (۴/۲۶۵ گرم) معادل با یک
 مثقال کامل شرعی به اضافه سه چهارم مثقال شرعی است.^۳ یعنی مثقال
 صیرفی از نظرون بیشتر از مثقال شرعی است. البته نظر مقام معظم رهبری
 به همراه توضیحاتی در بخش احکام ذکر خواهد شد.

۱. رساله توضیح المسائل امام خمینی، مسأله ۴۵۲.
 ۲. استفتانات (امام خمینی)، ج ۳، ص ۴۷۴ پاورقی. - نظر مقام معظم رهبری به همراه
 توضیحاتی در بخش احکام ذکر خواهد شد.
 ۳. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۶۸۶.

بخش سوم





✱ اختلاف کیفیت طلای ساخته شده با سفارش مشتری

۱. در سفارش طلا و جواهرات، مشتری سفارش ساخت کالای درجه یک را به سازنده می دهد و هزینه آن را پرداخت می کند، اما بعد از ساخت، سازنده متوجه می شود طلای ساخته شده کیفیت لازم را ندارد؛ حال اگر این مساله را به مشتری اطلاع بدهد او از خرید منصرف می شود، در صورت اطلاع ندادن به مشتری، معامله چه حکمی دارد؟

ج: اگر سازنده، جنس را به عنوان کالای درجه یک به خریدار می فروشد عملش حرام است ولی معامله اش صحیح است و در هر صورت اگر مشتری بعد از معامله متوجه شود، حق فسخ معامله را دارد.

✱ ساخت زیورآلات طرح دار

۲. حک کردن اسماء متبرکه روی برخی از زیورآلات، که ممکن است بعضی از استفاده کنندگان بدون وضو و غسل آن را لمس کنند و آداب و احکام شرعی آن را رعایت نکنند، آیا ساخت چنین زیورآلاتی جایز است؟

ج: حک کردن آیات قرآنی و اسمای جلاله و امثال آن اشکال ندارد، ولی بر کسی که به دستش می رسد واجب است که احکام شرعی آن ها را رعایت نماید و از بی احترامی و نجس کردن و مس بدون وضو آن ها خودداری کنند.

تبصره: احکام ساخت تصاویر معمولی و برجسته و مجسمه و زیورآلات طرح دار، مطابق با احکام خرید و فروش زیورآلات طرح دار است که در آن بخش سوالات متنوعی ارائه شده است. مراجعه شود.

*** مراجعه نکردن مشتری برای تحویل جنس**

۳. شخصی گردنبند طلایی را جهت ساخت، سفارش می دهد و بیعانه هم می پردازد، اما در مدت مشخص شده برای تحویل گرفتن گردنبند مراجعه نمی کند، آیا سازنده می تواند طلای مذکور را به کسی دیگر بفروشد؟

ج: اگر مشتری ثمن را در زمان مشخص شده تحویل ندهد، فروشنده حق فسخ معامله را ندارد؛ مگر در ضمن معامله شرط کند که حق فسخ دارد.

۴. مشتری جنسی را سفارش می دهد و بیعانه هم می دهد و سازنده می گوید پنج روز دیگر سفارش شما آماده است، اما مشتری برای تحویل هیچ وقت مراجعه نمی کند، وظیفه سازنده نسبت به فروش جنس ساخته شده و بیعانه چیست؟

ج: اگر معامله با مشتری تمام شده است، در صورت مایوس شدن از آمدن مشتری، سازنده می تواند جنس مذکور را بفروشد و حق خودش را بردارد و باقیمانده ی آن را از طرف صاحبش به فقراء صدقه بدهد و بنابر احتیاط مستحب از مرجع یا وکیل او اجازه بگیرد.

۵. در صورت سفارش مشتری و مراجعه نکردن وی برای بردن جنس، سازنده تا چه مدت باید سفارش مشتری را نزد خود نگاه دارد؟

ج: باید به حدی صبر کند که عرفاً بگویند از آمدن سفارش دهنده مایوس شده است.

۶. اگر مشتری با تأخیر برای دریافت سفارش خود رجوع نماید و سازنده به خاطر نوسانات قیمت بازار دچار ضرر شود آیا می تواند خسارت خود را از مشتری مطالبه نماید؟

ج: فروشنده حق مطالبه ی مبلغی بیشتر از قیمت معین شده را ندارد،

ولی در صورتی که بر اثر کوتاهی خریدار، در پرداخت پول، قدرت خرید فروشنده و ارزش پول پایین بیاید و متضرر شود، احوط این است که با مشتری در مقدار مابه‌التفاوت مصالحه کند.

۷. آیا سازنده‌ی طلا و جواهرات و نقره هنگام تحویل سفارش می‌تواند با مشتری شرط کند که در صورت تأخیر در پرداخت اجرت، باید جریمه‌ی دیرکرد بپردازد؟
ج: جریمه تأخیر، صورت شرعی ندارد. هر چند ضمن معامله شرط شود.

* ساخت طلای مردانه

۸. آیا ساخت روکش طلا برای دندان مردان اشکال دارد؟

ج: ساخت روکش طلا برای دندان مردان فی نفسه اشکالی ندارد.
تبصره: گذاشتن روکش طلا یا پلاتین روی دندان اشکال ندارد، ولی پوشاندن دندان‌های جلو با طلا، اگر به قصد زینت باشد، خالی از اشکال نیست.

۹. برای این که پلاتین قابلیت تبدیل شدن به انگشتری را داشته باشد، مقداری طلا با آن آمیخته می‌کنند به طوری که طلادر پلاتین مستهلک می‌شود ساخت چنین انگشتری برای استفاده مردان چه حکمی دارد؟
ج: در فرض سؤال اشکال ندارد.

۱۰. آیا ساخت و استفاده از خودنویس یا قلمدان طلا برای آقایان جایز است؟
ج: فی نفسه اشکالی ندارد.

۱۱. طلاساز یا تعمیرکار مرد برای امتحان کردن اندازه انگشتر طلا یا بررسی شکل ظاهری آن، برای لحظات کوتاهی انگشتر را در دست خود می‌کند، آیا این عمل جایز است؟

ج: پوشیدن طلا برای مرد حرام است و فرقی بین مدت کم یا زیاد نیست.
تبصره: در مورد حرمت ساخت طلای مردانه در بحث خرید و فروش طلا توضیحاتی بیان شده است.

* اجرت ساخت سفارشی

۱۲. چنانچه هزینه ساخت یا تعمیر طلا، بیشتر از مبلغ مورد توافق تمام شود، آیا سازنده یا تعمیرکار حق فسخ یا دریافت مبلغ تمام شده را از مشتری دارد؟
- ج: اگر معلوم شود سازنده یا تعمیرکار مغبون شده است، حق فسخ دارد و در صورت فسخ می تواند اجرت المثل دریافت کند.
- تبصره: شرایط صحت معامله در احکام عمومی خرید و فروش بیان شده است.
۱۳. بعضی از طلاسازان هنگام دریافت سفارش، ادعا می کنند که اجرتشان از بقیه سازندگان طلا کمتر است ولی هنگام تحویل، اجرت ساخت واقعی و عرف بازار را محاسبه و دریافت می کنند، حکمش چیست؟
- ج: تقلب، دروغ و فریب در معاملات جایز نیست.

* رعایت نکردن نوبت دیگران

۱۴. آیا طلاساز یا تعمیرکار می تواند سفارش ساخت یا تعمیر جواهر و طلای کسی که آشنا می باشد یا کار عجله ای دارد، بدون نوبت انجام دهد؟
- ج: اگر ضمن قرارداد با دیگران زمان خاصی برای انجام کار تعیین نشده است یا بدون نوبت انجام دادن کار بعضی، در زمان تعیین شده با دیگران تأثیر نمی گذارد، اشکال ندارد.
۱۵. آیا طلاساز یا تعمیرکار می تواند اجرت کار سفارشی یا کاری که خارج از نوبت انجام می دهد، گران تر حساب کند؟
- ج: تعیین اجرت کار انجام شده براساس توافق طرفین می باشد ولی باید در حق مشتری هم اجحاف نشود.

* بدقولی در ساخت و تعمیر

۱۶. حکم شرعی بدقولی سازنده یا تعمیرکار در به موقع ندادن جنس سفارش شده، چیست؟ آیا موجب خیار فسخ برای مشتری می شود؟

ج: اگر ضمن قرارداد زمان معینی برای انجام کار شرط شده است، در صورتی که سازنده یا تعمیرکار عمداً کار را در زمان مقرر انجام ندهد مرتکب گناه شده است. و اگر سر موعد معین توان تحویل دادن را ندارد مشتری حق دارد یا قرارداد را فسخ نماید و یا صبر نماید تا زمانی که سازنده یا تعمیرکار آن را تحویل دهد.

* بازسازی از مدل دیگران

۱۷. حکم ساخت طلا و جواهر از روی طرح طلاهای ایرانی و غیر ایرانی چیست؟
ج: اگر مدل و طرح طلا عرفاً یک حق معنوی برای طراح آن ایجاد می‌کند ساخت طلا و جواهر از روی مدل و طرح ایرانی بدون اجازه‌ی تولید کننده و طراح آن جایز نیست، و نسبت به طرح‌های غیر ایرانی تابع قراردادهایی است که بین جمهوری اسلامی و دولت‌های آن‌ها منعقد شده است.

* تعویض طلای مشتری توسط طلا ساز

۱۸. اگر مشتری مقداری طلا به طلا ساز بدهد تا برایش وسیله‌ای بسازد، طلا ساز به همان مقدار طلای دیگری جایگزین می‌کند و همان وسیله را می‌سازد، و موقع تحویل مزد کار خود را تحویل می‌گیرد، حکم مساله چیست؟
ج: این کار جایز نیست مگر این که بداند مشتری راضی به آن است.

* انصراف مشتری بعد از ساخت

۱۹. اگر مشتری جنس سفارشی خود را بعد از ساخت بدون دلیل قبول نکند، (الف) وظیفه طلا ساز و مشتری چیست؟ (ب) آیا می‌توان مبلغی را از وی جهت انصرافش مطالبه کرد؟

ج: بعد از تحقق معامله به صورت صحیح، فروشنده می‌تواند از پس گرفتن کالا خودداری نماید ولی پس گرفتن طلای ساخته شده با

کم کردن قیمت آن، شرعاً صحیح نبوده و معامله اول پابرجا خواهد بود. مگر اینکه شرط پرداخت مبلغی در صورت انصراف از معامله را در ضمن عقد لازمی نموده باشند و یا عقد مبتنی بر آن منعقد شده باشد ولی باید برای این قبیل شرط‌ها که در قیمت کالا موثر هستند مدت معینی ذکر شود و الا باطل است.

تبصره: طرفین معامله در صورت رضایت می‌توانند، معامله‌ی دومی بر اساس قیمت مورد نظر خود انجام دهند.

*** استفاده از جنس دست دوم در ساخت**

۲۰. سنگ برلیان این قابلیت را دارد که اگر چند بار هم استفاده شود باز همان کیفیت اولیه را دارد، آیا می‌توان سنگ برلیان را از روی یک کار جدا کرده و روی کار دیگری با قیمت نو سوار کرد؟
ج: اگر مشتری سنگ برلیان را به شرط نوبودن می‌خرد و یا اینکه معامله مبتنی بر آن واقع شده است جایز نیست.

*** انجام کار بی کیفیت**

۲۱. بعضی از سازندگان طلا با انجام کارهای بی کیفیت، اجرت کمتری برای کار می‌گیرند این کار باعث تبلیغ در فروش می‌شود، حکم ساخت و فروش چنین اجناسی برای انگیزه فروش بیشتر چیست؟
ج: اگر عرفاً، کیفیت آن معلوم باشد و یا به خریدار اعلام شود، اشکالی ندارد.
۲۲. آیا سازنده طلا می‌تواند قبل از انجام کار، اجرتش را مطالبه نماید؟
ج: نمی‌تواند. چون مشتری وظیفه دارد پس از اتمام کار، اجرت را بپردازد؛ مگر شرطی خلاف این در ضمن عقد شده باشد. مثل این که مشتری در ضمن قرارداد با طلا ساز قرار گذاشته است که نصف اجرت کار را در ابتدای کار و بقیه را موقع تحویل بپردازد.

✱ کم شدن وزن طلا

۲۳. در هنگام تعمیر طلا (بِزاق کردن، کوچک کردن و...) عموماً تعمیرکاران از دستگاه پرداخت یا فرز یا فرچه و یا سوهان استفاده می‌کنند و این کار باعث ریزش مقداری از طلای مشتری می‌شود، حکم چنین تعمیری چیست؟ آیا اطلاع داشتن یا نداشتن مشتری از این مساله، تفاوتی در حکم می‌کند؟

ج: تعمیر فی نفسه اشکال ندارد. ولی بُرا دهی آن را باید به صاحبش برگردانید و یا از او اجازه تصرف بگیرید.

۲۴. در تعمیرات طلا، ذرات ریز طلا جمع می‌شود آیا تعمیرکار می‌تواند آن‌ها را بازیابی کرده و مورد استفاده قرار دهد؟

ج: بدون اجازه‌ی صاحبان آن‌ها جایز نیست، و اگر صاحبان آن‌ها را نمی‌شناسد یا به آن‌ها دسترسی ندارد حکم مجهول المالک را دارد.

۲۵. اگر تعمیرکار به مشتری بگوید که در زمان تعمیر، مقداری اندکی از طلا ریزش خواهد کرد و او قبول کند و یا بگوید اشکالی ندارد، آیا این مقدار برای رفع ضمان و استفاده از براده‌ی طلا کافی است؟

ج: مجرد آنچه ذکر شد برای رفع ضمان کافی نیست مگر اینکه قصد مشتری، اعراض از براده‌ی طلا باشد.

۲۶. اگر تعمیرکار طلا در تابلوی مغازه خود عبارتی به این صورت بنویسد «قابل

توجه مشتریان عزیز، چون در زمان تعمیر مقداری از طلا ریزش دارد لذا مشتریان

حلال کنند» آیا رفع ضمان از تعمیرکار می‌کند؟

ج: وجود تابلوی مذکور رافع ضمان نیست.

۲۷. اگر تعمیرکار طلا هنگام ساییدن و براق کردن طلا، اشتباهاً بیش از حد معمول

طلا را بساید و این کار باعث ریزش بیشتر طلا شود، آیا ضامن است و باید به

مشتری اعلام کند؟

ج: ضامن است و باید به مشتری اعلام کند.

* شکسته شدن طلا یا نگین در زمان تعمیر

۲۸. اگر هنگام تعمیر نگین یا طلا، به آن خسارتی وارد شود، آیا تعمیرکار ضامن است؟

ج: تعمیرکار ضامن است، هرچند دقت و احتیاط را در انجام کار

مراعات کرده باشد.

۲۹. آیا تعمیرکار می‌تواند با مشتری شرط کند که در صورت شکستن یا هر نوع

خسارتی به طلا یا نگین، ضامن نخواهد بود؟

ج: اشکال ندارد.

* تعیین نکردن اجرت در تعمیر طلا

۳۰. چنانچه قبل از ساخت و یا تعمیر طلا، اجرت ساخت یا تعمیر مشخص نشود و

بعد از انجام کار مشتری اجرت تعیین شده را نپذیرد و ادعا کند که گران است،

چه باید کرد؟

ج: اگر در عقد اجاره، اجرت مشخص نشود، اجیر مستحق اجرت المثل

خواهد بود؛ علی المبنی^۱.

۱. اگر بعد از عمل معلوم شود اجاره باطل بوده است، اجیر برای کارش استحقاق

اجرة المثل را دارد و همچنین است اگر اجاره به خاطر مغبون شدن یا غیر آن فسخ

شود. (تحریر الوسیلة، ترجمه، ج ۱، ص ۴۱۹، ۱۱).

* پایین بودن عیار لحیم در تعمیر طلا

۳۱. اگر تعمیرکاری برای جوش دادن طلا از لحیم طلا استفاده کند؛ اگر عیار لحیم طلا پایین تر از عیار خود طلا باشد، آیا این کار اشکال دارد؟
ج: اگر عرفاً غش بر آن صدق نمی‌کند، اشکال ندارد.

* استفاده از لحیم طلا در پلاتین

۳۲. گاه تعمیرکار به علت نداشتن لحیم پلاتین، برای کوچک کردن حلقه ازدواج مردانه که از جنس پلاتین است از لحیم طلا استفاده می‌کند، حکم استفاده از این حلقه برای مرد و عمل تعمیرکار از نظر شرعی چه حکمی دارد؟
ج: اگر میزان طلای استفاده شده در حلقه پلاتین (به جهت لحیم طلا) به حدی کم است که عرفاً پوشیدن یا زینت به طلا برای مرد صدق نمی‌کند، اشکال ندارد.

* تأخیر در پرداخت اجرت تعمیر

۳۳. اگر مشتری در پرداخت هزینه تعمیر طلا، تأخیر کند، آیا تعمیرکار می‌تواند جنس را فروخته و اجرتش را از آن بردارد؟
ج: اگر نسبت به هزینه بین مشتری و تعمیرکار اختلاف است تعمیرکار حق ندارد مال مشتری را بفروشد اما اگر اختلافی نیست و در پرداخت هزینه کوتاهی می‌کند تعمیرکار می‌تواند اجرتش را از جنس بردارد.

* گم شدن طلای مشتری نزد تعمیرکار

۳۴. الف) اگر طلا یا نقره‌ای که مشتری نزد تعمیرکار گذاشته، گم یا دزدیده شود، آیا تعمیرکار ضامن است؟ ب) در صورتی که وزن طلا مشخص نباشد، تکلیف چیست؟
ج: الف) در صورتی که تلف شدن به جهت افراط و تفریط تعمیرکار نباشد و یا شرط ضمان بر او نشده باشد، ضامن نیست. ب) در فرض

ضمان تعمیرکار، آن مقداری را که یقین دارد بدهکار است. مثلاً اگر شک دارد طلا ۴ گرم بود یا ۵ گرم، تنها ضامن قیمت ۴ گرم است.

۳۵. اگر تعمیرکار طلای مشتری را گم کند، وظیفه دارد قیمت آن را بدهد یا مثل آن را؟ اگر بخواهد قیمت آن را بدهد قیمت روزی که گم شده ملاک است یا قیمت روزی که می‌خواهد پول طلا را به مشتری بدهد؟

ج: در صورتی که مفقود شدن طلا به جهت افراط و تفریط تعمیرکار نباشد و یا شرط ضمان بر او نشده باشد، ضامن نیست. و در فرض ضمان اگر طلای مذکور قیمی باشد تنها ضامن قیمت آن با خصوصیات آن است که دارد، می‌باشد. و احتیاط آن است که اگر قیمت متفاوت شده است مصالحه نمایند.

۳۶. در محاسبه قیمت طلای گم شده آیا فقط قیمت وزن طلا محاسبه می‌شود یا قیمتی که می‌توان طلای مشابه آن را از زرگر خرید؟

ج: اگر طلای مذکور قیمی است تنها ضامن قیمت همان طلا با خصوصیات آن است که دارد، می‌باشد؛ و اگر مثلی است ضامن مثل آن طلا است و باید مثلش را بدهد.

۳۷. اگر طلایی نزد تعمیرکار مفقود شود و مثل آن در بازار موجود نباشد، آیا مشتری می‌تواند بگوید که باید مثل همان طلا به صورت سفارشی برای من ساخته شود؟

ج: در صورتی که مفقود شدن طلا به جهت افراط و تفریط تعمیرکار نباشد و یا شرط ضمان بر او نشده باشد، ضامن نیست. و در صورت ضمان هم اگر طلای مذکور قیمی باشد تنها ضامن قیمت آن با خصوصیات آن است که داشته، می‌باشد و مشتری نمی‌تواند تعمیرکار را ملزم به ساخت همان طلا بصورت سفارشی نماید.

*** واسطه‌گری در تعمیر**

۳۸. تعمیرکار بعد از قبول سفارش از مشتری، آن را به تعمیرکار دیگری داده تا مورد

۱. قیمت طلا + اجرت ساخت + سود زرگر.

سفارش را تعمیر کند در حالی که نصف اجرت تعیین شده را به او داده و نصف دیگر را خودش برداشته، این در حالی است که تعمیرکار اول هیچ کاری در مورد تعمیر طلا (مورد سفارش) انجام نداده است؛ آیا این کار شرعاً جایز است؟

ج: تعمیرکار اول نمی تواند اجرتی برای خود بردارد، مگر این که قسمتی از کار را، هر چند کم باشد، خودش انجام داده باشد.
۳۹. اگر تمامی مراحل تعمیر طلا توسط شاگرد تعمیرکار انجام بگیرد، این کار شرعاً چه حکمی دارد؟

ج: اگر شرط نشده باشد که تعمیر طلا توسط خود استادکار انجام شود و تعمیر هم بصورت صحیح انجام شود، اشکال ندارد.

* تعمیر طلای مردانه

۴۰. اگر مشتری انگشتر طلای مردانه جهت تعمیر بیاورد، آیا جایز است که تعمیرکار آن را تعمیر نماید؟ اجرتی که در مقابل این کار می گیرد، چه حکمی دارد؟
ج: تعمیر آن اگر به منظور استفاده مردان باشد، جایز نیست، و اجرتی که در مقابل آن گرفته می شود، حرام است.



خرید و فروش یکی از معاملات است که شرعاً صحیح بوده و در بین مردم بسیار رایج است. در اصطلاح شرعی، خرید و فروش، عقد بیع نامیده می‌شود. «بیع» در لغت به معنای فروختن است، اما این کلمه به معنای خریدن هم بکار می‌رود.^۱

✽ شرط خواندن صیغه^۲ در خرید و فروش

۴۱. آیا در خرید و فروش شرعی، مثل خرید و فروش طلا و جواهرات، لازم است که الفاظ یا صیغه‌ی خاصی گفته شود؟
ج: هر لفظ یا عملی که مقصود^۳ را برساند برای انعقاد خرید و فروش کافی است.^۴

۱. لسان العرب، ج ۸، ص ۲۳.

۲. مقصود از صیغه یا عقد در خرید و فروش، الفاظی است که فروشنده و خریدار به قصد خرید و فروش می‌گویند، مثلاً فروشنده می‌گوید: این کالا را به فلان قیمت به شما فروختم و خریدار می‌گوید: قبول کردم.

۳. مقصود از خرید و فروش، نقل و انتقال کالا و قیمت آن از طرف فروشنده و خریدار می‌باشد.

۴. بعد از آنکه معامله بوجه شرعی واقع شد، محکوم به صحت و لزوم است و عدم انشای صیغه، ضرری به صحت آن نمی‌زند. (اجوبه الاستفتاءات، سوال ۱۴۷۱).

۴۲. اگر خرید و فروش طلا و نقره به صورت معاطات^۱ انجام گیرد آیا پای بندی به چنین معامله ای لازم است؟

ج: بین معامله عقدی و معامله معاطاتی در لزوم پای بندی به آن معامله، تفاوتی وجود ندارد.

۴۳. آیا پرداخت بیعانه توسط مشتری نشانه ای انجام گرفتن معامله است یا اینکه زرگرمی تواند با شخص دیگری روی همان جنس معامله نماید؟

ج: مجرد پرداخت بیعانه نشانه انجام گرفتن معامله نیست و به طور کلی تا معامله بروجه صحیح شرعی منعقد نشود، هیچیک از طرفین نسبت به طرف دیگر از جهت توافق و وعده انجام معامله، حقی پیدا نمی کنند.

* قسم خوردن در خرید و فروش

۴۴. آیا قسم خوردن در معامله جایز است؟

ج: کسی که قسم می خورد اگر حرف او راست باشد، قسم خوردن او مکروه است و اگر دروغ باشد حرام و از گناهان بزرگ است.

۴۵. قسم از نظر شرعی به چه چیزی گفته می شود؟

ج: قسم شرعی این است که انسان به اسم خدا یا صفات مختص به آن، مانند "مقلب القلوب والابصار" یا صفاتی که غالباً برای او به کار می رود و استعمالش ظهور در خدای متعال دارد (نه دیگران)، مانند خالق، رازق و رحیم، به هر زبانی که باشد، قسم بخورد کاری را انجام دهد یا ترک کند. تبصره: الف) اگر قسم به غیر خداوند باشد، مانند اینکه قسم به پیامبر اکرم ﷺ یا ائمه معصومین علیهم السلام یا به قرآن کریم و امثال آن باشد، قسم محقق نمی شود. ب) اگر لفظ استعمال شده ظهور در حق تعالی

۱. معامله ی معاطاتی معامله ای است که دو طرف معامله به جای گفتن الفاظی که مقصود معامله را برساند، عملی انجام می دهند که همان مقصود را می رساند، مثلاً فروشنده، کالا را به قصد فروش به مشتری می دهد و مشتری پول کالا را به قصد خرید به فروشنده می دهد.

ندارد، اما شخص، منظورش ذات باری تعالی بوده، بنابر احتیاط واجب احکام قسم را دارد.

۴۶. اگر شخصی در معامله قسم دروغ بخورد، آیا معامله انجام شده و سود حاصله هم حرام است؟

ج: قسم دروغ خوردن حرام است ولی اگر شرایط معامله رعایت شده باشد معامله صحیح و سود حاصله حلال است.

* شرایط فروشنده و خریدار

☆ معامله با بچه نابالغ

۴۷. از نظر شرعی، خرید و فروش و معامله با کودکان چه حکمی دارد؟

ج: معامله با بچه نابالغ باطل است؛ هرچند ممیز بوده و با اذن ولی او باشد. مگر آنکه کالا از چیزهای کم ارزشی باشد که معامله آن برای بچه‌ها متعارف است. یا اینکه بچه فقط واسطه‌ای است که پول را به فروشنده و جنس را به خریدار می‌رساند یا به عکس.

۴۸. سرپرست بچه در تصرفات مالی از قبیل خرید و فروش چه کسی است؟

ج: سرپرست و ولی کودک غیربالغ پدر و جد پدری است و در نبود آنان، قیمی که با وصیت آنان مشخص شده باشد و در صورت مشخص نشدن قیم، ولایت با حاکم شرع است و در صورتی که دسترسی به حاکم شرع ممکن نباشد، با مؤمنین است و بنا بر احتیاط واجب باید عادل باشند.

* عاقل بودن طرفین معامله

۴۹. سرپرستی شخص دیوانه بر عهده چه کسی است؟

ج: اگر عارض شدن جنون، قبل از بلوغ است حکم کودک غیربالغ را دارد. اگر عارض شدن جنون، بعد از بلوغ است ولایت با حاکم شرع است. لکن احتیاط (مستحب) آن است که پدر و جد پدری نیز موافقت کنند.

۵۰. کسی که از نظر هوشی در حد پائینی قرار دارد آیا می تواند هر نوع معامله ای را انجام دهد؟ و معاملات انجام شده صحیح است؟
ج: اگر عرفاً عاقل باشد و سفیه نباشد، اشکال ندارد.
۵۱. حکم معامله با مست در حال مست بودن چیست؟
ج: اگر به گونه ای مست باشد که ملتفت معامله نیست و نمی فهمد، معامله با او باطل است.

✽ معامله با افراد سفیه

۵۲. منظور از سفیه که در شرع مقدس از تصرف در اموال خود منع شده، کیست؟
ج: سفیه به کسی گفته می شود که در او حالتی که او را بر حفظ مالش برانگیزد، وجود نداشته باشد و مال خود را در کارهای بیهوده ای که هیچ غرض عقلایی ندارد، مصرف می کند و نسبت به فریب خوردن در معاملات بی توجه است. گفتنی است که سفیه غیر از دیوانه است.
۵۳. آیا تشخیص سفاهت بر عهده حاکم است و یا افراد دیگر (دادگاه، پزشک) هم می توانند تشخیص دهند؟
ج: تشخیص سفاهت بر عهده عرف است و نیازی به حکم حاکم ندارد. ولی در مورد باطل کردن معاملات سفیه باید سفیه بودن او از طریق شرعی ثابت شود.
۵۴. اولیای تصرف سفیه و سرپرست وی چه کسانی هستند؟
ج: اگر از دوران کودکی سفیه بوده و با همان حال بالغ شده ولایت بر او، برای پدر و جد پدری او یا وصی آنها است و اگر بعد از بلوغ، سفیه شده حاکم شرع ولی اوست.
۵۵. شخصی که سفیه است، اگر معامله ای انجام دهد، آیا معامله اش باطل است؟
و اگر بعد از معامله معلوم شود که یکی از طرفین معامله سفیه بوده، معامله ای انجام شده چه حکمی دارد؟

ج: اگر سفیه معامله‌ای انجام دهد، متوقف بر نظریه اوست که با رعایت مصلحت او امضاء کند. البته اگر سفاهت او بعد از بلوغ و رشد عارض شده باشد ممنوعیت تصرف او در اموالش متوقف بر منع حاکم شرع است.

۵۶. آیا سفیه در مورد هزینه‌های روزمره خود از قبیل هزینه خوراک و لباس هم باید از سرپرست خود اجازه بگیرد؟

ج: اگر مستلزم معامله و نقل و انتقال نباشد، اشکال ندارد و الا باید با اجازه ولی شرعی باشد.

✽ معامله با مفلس (ورشکسته)

۵۷. مفلس (ورشکسته) از نظر شرعی به چه کسی گفته می‌شود؟

ج: مفلس از نظر شرعی کسی است که اموال او به جز آنچه مورد نیاز و در شأن اوست، از قبیل مسکن، اتومبیل، لوازم منزل و... در حدی نیست که بتواند بدهی‌هایش را بپردازد و طلبکاران نیز به حاکم شرع شکایت کرده‌اند و حاکم او را ورشکسته اعلام نموده و از تصرف در اموالش منع کرده است.

۵۸. آیا در تحقق ممنوعیت (تصرف نکردن در اموال خود) برای شخص ورشکسته، حکم حاکم شرع یا دادگاه لازم است؟

ج: مفلس بودن شرعی از زمانی شروع می‌شود که حاکم شخصی را ورشکسته اعلام نماید و از تصرف در اموالش منع کند.

۵۹. آیا مفلس در مورد هزینه‌های روزمره خود از قبیل هزینه خوراک و لباس هم باید از حاکم شرع اجازه بگیرد؟

ج: مخارج و پوشاک مفلس و نفقه کسی که نفقه‌ی او بر مفلس واجب است طبق عادت همیشگی او تا روز تقسیم مال مفلس باید جریان داشته باشد و نیاز به اجازه گرفتن از حاکم شرع نیست.

* اختیار در انجام معامله

۶۰. اگر شخص از طرف دیگری تهدید شود یا تحت فشار قرار گیرد تا معامله‌ای

انجام دهد آیا معامله او صحیح است؟

ج: اگر شخص از طرف دیگری تهدید شود یا تحت فشار قرار گیرد تا معامله‌ای کند، و این شخص برای دفع ضرر یا حرج، این معامله را انجام دهد، چنین معامله‌ای باطل است؛ مگر اینکه بعد از برداشته شدن اجبار و اکراه، اجازه آن را بدهد. این تهدید ممکن است در مورد وابستگان انسان یا اموال، آبرو و جان باشد و انسان به خاطر رفع تهدید، مجبور به پذیرش معامله شود.

۶۱. در بین مردم رایج است که می‌گویند مجبور شدم که فلان چیز را بفروشم آیا

چنین اجباری باعث باطل شدن معامله می‌شود؟

ج: اجباری که باعث باطل شدن معامله می‌شود، اجباری است که با تهدید و تحت فشار بودن و مانند آن باشد نه آن معنایی که بین مردم رایج است.

۶۲. فروشنده به خاطر نیاز شدید مالی، راضی می‌شود طلا و جواهراتش را ارزانتر از

قیمت واقعی بفروشد، آیا خرید طلا از چنین مشتریانی جایز است؟

ج: اضطرار از نظر فقهی ضرری به صحت و نفوذ معامله که همراه با رضایت و طیب خاطر باشد، نمی‌زند؛ ولی از نظر اخلاقی و انسانی، بر طرف دیگر واجب است که از شرایط به وجود آمده، برای شخص مضطر سوء استفاده نکند.

* مالک بودن

۶۳. مالی بدون رضایت مالک فروخته شده است اگر مالک بعد از اطلاع، به آن

معامله اجازه دهد کافی است؟ یا معامله انجام شده باطل است و باید معامله جدیدی انجام شود؟

ج: اگر مالک اصلی معامله مذکور را اجازه دهد معامله صحیح است.

۶۴. هنگام معامله شک می‌کنیم در اینکه آیا خود فروشنده مالک این کالا است یا بدون اجازه مالک (با امید راضی کردن مالک) می‌فروشد یا شاید این مال دزدی باشد، حکم چنین معامله‌ای چیست؟

ج: معامله صحیح است؛ چون این مال هم اکنون در دست اوست. البته اگر بعداً ثابت شود که مثلاً این مال دزدی بوده، باید از صاحب اصلی آن کسب تکلیف کرد و در صورت عدم اجازه، آن را به او برگرداند و اگر از بین رفته، مثل یا قیمت آن را بازگرداند.

۶۵. در معامله فضولی (معامله مال دیگری بدون اجازه او) اگر مالک اجازه بدهد پول خود را از مشتری می‌گیرد یا فروشنده فضولی؟

ج: اگر گرفتن عوض را هم توسط فرد فضولی اجازه دهد چیزی از مشتری نمی‌تواند مطالبه کند، و اگر اجازه ندهد مالک می‌تواند عوض را از مشتری مطالبه کند.

۶۶. سود حاصل از فروش طلا و نقره در جای غصبی و یا مغازه‌ای که شرعاً حق تصرف در آن وجود ندارد، از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج: غصب حرام بوده ولی سود به دست آمده از فروش طلا و نقره، اشکالی ندارد؛ و غاصب ضامن اجرت المثل محل است.

* شرایط جنس و عوض آن

۶۷. آیا برای صحت معامله لازم است که مشتری حتماً وزن دقیق طلای خریداری شده را بداند، یا فقط قیمت نهایی را بداند کافی است؟

ج: وزن را هم باید بداند.

۶۸. فروختن زیورآلاتی که فروشنده آن را توصیف کرده ولی مشتری آن را ندیده است، شرعاً چه حکمی دارد؟

ج: معلوم بودن کالای خریداری شده یا با مشاهده است و یا با ذکر اوصافی است که باعث برطرف شدن جهالت مشتری می‌شود.

۶۹. اگر مشتری طلایی را نزد فروشنده در قبال بدهی خود گرو بگذارد ولی در پرداخت بدهی کوتاهی نماید آیا فروشنده می‌تواند طلای گرو گذاشته شده را بفروشد؟

ج: وقتی زمان دریافت بدهی فرا رسید و گرو دهنده بدهی را نپرداخت، مراحل زیر انجام می‌شود: الف) اگر رهن گیرنده از طرف رهن در فروش گرویی وکیل است، می‌فروشد و در این مورد نیازی به مراجعه به رهن نیست. ب) اگر مرتهن (رهن گیرنده) وکیل نیست، درخواست طلب خود می‌کند و لو با فروش رهن یا توکیل او در فروش رهن، مثلاً: رهن گیرنده به رهن می‌گوید خودت رهن را بفروش و طلب مرا بپرداز. ج) اگر بند ۱ و ۲ حاصل نشد به حاکم مراجعه می‌کند و حاکم رهن را مجبور می‌کند به پرداخت دین یا فروش رهن؛ د) اگر مرتهن بینه‌ای برای اثبات دین نداشته باشد و بترسد از اینکه اگر نزد حاکم رهن را اعتراف نماید، رهن، دین را منکر می‌شود و به موجب اعتراف مرتهن، رهن را می‌گیرد و از او مطالبه بینه می‌نماید، برایش جایز است که بدون مراجعه به حاکم، رهن را بفروشد. و همچنین است اگر رهن بمیرد و مرتهن بترسد که وارث او دین را انکار نمایند.

* حق فسخ

۷۰. اگر طلا فروش در ضمن معامله شرط کند که مشتری بعد از خرید هیچ گونه حق

فسخی ندارد، آیا این نوع شرط گذاشتن صحیح است؟

ج: این قبیل شروط، اگر به عنوان شرط در ضمن عقد صحیح بیان شوند، صحیح بوده و وفا به آن هم واجب است.

۷۱. در بعضی از مغازه‌ها تابلویی نصب می‌کنند با این عبارت که «جنس فروخته

شده پس گرفته نمی‌شود» آیا صرف نصب نمودن این تابلو در مغازه باعث از

بین رفتن تمام حقوق مشتری در فسخ معامله می‌شود؟

ج: وجود تابلو الزام آور نیست مگر اینکه مشتری موقع خرید به آن ملتزم شده باشد.

تبصره: نصب تابلویی با عبارت «جنس فروخته شده پس گرفته نمی شود» تأکیدی است بر لزوم عقد، یعنی مشتری حق ندارد بدون دلیل معامله را بهم بزند. ولی اگر مشتری مغبون شود و یا کالا دارای عیب مخفی بوده باشد مثلاً فروشنده گفته کالا ساخت فلان کشور است ولی بعداً خلاف آن ثابت شود، حق فسخ پابر جاست. [البته عیوبی که هنگام خرید کالا واضح است نمی تواند دلیلی برای فسخ کالا باشد].

۷۲. اینکه در عرف بازار بعضی از صنف ها مشهور است که مشتری حق فسخ معامله را ندارد، این نوع معامله از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟

ج: بعد از تحقق معامله، یعنی بعد از آنکه معامله بوجه شرعی صحیح منعقد شد، مشتری نمی تواند معامله را فسخ نماید مگر اینکه یکی از اسباب شرعی برای فسخ معامله وجود داشته باشد.

تبصره: ۱. اگر در ضمن معامله شرط شود که مشتری هیچ گونه حق فسخی ندارد، این شرط صحیح است و مشتری نمی تواند با استفاده از انواع اختیارات از قبیل اختیار عیب، اختیار غبن و... معامله را فسخ نماید چون در معامله، تمامی اختیارات را اسقاط کرده است.

۲. اگر در عرفی مشهور شده که مشتری حق فسخ ندارد، معنایش این است که مشتری نمی تواند بدون دلیل معامله را به هم بزند و این همان چیزی که باید در تمام معاملات پای بند به آن باشیم. ولی اگر کالا معیوب باشد و یا مثلاً مشتری مغبون شود، حق فسخ پابر جاست.

۷۳. اگر طلافروش طلائی را بفروشد و چند لحظه بعد از معامله قیمت طلاگران شود،

آیا می تواند معامله را فسخ کند (به هم بزند) و به قیمت جدید بفروشد؟

ج: تا زمانی که طرفین معامله از مجلس معامله متفرق نشده اند، می توانند معامله را فسخ کنند.

تبصره: اگر گران شدن کالا قبل از انجام معامله بوده باشد فروشنده در صورت مغبون شدن می تواند معامله را فسخ نماید، اگر چه از مجلس معامله متفرق شده باشند.

* پس گرفتن کالا

۷۴. آیا زرگر می تواند جواهری را که مشتری فقط یک یا دو روز از آن ها استفاده کرده و

الان می خواهد پس بدهد، با قیمتی کمتر از قیمت فروش پس بگیرد؟

ج: بعد از تحقق معامله به صورت صحیح، فروشنده می تواند از پس گرفتن طلا خودداری نماید ولی مستحب است که خواسته مشتری را قبول نموده و معامله را اقاله نماید ولی اقاله با کم کردن قیمت کالا، شرعاً صحیح نیست.

تبصره: طرفین معامله در صورت رضایت می توانند، معامله ی دومی بر اساس قیمت مورد نظر خود انجام دهند.

۷۵. طلاجاتی که توسط مشتری پس داده می شود و استفاده خیلی کمی از آن ها

شده، آیا زرگر می تواند آن ها را به عنوان طلای نو بفروشد؟

ج: اگر برای بررسی کیفیت و زیبا بودن زیورات آن ها را به صورت متعارف، در داخل مغازه یا بیرون آن امتحان نمایند اشکالی ندارد. ولی اگر عرفاً تصرف زیادی در آن ها صورت گرفته و مستعمل شمرده می شود، فروش آن به عنوان طلای نو جایز نیست.

۷۶. اگر مشتری طلای خریداری شده را یک بار برای میهمانی استفاده نموده

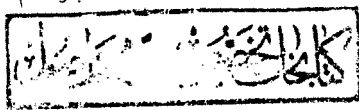
و پس بیاورد آیا فروشنده می تواند این طلا را به عنوان طلای نوبه مشتری

دیگری بفروشد؟

ج: اگر عرفاً مستعمل نیست، اشکال ندارد.

۱. اقاله به معنای به هم زدن عقد با توافق طرفین است. (فرهنگ فقه مطابق مذهب

اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۵۹۸).



* چانه زدن

۷۷. حکم چانه زدن در خرید و فروش چیست؟ و چانه زدن با نامحرم چه حکمی دارد؟

ج: چانه زدن بعد از انجام معامله مکروه است و در مورد نامحرم با حفظ حدود و ضوابط شرعی مانع ندارد.



✱ خرید و فروش طلای نگین دار

۷۸. در عرف بازار طلافروشان مرسوم است که هنگام فروش طلا، وزن نگین‌های روی طلا را کم نمی‌کنند (با وجود اینکه نگین‌های بکار رفته ارزش مالی کمی دارد ولی موقع فروش به همان قیمت طلا فروخته می‌شود) ولی هنگام خرید از مشتری، وزن نگین را کسر می‌نمایند، آیا این کار شرعاً جایز است؟ و آیا لازم است فروشنده این موارد را به مشتری اعلام نماید؟

ج: اگر به مشتری اعلام کند و با رضایت مشتری باشد اشکال ندارد، در غیر این صورت جایز نیست.

۷۹. در هنگام خرید و فروش طلای نگین دار، آیا می‌توان با وزن نمودن یکی دو تا از نگین‌ها که اندازه ثابتی دارند، وزن بقیه را به صورت تخمینی بدست آورد؟ و معامله به این صورت، چه حکمی دارد؟

ج: اگر تخمینی بودن وزن نگین‌ها، باعث جهل به وزن طلای مورد نظر باشد معامله باطل خواهد بود.

تبصره: اگر فروشنده طوری وزن کند که مطمئن شود وزنی را که به مشتری اعلام می‌کند کمتر از وزن واقعی نبوده و کم فروشی صورت نگرفته است، در این صورت معامله صحیح است.

۸۰. ارزش برخی از نگین‌های جدید بکار رفته در طلا، بیشتر از قیمت طلا است؛ زرگر موقع فروش، قیمت نگین را جداگانه حساب می‌کند ولی موقع خرید از مشتری با طلا وزن می‌کند آیا این کار شرعاً صحیح است؟

ج: با اطلاع و رضایت مشتری اشکال ندارد.

۸۱. اگر طلافروش هنگام خرید طلای دست دوم، در محاسبه وزن طلا یا نگین‌ها دچار اشتباه شود ولی زمانی متوجه شود که مشتری مغازه را ترک کرده است؛ در این صورت چه وظیفه‌ای دارد؟ آیا می‌تواند مبلغ اشتباه شده را صدقه بدهد؟

ج: باید مشتری را پیدا نموده و حق واقعی او را پرداخت نماید. و اگر هیچ نشانه‌ای از او ندارد حکم مجهول المالک را دارد و باید از طرف صاحبش صدقه بدهد و احتیاط مستحب در این است که برای صدقه دادن از حاکم شرع اجازه بگیرد.

۸۲. برای سوار کردن نگین روی انگشتر، گردنبند و... برای اینکه نگین نشکند و خوب جا بیفتد و سازنده هم راحت تر باشد مقداری از زیر نگین را می‌تراشند و به مشتری نیز اعلام نمی‌کنند و در ظاهر هم دیده نمی‌شود، این کار چه حکمی دارد؟

ج: اگر مال مردم را می‌تراشد، باید اعلام کند، مگر این که بداند مالک نگین راضی به این کار است.

۸۳. سازنده‌ی طلا و جواهر موقع ساخت، تعدادی از سنگ‌ها را از جواهرات اصلی و مابقی را از سنگ‌های غیر اصلی استفاده می‌کند، آیا موقع معامله باید به مشتری اعلام کند؟ و اگر به قیمت واقعی (با در نظر گرفتن جواهر اصلی و غیر اصلی) و بدون اینکه مشتری مغبون شود، بفروشد، آیا چنین معامله‌ای صحیح است؟

ج: اگر با عنوان اصلی می‌فروشد، اشکال دارد.

*** خرید و فروش طلا به کمتر از قیمت نرخ بازار**

۸۴. اگر طلافروش هنگام خرید طلا از مشتری، آن را کمتر از نرخ قانونی دولت و اتحادیه صنف طلا و جواهر خریداری کند، معامله چه حکمی دارد؟

ج: معامله صحیح است، اما اگر مشتری از نرخ طلا اطلاع نداشته و مغبون شده باشد، می‌تواند معامله را فسخ کند و در صورتی که تخلف از قانون نظام جمهوری اسلامی محسوب شود جایز نیست.

* خرید و فروش طلا و زیورات مردانه

۸۵. ساخت، خرید و فروش جواهرات طلا که مخصوص مردان است مانند انگشتر و گردن بند، چه حکمی دارد؟

ج: ساخت جواهرات طلا اگر به منظور استفاده مردان باشد، حرام است و خرید و فروش آن به این قصد جایز نیست.

۸۶. آیا ساخت، خرید و فروش و استفاده از طلای سفید (مثل انگشتر) برای استفاده مردها حرام است؟

ج: اگر چیزی که طلای سفید نامیده می‌شود همان طلای زرد است که بر اثر مخلوط کردن ماده‌ای، رنگ آن سفید شده، حرام است. ولی اگر عنصر طلا در آن به قدری کم است که عرفاً به آن طلای نمی‌گویند، مانع ندارد؛ و پلاتین نیز اشکال ندارد.

۸۷. اگر از طلا و فلز دیگری آلیاژی درست کنیم که مقدار طلا در آن کم باشد، آیا استعمال چنین آلیاژی به صورت انگشتر و یا ساعت برای مردان، اشکال دارد؟

ج: اگر طلا در آن به قدری کم است که عرفاً به آن طلای نمی‌گویند، مانع ندارد.

۸۸. خرید و فروش طلاجات مشترک مردان و زنان در صورتی که احتمال بدهیم مورد استفاده آقایان قرار خواهد گرفت چه حکمی دارد؟

ج: اگر عرفاً از وسایل مشترک بوده که می‌توان استفاده حلال یا حرام از آن‌ها نمود خرید و فروش آن به قصد حلال اشکالی ندارد.

تبصره: اگر فروشنده می‌داند که مشتری کالا را در حرام به کار می‌برد؛ در این صورت اگر فروش کالا، عرفاً کمک به عمل حرام محسوب شود، معامله حرام است و همچنین اگر وظیفه نهی از منکر باشد، نباید

معامله را انجام دهد. در غیر این صورت انجام معامله جایز است.^۱
۸۹. اگر در فروش طلا به آقایان، حرمت استفاده از آن توضیح داده شود، باز هم فروش آن حرام است؟

ج: اگر طلای مورد نظر، فقط برای استفاده‌ی آقایان باشد، خرید و فروش آن به این قصد جایز نیست. اگرچه این حرمت به خریدار توضیح داده شود.
۹۰. خرید و فروش طلای مردانه به نیت ذوب کردن و ساخت زیورات زنانه چه حکمی دارد؟

ج: ساخت طلای مردانه و فروش آن حرام است ولی خرید آن جهت ذوب کردن اشکالی ندارد.

۹۱. آیا خرید و فروش عینک و ساعت طلا برای استفاده‌ی مردان، جایز است؟
ج: بستن ساعت مچی طلا به دست، برای مرد حرام است و نماز خواندن با آن بنا بر احتیاط واجب باطل است و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا نیز خودداری شود.

۹۲. بعضاً برای جلوگیری از سیاه شدن بند یا قاب ساعت‌های طلایی رنگ، از پوشش آب طلا استفاده می‌شود. استفاده از این ساعت‌ها برای مردان چه حکمی دارد؟
ج: اشکال ندارد.

۹۳. اگر در قسمتی از عینک و ساعت مردانه، طلا استفاده شود، خرید و فروش و استفاده از آن برای مردان، چه حکمی دارد؟

ج: اگر طلای استفاده شده در آن‌ها به اندازه‌ای کم باشد که پوشش طلا صدق نکند، اشکال ندارد.

*** فروش طلا به زنان بد حجاب**

۹۴. آیا طلا فروش می‌تواند طلا و جواهرات را به زنانی بفروشد که می‌دانند آن را از نامحرم نمی‌پوشانند؟

۱. رساله‌ی آموزشی، ج ۲، ص ۱۹.

ج: در فرض مرقوم در صورتی که عرفاً کمک به انجام گناه محسوب نشود و وظیفه نهی از منکر نباشد، اگر فروش به قصد منفعت حلال باشد، اشکال ندارد.

*** خرید و فروش خلخال**

۹۵. زنان به خاطر زینت، زنجیری به پای خود می‌بندند که خلخال نامیده می‌شود،

خرید و فروش آن چه حکمی دارد؟

ج: خرید و فروش زیورآلات زنانه از قبیل خلخال و چیزهای دیگر اشکال ندارد، ولی خانم‌ها هنگام استفاده باید از نشان دادن زینت خود به نامحرم اجتناب نمایند.

*** زرگرو نحوه برخورد با نامحرم**

۹۶. دست کردن انگوی نو و یا بریدن انگوی کهنه توسط طلافروش مرد برای زن

نامحرم چه حکمی دارد؟

ج: اگر مستلزم لمس و نگاه حرام باشد، جایز نیست.

۹۷. برای بررسی اندازه‌ی انگو گردنبد، طلافروش به گردن و دست خانم‌ها نگاه

می‌کند، حکمش چیست؟

ج: نگاه کردن مرد به زن نامحرم فقط به صورت و دست‌ها تا می‌چ اگر بدون آرایش و زیور باشند و بدون لذت جنسی باشد، اشکال ندارد و در غیر صورت و دست‌ها جایز نیست.

۹۸. زیر نظر گرفتن خانم‌های بدحجاب از طریق دوربین‌های مدار بسته که گاه همراه

با نگاه به مو و صورت آرایش کرده آن‌ها می‌باشد، چه حکمی دارد؟

ج: نگاه کردن مرد به زن نامحرم فقط به صورت و دست‌ها تا می‌چ اگر بدون آرایش و زیور باشند و بدون لذت جنسی باشد، اشکال ندارد. و در غیر صورت و دست‌ها جایز نیست.

* خرید و فروش ظروف طلا و نقره

۹۹. ساخت و خرید و فروش ظروف طلا و نقره که بعنوان ظرف خوردن و آشامیدن

مورد استفاده قرار می‌گیرد، چه حکمی دارد؟

ج: خوردن و آشامیدن از ظرف طلا و نقره حرام است. ولی استفاده‌های دیگر غیر از خوردن و آشامیدن حرام نیست؛ و اگر به قصد استفاده برای خوردن و آشامیدن ساخته یا خرید و فروش شود، جایز نیست.

۱۰۰. ساخت و خرید و فروش ظروف طلا برای استفاده در دکوراسیون منزل و کارهای

تزئینی دیگر چه حکمی دارد؟

ج: اشکال ندارد.

* خرید و فروش وسایل زینتی

۱۰۱. خرید و فروش و استفاده از وسایل زینتی از قبیل لوستر که با طلا یا نقره زینت

داده شده‌اند، چه حکمی دارد؟

ج: فی نفسه اشکالی ندارد.

۱۰۲. خرید و فروش و استفاده از قاب قرآن، عطردان و سرمه دانی که از طلا یا نقره

ساخته شده، چه حکمی دارد؟

ج: فی نفسه اشکال ندارد.

* لحاظ کردن اجرت ساخت در خرید و فروش طلا

۱۰۳. سازنده طلا به چه میزان می‌تواند اجرت ساخت از زرگر دریافت نماید؟

ج: تعیین اجرت کار بر اساس توافق طرفین می‌باشد ولی باید در حق مشتری اجحاف نشود. و اگر قانونی وجود داشته باشد باید رعایت شود.

۱۰۴. اگر زرگر اجرت ساخت طلا را نداند و یا فراموش کرده باشد، آیا می‌تواند درصد

مشخصی (آن مقدار که احتمال می‌دهد درست باشد) از بابت اجرت ساخت، از

مشتری دریافت کند؟

ج: زرگر می‌تواند طلا را بدون اعلام اجرت ساخت، بفروشد.

۱۰۵. اگر زرگر طلا را با اجرت ساخت معینی خریداری کند و بدون هیچ گونه تغییری بخواهد آن را بفروشد، آیا می تواند اجرت ساخت را بیشتر از اجرت ساخت واقعی به مشتری اعلام نموده و دریافت کند؟
ج: نمی تواند خلاف واقع اعلام نماید.

۱۰۶. سود طلا در عرف بازار و قانون اتحادیه طلا و جواهر ۷٪ می باشد ولی فروشنده به جای سود ۷٪، طلا را با سود ۳٪ می فروشد و ۴٪ دیگر را روی اجرت ساخت اضافه کرده و به مشتری اعلام می کند که با سود ۳٪ می فروشد در حالی که مشتری خبر ندارد، آیا این معامله اشکال دارد؟

ج: معامله صحیح است، اما مشتری می تواند معامله را فسخ کند.
۱۰۷. طلافروشی برای جذب مشتری و فروش بیشتر، طلاهای خود را برخلاف عرف بازار با اجرت ساخت کمتر یا سود کم، به قیمت پایین تری می فروشد، این کار باعث فروش کمتر طلافروشان دیگر می شود و شاید گاهی باعث کمتر سود بردن آن ها شود، این مسأله چه حکمی دارد؟
ج: معامله صحیح است.

* اختلاف در عیار یا خصوصیات طلا

۱۰۸. معمولاً طلای ۱۸ عیار با شماره ۷۵۰ می باشد و اما طلافروش طلای مستعمل و شکسته را از مشتری با شماره ۷۴۰ خریداری می کند و در زمان ری گیری (ذوب)، شماره آن ۷۴۵ تشخیص داده می شود، با وجود اختلاف این ۵ شماره، حکم معامله چیست؟

ج: اگر اختلاف قیمت عرفاً قابل توجه باشد، فروشنده خیار غبن دارد.
۱۰۹. اگر زرگر مقداری طلا با عیار پایین بخرد و به همراه طلاهای دیگر ذوب کند و عیار واقعی آن مقدار طلا مشخص نگردد و بعداً فروشنده به همراه فاکتور به طلافروش مراجعه کند و مدعی شود که عیار طلایش بالاتر بود وظیفه خریدار و فروشنده چیست؟

ج: اگر فاکتور اطمینان آور باشد یا فروشنده از راه شرعی - مثل گواهی دو مرد عادل - بتواند ادعای خود را ثابت کند و تفاوت قیمت قابل توجه باشد، فروشنده حق فسخ معامله را دارد.

۱۱۰. تشخیص برخی خصوصیات خاص طلاجات و جواهرات کار بسیار مشکلی می باشد و نیاز به متخصص و کارشناس دارد آیا می توان با اعتماد به گفته ی سازنده ی این گونه طلاجات، آن ها را با همان خصوصیات به مشتری فروخت؟
ج: می تواند؛ ولی به خریدار بگویند که به گفته ی سازنده، این خصوصیات و ویژگی را دارد.

* معلوم نبودن عیار طلا

۱۱۱. خرید و فروش طلایی که عیارش معلوم نیست، چه حکمی دارد؟
ج: خرید و فروش صحیح نیست، اما اگر مصالحه کنند، اشکال ندارد.

* معامله نسیه طلا و جواهر

۱۱۲. آیا خرید و فروش طلا به صورت نسیه ای اشکال دارد؟
ج: نقدی بودن یا نسیه بودن قیمت کالا، وابسته به توافق دو طرف است، بلکه در معامله طلا در برابر طلا، به صورت نسیه و یا گرفتن اضافه در برابر آن، جایز نیست.

۱۱۳. در خرید و فروش طلا و نقره به صورت نسیه یا قسطی، قیمت آن را می توان زیاد محاسبه کرد؟ و اگر برای هر ماه نسیه درصد مشخصی به قیمت نقدی افزوده شود، مسأله چه حکمی پیدا می کند؟

ج: اگر به هنگام فروش جنس، قیمت آن را به طور نسیه و یا قسطی تعیین کنند، معامله صحیح است، هر چند قیمت قسطی بیشتر از قیمت نقدی باشد. ولی اگر معامله بر قیمت نقد انجام گیرد و در تقسیط پرداخت ثمن چیزی بر آن بیفزاید، چنین قراردادی حرام و باطل است.

۱۱۴. با توجه به نوسانات قیمت طلا و نقره، در فروش نسیه یا اقساطی، قیمت زمان تسویه ملاک است، یا قیمت زمان فروش؟ مثلاً ۱۰ گرم طلا فروخته می‌شود و قرار است مشتری سال بعد پولش را بپردازد، در این صورت طلا باید به قیمت امروز محاسبه شود یا قیمت سال آینده؟

ج: هنگام معامله باید قیمت کالا معین شود تا صحیح باشد و در فروش نسیه یا اقساطی فروشنده می‌تواند کالا را به قیمت گرانتری بفروشد.

۱۱۵. در فروش نسیه‌ی طلا یا نقره، چه زمانی طلا یا نقره به ملک مشتری منتقل می‌شود، آیا زمان دریافت طلا از فروشنده، یا بعد از پرداخت کامل وجه؟

ج: نسیه یکی از انواع معاملات است که اگر شرایط لازم برای صحت معامله را دارا باشد، از لحظه معامله، کالا به ملک مشتری منتقل می‌شود و قیمت کالا در مدت مشخص شده پرداخت می‌گردد.

۱۱۶. دست گردان کردن طلا و نقره به شکل نقد و نسیه صحیح چه حکمی دارد؟ به این صورت که زرگر طلا یا نقره را به مدت ۲ ماه به طور نسیه به خریدار بفروشد و خریدار آن را تحویل گرفته و در همان لحظه آن را به قیمت پایین‌تر و به صورت نقدی به خود زرگر بفروشد و پول آنرا دریافت نماید؟

ج: این نوع بیع صوری و وسیله‌ای برای دستیابی به قرض ربوی می‌باشد و لذا حرام و باطل است؛ بلکه اگر مال خود را بطور جدی و به نحو صحیح شرعی بفروشند و سپس اقدام به خرید نقدی یا نسیه آن به همان قیمت یا بیشتر از قیمت نقدی از مشتری نمایند، اشکال ندارد.

* گروه گذاشتن طلا تا پایان اقساط *

۱۱۷. در فروش اقساطی طلا، فروشنده برای اطمینان از پرداخت تمام مبلغ طلا از طرف مشتری، طلا را پیش خودش از بابت ضمانت نگه می‌دارد و پس از پایان اقساط مشتری، طلا را به او تحویل می‌دهد؛ حکم مساله چیست؟

۱. شرایط لازم برای صحت معامله در بخش اول، احکام عمومی خرید و فروش ذکر شده است.

ج: اگر با رضایت مشتری این کار انجام شود اشکال ندارد، البته فروشنده بدون اذن مشتری حق استفاده از آن را ندارد.

۱۱۸. در فروش اقساطی طلا، برای ضمانت از مشتری، طلای خودش را بصورت ضمانت می‌گیریم و مشتری خلف وعده در پرداخت اقساط نموده است، آیا طلافروش می‌تواند طلای ضمانتی وی را بدون اعلام به او بفروشد؟
ج: اگر فروشنده از طرف مشتری برای فروش طلا وکالت نداشته باشد، حق ندارد بدون مراجعه به مشتری آن را بفروشد.

*** فروش نسبه طلا و نقره و بدقولی خریدار در پرداخت بدهی**

۱۱۹. در فروش طلا و نقره به صورت نسبه، چنانچه خریدار در پرداخت بدهی بدقولی نماید، آیا برای فروشنده حق فسخ ثابت می‌شود؟

ج: اگر مشتری ثمن را در زمان مشخص شده تحویل ندهد، فروشنده حق فسخ معامله را ندارد. مگر در ضمن معامله شرط کند که حق فسخ دارد. البته اگر پرداخت بدهی به اندازه‌ای تأخیر بیافتد که ارزش پول کم شود بنابراین احتیاط باید نسبت به کاهش ارزش پول مصالحه کنند.
۱۲۰. در معامله نسبه، اگر خریدار از پرداخت وجه خودداری کند و قیمت طلا و نقره به خاطر تورم افزایش یابد، آیا زرگر می‌تواند این مبلغ را از خریدار مطالبه نموده و یا در صورت نیاز اقدام قانونی انجام داد؟

ج: فروشنده حق مطالبه‌ی مبلغی بیشتر از قیمت معین شده را ندارد، ولی در صورتی که بر اثر کوتاهی خریدار در پرداخت پول، قدرت خرید فروشنده و ارزش پول پایین بیاید، و متضرر شود، احوط این است که با مشتری در مقدار مابه‌التفاوت مصالحه کند.

*** تحویل طلا و نقره در مجلس معامله**

۱۲۱. آیا در خرید و فروش طلا یا نقره یا برعکس، لازم است طلا یا نقره در همان

مجلس و محل معامله به خریدار تحویل داده شود؟ به عبارتی شرط صحت معامله تحویل در مجلس معامله است؟

ج: اگر طلا یا نقره را به طلا یا نقره بفروشند باید فروشنده و خریدار پیش از آنکه از یکدیگر جدا شوند جنس و عوض آن را به یکدیگر تحویل دهند، و اگر هیچ مقدار از چیزی را که قرار گذاشته‌اند، تحویل ندهند معامله باطل است.

* خرید و فروش زیورات طرح دار

☆ طلا یا منقوش به اسماء متبرکه

۱۲۲. حکم خرید و فروش طلایی که روی آن آیه قرآن یا اسماء و اوصاف الهی و یا اسماء معصومین علیهم السلام نوشته شده، چیست؟

ج: نوشتن و قالب‌ریزی آیات قرآنی و اسماء جلاله و امثال آن بر روی طلا و جواهرات و خرید و فروش آن‌ها اشکالی ندارد. ولی کسی که می‌خواهد استفاده نماید، واجب است که احکام شرعی آن‌ها را رعایت نماید و از بی‌احترامی و نجس کردن و مس بدون وضوی آن‌ها خودداری کند.

۱۲۳. حکم خریدن طلایی که بر روی آن اسماء متبرکه حک شده است، برای ذوب کردن و قالب‌ریزی مجدد، چیست؟

ج: اشکال ندارد.

۱۲۴. اگر فروشنده بداند، خریدار احکام شرعی اسماء متبرکه‌ای که بر روی طلا یا نقره حک شده است را رعایت نمی‌کند (مثلاً بدون وضو به آن دست می‌زند)، فروش به این‌گونه افراد چه حکمی دارد؟

ج: اگر فروش آن عرفاً کمک به عمل حرام خریدار محسوب شود و همچنین اگر وظیفه نهی از منکر باشد، نباید معامله را انجام دهد.

۱۲۵. زیوراتی که اسماء متبرکه بر روی آن‌ها حک شده و مورد استفاده کودکان و نوجوانان است و از طرفی چون مکلف نیستند رعایت احکام شرعی اسماء

متبرکه را ندارند، خرید و فروش این گونه زیورآلات چه حکمی دارد؟
ج: اشکال ندارد.

۱۲۶. حکم خرید و فروش انگشتر و طلاجاتی که بر روی آن ها تصاویر منسوب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام، حک شده است، چیست؟
ج: این کار فی نفسه از نظر شرعی اشکال ندارد به شرط اینکه مشتمل بر اموری که از نظر عرف، اهانت و بی احترامی محسوب می شود نبوده و با شأن آن بزرگان منافات نداشته باشد.

۱۲۷. اگر مشتری، جواهراتی خریداری نماید که منقش به اسماء متبرکه باشد، آیا لازم است احکام شرعی مربوط به اسماء متبرکه را به او یاد آوری کنیم؟
ج: تذکر دادن واجب نیست مگر آنکه بدانید جاهل به حکم است.

❖ زیورآلات با طرح صلیب و علامت فرقه های منحرف

۱۲۸. آیا خرید و فروش طلا و جواهرات با طرح صلیب یا علامت فرقه های منحرف جایز است؟
ج: جایز نیست.

❖ زیورآلات با طرح و نقش حیوانات

۱۲۹. خرید و فروش زیورآلات و جواهرات با طرح حیوانات چه حکمی دارد؟
ج: ساخت، نگه داری و خرید و فروش تصویر جاندار، اعم از مجسم و غیر مجسم فی نفسه، حرمتی ندارد.

❖ زیورآلات منقوش به عکس پادشاهان و افراد مشهور

۱۳۰. حک کردن عکس برخی از شخصیت ها و پادشاهان ایرانی و خارجی بر روی زیورآلات و سکه ها چه حکمی دارد؟
ج: اگر ترویج باطل محسوب شود، جایز نیست.

* معاملات جدید در طلا و جواهر

✧ خرید و فروش سکه

۱۳۱. آیا خرید و فروش سکه طلا بصورت عددی در صورتی که مشتری وزن آن را

نداند، صحیح است؟

ج: اگر خرید و فروش آن به صورت عددی متعارف باشد، اشکال ندارد در غیر این صورت اگر وزن آن مجهول باشد، معامله باطل است.

✧ خرید و فروش اینترنتی طلا و نقره

۱۳۲. خرید و فروش طلا و نقره به صورت اینترنتی چه حکمی دارد؟

ج: مانعی ندارد.

✧ سپرده گذاری طلا

۱۳۳. سپرده گذاری طلا در بانک چه حکمی دارد؟

ج: اگر طبق یکی از عقود اسلامی باشد، مانع ندارد.

✧ خرید و فروش طلا بصورت شناور

۱۳۴. حکم خرید و فروش طلا بصورت شناور چیست؟ (مثلاً امروز توافق می کنند یک ماه

دیگر ۱۰۰ گرم طلا تحویل داده شود و وجه آن نیز در آن روز سه میلیون تومان محاسبه شود

و در آن روز اگر طلاگران شد فروشنده ضرر می کند و اگر ارزان شود خریدار ضرر می کند.)

ج: معامله ای که در آن، پرداخت پول به صورت نسیه بوده و فروشنده

هم متعهد شده کالایی را که عین مشخصی نیست در آینده تحویل

دهد، معامله دین به دین بوده و از نظر شرعی صحیح نیست. (یعنی هم

پول و هم کالا نسیه است).

✧ خرید و فروش چک و سفته

۱۳۵. اگر سکه و طلاجاتی در مقابل چک یک ماهه فروخته شود و قبل از وصول

آن، خریدار و فروشنده توافق کنند که چک دیگری به مبلغ زیادتر با ۲ ماه دیگر

از طرف مشتری ارائه شود؛ (یعنی مدت پرداخت بدهی با پرداخت مبلغی از طرف مشتری، بیشتر شود) این کار از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج: اضافه کردن مدت بدهی همراه با افزایش مقدار بدهی، ربا و حرام است، حتی اگر طرفین راضی باشند اما اگر معامله قبلی را با توافق یکدیگر فسخ کنند و معامله‌ی جدیدی با قیمت بیشتر و مدت طولانی‌تر انجام دهند، مانع ندارد.

۱۳۶. خرید و فروش چک و سفته مدت‌دار به صورت نقد به قیمتی کمتر از مبلغ نوشته شده در آن که امروزه هم رایج است، چه حکمی دارد؟

ج: فروش چک مدت‌دار به دیگری به کمتری یا بیشتر از مبلغ مندرج در چک در صورتی که آن چک بابت طلبی باشد که از کسی دارد، جایز است و اشکال ندارد آنچه اشکال دارد و جایز نیست این است که مبلغی از کسی قرض بگیرد و در برابر آن چک مدت‌دار به مبلغ بیشتر از مبلغ قرض به او بدهد این عمل قرض ربوی است و حرام است اگر چه بعید نیست اصل قرض صحیح باشد.

۱۳۷. آیا چک به منزله پول نقد است به طوری که اگر بدهکار آن را به طلبکار بدهد بری الذمه می‌شود؟

ج: چک به منزله پول نقد نیست و تحقق ادای دین یا ثمن با دادن آن به طلبکار یا فروشنده متوقف بر این است که عرفاً قبض چک، قبض مبلغ آن محسوب شود و این با تفاوت موارد و اشخاص تفاوت پیدا می‌کند.

❖ **تقلب و فریب در معاملات طلا و جواهر**

*** غش و فریب در معامله**

۱۳۸. اگر سطح فلزی را آب طلا یا نقره بدهند و با عنوان طلا یا نقره بفروشند، معامله چه حکمی دارد؟

ج: معامله باطل است.

۱۳۹. اگر فلزاتی از قبیل نقره و مس را با طلا مخلوط نمایند (به خاطر استحکام طلا و به میزانی که در صنف زرگران متعارف است)، آیا فروش آن به عنوان طلا و به قیمت طلا جایز است؟

ج: اگر طلا صدق می‌کند و عیار آن محفوظ است، اشکال ندارد.

۱۴۰. طلا فروش، جنسی را با وصف خاصی مثل فیروزه نیشابور خریداری نموده و به مشتری فروخته اگر بعداً معلوم شود که جنس مذکور دارای ویژگی‌های ذکر شده نبوده است، معامله انجام شده چه حکمی دارد؟ و چه کسی ضامن است؟

ج: اگر عین خارجی را با وصف خاص می‌فروشد، در صورتی که معلوم شود آن وصف را نداشته، می‌تواند معامله را فسخ کند و اگر کلی می‌فروشد مشتری می‌تواند در صورت خلاف عوض کند و آن توصیف شده را بگیرد.

۱۴۱. اگر شخصی طلای قدیمی و عتیقه‌ای با ارزش را برای فروش عرضه کند و خریدار (صاحب مغازه) بدون این که به فروشنده طلا (مشتری) اطلاع دهد، آن را به قیمت طلای معمولی بخرد؟ این معامله از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

ج: در معامله فریب دادن طرف مقابل جایز نیست. و در فرض سوال فروشنده‌ی طلای می‌تواند با استفاده از خیار غبن، معامله را فسخ نماید.

* تدلیس

۱۴۲. آیا نحوه‌ی چیدن طلا و نقره و زیاد کردن نور و استفاده از چراغ‌های رنگی در ویتترین مغازه، تدلیس^۲ و فریب در معامله محسوب می‌شود؟

۱. معنای خرید و فروش به صورت کلی: بیع کلی، مقابل بیع شخصی است که عبارت است از خرید و فروش کالایی که در وصف، معین و مشخص است لیکن در خارج و مصداق، کلی و قابل صدق بر افراد متعدّد می‌باشد، مانند بیع صد گرم از طلای موجود در مغازه. معنای خرید و فروش به صورت جزئی و شخصی: خرید و فروش کالایی که در مصداق و بیرون، معین و مشخص است و معامله بر روی همان کالای مشخص و معین می‌شود. مانند معامله بر روی این انگشتر مشخص و معین.
۲. تدلیس به معنای خدعه و فریب است. البته نه هر خدعه‌ای، بلکه مقصود پوشاندن عیب یا اظهار کمال در شیء یا کسی است که آن کمال را ندارد، یا اظهار و نشان دادن وصفی که انسان به آن راغب است. درحالی‌که واقعاً آن وصف وجود ندارد، یا مخفی کردن وصفی که رغبتی به آن نیست.

ج: صرف آنچه در سؤال آمده تدلیس نیست، بلکه اگر به گونه‌ای باشد که عیب کالا را مخفی کند یا وصف کمالی را در کالا اظهار کند که واقعاً کالا آن کمال را ندارد، تدلیس و حرام است.

۱۴۳. در برخی مواقع طلای خریداری شده از مشتری در حد نو می‌باشد و با پرداخت و آبکاری روی آن، با طلای نو برابری می‌کند، آیا می‌توان آن را به جای طلای نو فروخت؟ آیا اطلاع دادن به مشتری لازم است؟

ج: اگر مشتری طلا را به شرط نو بودن می‌خرد و یا اینکه معامله مبتنی بر نو بودن طلا واقع شده، فروش طلای خریداری شده به جای طلای نو جایز نیست. ولیکن در صورت فروش، معامله صحیح است و در صورت جهل مشتری به دست دوم بودن طلا هنگام معامله، مشتری حق فسخ معامله را دارد.

* اختلاف ترازوها

۱۴۴. با توجه به اینکه برخی از ترازوهای زرگران در مقادیر زیر یک گرم دقت کافی ندارند، حکم معاملات صورت گرفته و سود حاصله با این نوع ترازوها چیست؟
ج: فروشنده باید مطمئن باشد وزنی را که به مشتری اعلام کرده صحیح است و کم فروشی صورت نگرفته است.

۱۴۵. اگر طلافروش نداند ترازوی او دقت لازم برای وزن طلا را دارد یا نه؛ آیا در این صورت می‌تواند از این ترازو استفاده نماید؟

ج: نمی‌تواند، مگر این که مطمئن شود کم فروشی صورت نگرفته است.

۱۴۶. اگر مشتری بعد از خرید طلا بفهمد، وزنی که فروشنده برای طلا گفته است بیشتر از مقدار واقعی آن است آیا حق فسخ معامله برای مشتری ثابت می‌شود؟

ج: طلای مشخصی که بر اساس وزنش خریداری شده است اگر وزنش کمتر از وزن مورد توافق باشد معامله صحیح است ولی باید فروشنده پول اضافی را به مشتری برگرداند.

* تخفیف کاذب

۱۴۷. اگر فروشنده، طلای یکصد هزار تومانی را یکصد و بیست هزار تومان قیمت بدهد و بعد برای بازار گرمی به مشتری بگوید بیست هزار تومان به شما تخفیف دادم؛ این تخفیف کاذب چه حکمی دارد؟ و آیا باعث باطل شدن معامله می‌شود؟

ج: معامله اشکال ندارد.

۱۴۸. زرگر می‌داند بیشتر مشتری‌ها برای تخفیف گرفتن زیاد چانه می‌زنند به این خاطر قیمتی بالاتر از نرخ مصوب و قانونی را به مشتری اعلام می‌کند و در صورت چانه زدن مشتری در ظاهر به عنوان تخفیف، قیمت اصلی و مصوب را از مشتری می‌گیرد، این کار چه حکمی دارد؟

ج: معامله صحیح است.



✽ ربای در معاوضه طلا و نقره

۱۴۹. منظور از ربای معاوضی چیست؟

ج: ربای معاوضی عبارت است از معاوضه یا فروش کالای پیمان‌ه‌ای یا وزنی به کالای هم جنس دیگر با گرفتن زیادی، اعم از اینکه زیادی عینی باشد یا حکمی^۱، به ربای معاوضی ربای معاملی یا ربا در معامله و معاوضه نیز گفته می‌شود.

تبصره: ربای معاملی (معاوضی)، اختصاص به بیع (خرید و فروش) ندارد و شامل هر گونه معامله و معاوضه از قبیل صلح، هبه، معوضه و مانند آن نیز می‌شود.

۱۵۰. آیا در خرید و فروش طلا و نقره ربا محقق می‌شود؟

ج: اگر طلا را به طلا، یا نقره را به نقره بفروشد، (سکه باشد یا زیورات) در صورتی که وزن یکی از آن‌ها زیاده‌تر از دیگری باشد معامله حرام و باطل است. ولی اگر طلا را به نقره، یا نقره را به طلا بفروشد، معامله صحیح است و لازم نیست وزن آن‌ها مساوی باشد.

۱. زیاده حکمی و عینی: این دو نوع زیاده در بحث ربا مطرح است. در دو مال از یک جنس، گاهی یکی برد دیگری زیاده عینی و حقیقی دارد، مانند یک کیلوگرم در برابر دو کیلوگرم و گاهی چنین نیست، بلکه زیاده، حکمی و معنوی است، مانند یک کیلوگرم نقد در برابر یک کیلوگرم نسیه، یا در برابر یک کیلوگرم با حق سکونت در منزل یا آموختن چیزی. سایت ویکی فقه

۱۵۱. آیا انواع مختلف طلا از قبیل طلای سفید، طلای زرد، طلای ۱۸ عیار و ۲۴

عیار، یک جنس محسوب شده و ربای معاوضی در آن‌ها محقق می‌شود؟

ج: اگر منظور از طلای سفید همان پلاتین است (چیزی غیر از طلای زرد) پس جنس آن با طلا متفاوت است. ولی اگر منظور همان طلای زرد است که آن را سفید کرده‌اند، یک جنس است و همچنین طلای ۱۸ عیار با طلای ۲۴ عیار یک جنس محسوب می‌شوند و ربای معاوضی در آن‌ها محقق می‌شود.

۱۵۲. در مبادله طلا با طلا در صورتی که وزن آن‌ها متفاوت باشد آیا با ضمیمه کردن یک جنس دیگر به طلایی که وزنش کم می‌باشد معامله را از ربوی بودن خارج می‌کند؟

ج: در فرض مذکور، اگر چیزی ضمیمه می‌شود تا طلای اضافی در مقابل آن قرار بگیرد و غرض فرار از ربا نباشد، اشکال ندارد و معامله ربوی نخواهد بود.

تبصره: معامله ۵ گرم طلا با ۴ گرم طلا به خاطر زیادی، ربا بوده و حرام است ولی اگر ۵ گرم طلا در مقابل ۴ گرم طلا و مقداری پول معاوضه شود صحیح است. چون یک گرم طلای اضافی در مقابل پول قرار می‌گیرد.

۱۵۳. آیا تمامی شرایطی که برای صحت معاملات طلا شرط شده است در مورد معاملات نقره هم جاری است؟

ج: طلا و نقره نسبت به شرایط لازم برای صحت معامله و ربوی بودن یا نبودن، یکسان بوده و هیچ تفاوتی با همدیگر ندارند.

* معاوضه طلای دست دوم با طلای نو

۱۵۴. آیا خرید و فروش طلا به صورتی که امروزه در بازار رایج است، از نظر شرعی صحیح است؟ (یعنی مشتری طلای دست دوم را داده و در مقابل طلای نو می‌خرد.)

ج: اگر طلای دست دوم را به قیمت معینی به او بفروشید و بعد طلای نو را به قیمت معین بخرید، اشکال ندارد.

تبصره: اگر معامله جداگانه‌ای برای طلای دست دوم و معامله دیگری برای طلای نو صورت می‌گیرد، صحیح است. ولی اگر طلای دست دوم در مقابل طلای نو معاوضه بشود گرفتن طلا یا پول اضافی جایز نیست. مثلاً معاوضه ۵ گرم طلای کهنه در مقابل ۴ گرم طلای نو صحیح نیست، و همچنین معامله ۵ گرم طلای کهنه و پرداخت مقداری پول در مقابل ۵ گرم طلای نو جایز نیست و ربا می‌شود.

۱۵۵. اگر طلافروش قیمت طلای کهنه مشتری را حساب نموده و طلای انتخاب شده از سوی مشتری را هم حساب نموده و بگوید من این طلای شما را برمی‌دارم و علاوه بر آن شما باید ۱۰۰ هزار تومان دیگر به من بدهید؛ آیا چنین معامله برای مشتری صحیح است؟

ج: اگر مشتری متوجه است که، فروشنده قیمت طلای نو و کهنه را محاسبه نموده و تفاوت قیمت دو معامله را ذکر می‌کند صحیح است اگر چه از جزئیات معامله اطلاع نداشته و به سخن فروشنده اعتماد می‌کند. ۱۵۶. اگر سازنده جواهرآلات، ۱۰۰ گرم طلای آماده و ساخته شده را به طلافروش بدهد و همان میزان طلای شکسته و دست دوم گرفته و مقداری پول هم به عنوان اجرت ساخت بگیرد، آیا این کار از نظر شرعی صحیح است؟

ج: اگر معامله بین ۱۰۰ گرم طلا در مقابل ۱۰۰ گرم طلا بوده و اجرتی هم در مقابل ساخت آن قرار داده شود، مانع ندارد.

تبصره: معامله طلا با طلا در صورتی جایز است که هم وزن باشند در فرض مذکور می‌توان: ۱. طلای شکسته و طلای نورا بر اساس قیمت خودشان معامله کرد تا اشکالی نداشته باشد. ۲. طلا را به هم وزن خودش معاوضه نموده و معامله دیگری بین اجرت و دستمزد آن قرار دهند.

۱۵۷. اگر زرگر ۱۰۰ گرم طلای کهنه‌ی خود را به سازنده‌ی طلا تحویل دهد تا ۱۰۰ گرم طلای نواز او تحویل بگیرد و هنگام معامله با سازنده‌ی طلا، شرط کند که به جای اجرت ساخت، هم معادل با مقدار اجرت آن، طلای کهنه (مثلاً ۱۰ گرم)

تحويل دهد، آیا این کار صحیح است؟ و اگر طلاگران شود باید اجرت ساخت را بر اساس قیمت قبلی طلا محاسبه نماییم و یا قیمت فعلی؟

ج ۱: اگر اجرت ساخت را معین کنند، اشکال ندارد.

ج ۲: اجرت ساخت را باید هنگام قرارداد معین کنند و طبق شرط، معادل همان اجرت تعیین شده، طلا بگیرد.

۱۵۸. آیا می توان ده مثقال طلای خالص دست دوم را با ده مثقال طلای غیر خالص (مثلاً طلای تزئین شده به نگین) معاوضه کرد؟

ج: طلای خالص در صورتی که سنگین تر از طلای غیر خالص باشد معاوضه صحیح است.

تبصره: در معاوضه طلا با طلا باید هم وزن باشند ولی اگر یکی از طلاها سنگین تر باشد باید در مقابل آن پول یا چیز دیگر (مثل نگین) قرار گیرد.

۱۵۹. اگر مشتری ۳۰ گرم طلای کهنه به زرگر بفروشد تا بعد از ۹ ماه ۳۰ گرم طلای نو از او تحويل بگیرد، آیا این معامله شرعاً صحیح است؟

ج: معامله طلا در برابر طلا، بصورت نسیه جایز نیست.

* معاوضه سکه با سکه

۱۶۰. آیا تفاوت وزن در تعویض یک نوع سکه طلا به سکه ای از نوع دیگر اشکال دارد؟

ج: در معامله طلا به طلا، سکه باشد یا غیر سکه، در صورتی که وزن یکی از آنها زیادتر از دیگری باشد، معامله حرام و باطل است.

۱۶۱. آیا معاوضه یک سکه طلای بهار آزادی، با دو نیم سکه بهار آزادی اشکالی دارد؟ اگر فروشنده ی نیم سکه ها، علاوه بر تعویض، خواهان دریافت مقداری

پول نقد هم باشد، آیا این کار از نظر شرعی صحیح است؟

ج: معاوضه یک سکه در مقابل دو سکه در صورتی که وزن آنها یکسان باشد، صحیح است. ولی گرفتن مبلغ اضافی ربا بوده و حرام است و معامله باطل خواهد بود.

۱۶۲. سکه بهار آزادی طرح قدیم با سکه بهار آزادی طرح جدید تفاوت قیمت دارد، در حالی که جنس و مقدار هر دو یکی است. آیا این اختلاف قیمت و دریافت مبلغی اضافی در موقع تعویض این دو نوع سکه، اشکال دارد؟

ج: معاوضه موارد مذکور صحیح نیست؛ در معامله دو سکه‌ی هم وزن، گرفتن چیز اضافی ربا بوده و حرام است. مگر اینکه معاوضه‌ی مذکور در ضمن دو معامله انجام شود مثلاً سکه بهار آزادی طرح جدید را به فلان مبلغ معین بخرد سپس سکه بهار آزادی طرح قدیم را به فلان مبلغ معین بفروشد که در این صورت کم و زیاد بودن مبالغ آن‌ها اشکال ندارد.

* تعویض نقره با نقره یا طلا

۱۶۳. آیا می‌توان انگشتر نقره‌ای که شکسته با یک انگشتر سالم معاوضه نمود؟ اگر فروشنده مقداری پول اضافی هم بخواهد، آیا معامله صحیح است؟

ج: اگر نقره را به نقره بفروشند، در صورتی که وزن یکی از آن‌ها زیاده‌تر باشد، معامله حرام و باطل است. مگر اینکه در مقابل نقره‌ای که وزن آن زیاده‌تر است پول یا چیزی پرداخت گردد.

۱۶۴. آیا در معاوضه مستقیم طلا با نقره، لازم است وزن آن‌ها مساوی باشد تا معامله صحیح شود؟

ج: اگر طلا را به نقره، یا نقره را به طلا بفروشند معامله صحیح است، و لازم نیست وزن آن‌ها مساوی باشد.



* استفاده مردان

✽ استفاده از طلا و پلاتین

۱۶۵. استفاده از پلاتین بعنوان انگشتر و گردنبند و امثال آن برای مرد چه حکمی دارد؟ و آیا باعث بطلان نماز می شود؟

ج: پلاتین طلا نیست و استفاده از آن اشکال ندارد.

۱۶۶. اگر در مراسم ازدواج، برای داماد انگشتر طلا بخرند؛ الف) آیا می تواند آن را قبول کند ولی استفاده نکند، یا آن را به همسر خود هدیه دهد یا بفروشد؟ ب) پولی که از فروش انگشتر بدست می آورد حلال است؟

ج: اگر طلا مخصوص مردان نباشد و مشترک بین زن و مرد باشد بقصد اینکه به همسرش بدهد یا بفروشد می تواند قبول کند و خرید و فروش آن اشکالی ندارد ولی اگر طلایی است که مخصوص مردان است و زنان از آن استفاده نمی کنند، قبول آن برای استفاده جایز نیست و خرید و فروش آن حرام است، مگر این که قبول کند به قصد ذوب کردن آن و به کسی بفروشد که آن را ذوب کند.

☆ استفاده از طلا بدون قصد زینت

۱۶۷. استفاده مردان از طلا بدون قصد زینت و بدون اینکه دیگران ببینند، آیا اشکال شرعی دارد؟

ج: پوشیدن طلا، خواه حلقه انگشتری باشد یا غیر آن، برای مردان مطلقاً حرام است هر چند به قصد زینت نباشد و از دید دیگران مخفی باشد.
۱۶۸. استفاده از طلا برای مردان به مدت کوتاه مانند لحظه عقد چه حکمی دارد؟
ج: پوشیدن طلا برای مرد حرام است و فرقی بین مدت کم یا زیاد نیست.

☆ استفاده از طلا در نماز

۱۶۹. استفاده مردان از طلای سفید، زرد و پلاتین بصورت انگشتر، گردنبند و مانند آن در نماز چه حکمی دارد؟

ج: به دست کردن انگشتر طلا (زرد و سفید) یا آویختن گردنبند طلا (زرد و سفید) برای مردان در هیچ حالی جایز نیست و نماز با آن هم بنا بر احتیاط واجب، باطل است. ولی پلاتین اشکال ندارد.
۱۷۰. اگر شخصی نمی داند که استفاده از طلا برای مرد باعث باطل شدن نماز می شود؛ حکم نمازهای خوانده شده، چیست؟

ج: اگر احتمال هم نمی داده که سوال کند، نمازهای گذشته صحیح است.
۱۷۱. همراه داشتن طلا برای مرد مخصوصاً برای فروشندگانی که شغل آنها طلافروشی است در نماز چه حکمی دارد؟ (مثلاً طلا را در جیب خود بگذارد).
ج: همراه داشتن طلا اشکال ندارد.

۱۷۲. اگر کسی انگشتر پلاتین بخرد بعد از مدتی متوجه شود که فروشنده طلای سفید به او داده، آیا نمازهای خوانده شده با آن انگشتر باطل است؟
ج: در فرض سؤال نمازهای خوانده شده صحیح است و قضاء ندارد.
۱۷۳. اگر شک کند که انگشتر یا لباسش از طلاست نماز خواندن با آن چه حکمی دارد؟
ج: پوشیدن آن در نماز جایز است.

۱۷۴. حکم پوشیدن لباسی که در آن طلا و نقره بکار رفته، چیست؟ و نماز خواندن با آن لباس برای مردان و زنان چه حکمی دارد؟
ج: پوشیدن لباس طلا بافت (نه نقره) برای مرد حرام و نماز با آن باطل است، ولی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

✽ استفاده از طلا توسط پسر نابالغ
۱۷۵. آیا پسر می تواند قبل از بلوغ از طلا استفاده کند؟
ج: اشکال ندارد.

✽ مدال طلای ورزشکاران مرد
۱۷۶. مدال های طلا که ورزشکاران مرد به گردن شان می آویزند، چه حکمی دارد؟
آیا با آن حال می توانند نماز بخوانند؟
ج: دریافت مدال طلا اشکال ندارد؛ ولی به گردن انداختن آن برای مردان جایز نیست و بنابراین احتیاط واجب باعث بطلان نماز می شود.
۱۷۷. اگر مدال ورزشکاران مرد از جنس طلا نباشد ولی روکش طلا داشته باشد، حکم به گردن آویختن و نماز خواندن با این حال چیست؟
ج: اگر روکش طلا داشته باشد به گردن آویختن آن جایز نیست و نماز با آن بنابراین احتیاط واجب باطل است اما اگر روی آن آب طلا داده باشند، اشکال ندارد.

✽ استفاده مردان از بدلیجات
۱۷۸. مدتی است که گردنبندها و دستبندهایی برای مردان رایج شده است که گاهی نشانه فرقه و گروه خاصی می باشد و گاهی نیز فقط جنبه تزئینی و زیبایی دارند. هر چند گاهی این وسائل ظاهر طلایی رنگ دارند ولی معمولاً از جنس طلا نیستند، با توجه به این توضیحات حکم استفاده از این وسائل برای مردان چیست؟

ج: اگر مفساد اجتماعی نداشته باشد استفاده‌ی آن‌ها فی نفسه اشکال ندارد؛ اما اگر ترویج فرهنگ غربی معارض با فرهنگ اسلامی محسوب شود جایز نیست، و تشخیص آن موکول به نظر عرف است.

* استفاده زنان

☆ استفاده از زیورآلات مقابل نامحرم

۱۷۹. منظور از زینت چیست که خانم‌ها باید از نامحرم بپوشانند؟

ج: به زینت‌هایی گفته می‌شود که جزء بدن شخص به شمار نمی‌رود، (مانند انواع زیورهای طلا و جواهر)، و هم به آرایش‌هایی گفته می‌شود که به بدن شخص متصل بوده و گویی جزئی از اوست؛ (همانند سرمه و رنگ مو). علاوه بر این، خود زیبایی‌های طبیعی بدن (اندام و زیبایی‌های بدن) نیز زینت به شمار می‌رود، و در کل هر چیزی که عرفاً زینت محسوب گردد بانوان باید آن‌ها را در برابر مرد نامحرم بپوشانند. البته صورت و دست‌ها تا مچ از اندام‌هایی هستند که اگر بدون زینت باشند از این حکم مستثنی می‌باشند.

۱۸۰. اگر گوشواره از روسری بیرون باشد در صورتی که هیچ قسمتی از گردن و گوش

بیرون نباشد، در مقابل نامحرم اشکال دارد؟

ج: بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

۱۸۱. آیا هر نوع انگشتری (طلا، عقیق، بدلیجات و...)، ساعت و عینک طبی زیبا برای

زنان زینت محسوب می‌شود که باید از نامحرم بپوشانند؟

ج: تشخیص اینگونه امور به عهده عرف می‌باشد و اگر عرفاً زینت محسوب شود، برای زنان لازم است از نگاه نامحرم بپوشانند.

۱۸۲. آن مقدار از زیورآلات زنان که ظاهر است مثل حلقه نامزدی آیا واجب است از

نامحرم پوشانده شود؟ چنانچه شوهر به این کار اصرار نماید، وظیفه چیست؟

ج: هر آنچه عرفاً زینت محسوب می‌شود باید از نگاه نامحرم پوشانیده

شود. (سایت رهبری - استفتائات جدید)

☆ استفاده از طلای منقوش به اسماء متبرکه

۱۸۳. حکم استفاده خانم‌ها از طلایی که (انگشتر، گردنبند و...) روی آن آیه قرآن یا

اسماء و اوصاف الهی و یا اسم معصومین علیهم‌السلام نوشته شده، چیست؟

ج: در صورتی که طهارت (وضو یا غسل) نداشته باشند باید از برخورد دست یا بدن با نوشته‌های قرآنی و اسماء متبرکه خودداری نمایند.

۱۸۴. رفتن به دستشویی با طلایی که روی آن آیه قرآن یا اسماء و اوصاف الهی و یا

اسم معصومین علیهم‌السلام نوشته شده، چیست؟

ج: اگر باعث هتک و بی‌حرمتی نشود، اشکال ندارد.

۱۸۵. انداختن گردنبندی که روی آن آیه قرآن یا اسماء و اوصاف الهی و یا اسم

معصومین علیهم‌السلام نوشته شده، به گردن بچه نابالغ یا دیوانه چه حکمی دارد؟

ج: جلوگیری بچه و دیوانه از مس نمودن قرآن و اسماء متبرکه واجب نیست ولی اگر مس نمودن آنان بی‌احترامی باشد باید از آنان جلوگیری کنند.

۱۸۶. گردن بندی که روی آن اسماء متبرکه به صورت برجسته حک شده، اگر روی آن

چسب یا پلاستیک بچسبانیم در صورتی که باز آن برجستگی مشخص باشد آیا

تماس دست یا بدن با آن نیاز به طهارت (وضو و غسل) دارد؟

ج: نیاز به طهارت دارد.

۱۸۷. اگر انگشتری با نقش اسماء متبرکه در چاه فاضلاب بیفتد، وظیفه چیست؟

ج: بیرون آوردن و آب کشیدن آن اگر چه خرج داشته باشد واجب

است و اگر بیرون آوردن آن ممکن نباشد، باید از آن دستشویی استفاده

نکنند تا یقین کنند آن نقش از بین رفته است.

☆ استفاده از ظروف طلا و نقره

☆ خوردن و آشامیدن

۱۸۸. استفاده از ظروفی که از مخلوط طلا یا نقره ساخته شده، برای خوردن و

آشامیدن چه حکمی دارد؟

ج: استفاده از ظرفی که از فلز مخلوط با طلا یا نقره ساخته می‌شود، در صورتی که مقدار فلز زیاد باشد به طوری که به آن، ظرف طلا یا نقره گفته نشود، مانعی ندارد.

تبصره: همان طوری که قبلاً ذکر شد، خوردن و آشامیدن در ظرفی که از طلا و نقره ساخته شده، حرام است. لیکن نگهداشتن آن یا استفاده‌های دیگر از آن - غیر از خوردن و آشامیدن - حرام نیست.

۱۸۹. حکم ظرفی که دستگیره‌اش از طلا و نقره است مثل استکان، چیست؟

ج: اگر به گونه‌ای است که بعد از برداشتن استکان، به گیره استکان ظرف گفته شود، استفاده از آن حرام است.

۱۹۰. استفاده از ظرفی که از جنس آهن یا مس است ولی روی آن آب طلا یا آب نقره داده‌اند، برای خوردن و آشامیدن چه حکمی دارد؟

ج: استعمال ظرفی که روی آن را آب طلا یا آب نقره داده‌اند، اشکال ندارد.

۱۹۱. در بازار بستنی‌هایی عرضه می‌شود که در آن از پودر طلا استفاده می‌شود تولید و خرید و فروش پودر طلا برای استفاده در چنین بستنی‌هایی چه حکمی دارد؟ ج: فی نفسه اشکال ندارد.

✽ استفاده جهت تزئین

۱۹۲. حکم استفاده و نگهداری از ظروف طلا و نقره جهت تزئین دکوراسیون منزل و

کارهای تزئینی دیگر، چه حکمی دارد؟

ج: اشکال ندارد.

*** تطهیر طلای نجس**

۱۹۳. فلزاتی مثل طلا اگر در حین ذوب و قالب گیری نجس شوند، چگونه پاک می شوند؟
ج: اگر طلای نجس و مانند آن را ذوب کنند و سپس آب بکشند، ظاهر آن پاک می شود.

*** وضو گرفتن از ظرف طلا و نقره**

۱۹۴. وضو گرفتن از ظروف طلا و نقره چه حکمی دارد؟
ج: اشکال ندارد.

*** خمس طلا و جواهر**

۱۹۵. نحوه ی تعیین ابتدای سال برای پرداخت خمس برای زرگر چگونه است؟
ج: شروع سال خمسی نیاز به تعیین از سوی خود مکلف ندارد، بلکه خود بخود بر اساس چگونگی حصول درآمد سالانه متعین می شود. بنا براین ابتدای سال خمسی امثال کارگران و کارمندان از اولین روز امکان دریافت اولین درآمد از درآمدهای کار و کارمندی است، و سال خمسی تجار و مغازه داران از تاریخ شروع به خرید و فروش است و مکلف در مورد شمسی یا قمری بودن سال خمسی مختیر است.

۱۹۶. آسانترین راه ممکن برای پرداخت خمس توسط صاحب مغازه چیست؟

ج: هر چه کالا و پول نقد دارد، در سر سال خمسی حساب کرده و قیمت‌گذاری می‌کند و سپس مجموعه‌ی آن را با سرمایه اصلی می‌سنبجد، اگر چیزی اضافه بر سرمایه موجود باشد، سود محسوب می‌شود و به آن خمس تعلق می‌گیرد.

تبصره: افزایش قیمت که ناشی از تورم باشد یعنی ارزش پول کم شده بطوری که همه اجناس با پول بیشتر معامله می‌شود خمس ندارد.

۱۹۷. آیا به خود مغازه، وسایل و طلاهای داخل مغازه، خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: سرمایه خمس دارد مگر اینکه بمقداری باشد که با پرداخت خمس آن درآمد کسب با بقیه، کافی به هزینه زندگی او نیست و یا اینکه کسب با بقیه مناسب با شأن عرفی او نیست در این دو صورت خمس ندارد.

۱۹۸. زرگری سال قبل خمس اموال خود را پرداخت کرد اگر امسال ارزش ریالی اموالش به علت نوسانات قیمت طلا، کمتری یا بیشتر از مقدار سال قبل باشد،

نحوه ی محاسبه خمس چگونه خواهد بود؟

ج: سرمایه به مقداری که سر سال خمسی به آن دسترسی دارد را باید به قیمت روز محاسبه کند و خمس مازاد بر ارزش سال گذشته را بدهد و لکن مقداری از افزایش قیمت که ناشی از تورم باشد یعنی ارزش پول کم شده بطوری که همه اجناس با پول بیشتر معامله می‌شوند خمس ندارد.

۱۹۹. به خاکِ طلاکه در کارگاه‌های ساخت طلا جمع‌آوری می‌شود خمس تعلق می‌گیرد؟

ج: هر چیزی که از منفعت کسب به دست آمده و دارای ارزش مالی است اگر سر سال خمسی باقی بماند خمس به آن تعلق می‌گیرد.

۲۰۰. اگر طلافروش بخواهد خمس طلاهای موجود در مغازه را بپردازد؛ باید از

خود طلاها خمس را پرداخت کند یا می‌تواند قیمت آن‌ها را محاسبه نموده و پول آن را بپردازد؟ و در پرداخت قیمت، ملاک قیمت خرید طلاست یا

قیمت روز پرداخت؟

ج: اگر کالایی سر سال خمسی اضافه شده باشد یا از خود کالا خمس را پرداخت کنید و یا اگر قصد دارید خمس را از قیمت آن ها بدهید، ملاک قیمت عادلانه بازار در روز پرداخت است.

تبصره: پولی که به عنوان خمس در عوض کالا پرداخت می شود اگر از درآمد کسب سال جدید باشد باید جداگانه خمس آن هم پرداخت شود.

۲۰۱. اگر زرگر خمس اموال (خود مغازه، طلای موجود در مغازه، پول نقد در حساب بانکی و هر چیزی که در مغازه یا منزل به آن خمس تعلق می گیرد) خود را بپردازد مثلاً مجموع سرمایه امسال دویست میلیون تومان شد و چهل میلیون تومان آن را خمس داد، اگر سال بعد سر سال خمسی مجموع سرمایه اش سیصد میلیون تومان بشود، باید خمس سیصد میلیون تومان را بپردازد یا فقط صد میلیون اضافه شده را؟

ج: اموالی که به آن ها خمس تعلق می گیرد سه گروه هستند:

گروه اول: سرمایه ثابت، که شامل محل کار یا ابزار کار می باشد. مانند مغازه و وسایل موجود در آن. این گروه یک مرتبه که خمسش پرداخت شد تا زمانی که آن را نفروخته دیگر مورد محاسبه خمس قرار نمی گیرد و مابه التفاوت قیمت خرید و فروش در سال فروش جزء درآمد بین سال محسوب می شود. گروه دوم: سرمایه در گردش؛ (کالاهایی که برای کسب درآمد مورد خرید و فروش قرار می گیرد). مانند طلاهایی که موجود در مغازه است و برای معامله خرید و فروش می شود. خمس مازاد بر سال گذشته آن ها را باید به قیمت روز محاسبه کند. گروه سوم: وجه نقد و اموال مصرفی؛ اگر عین وجه مذکور یا مال مصرفی که قبلاً خمسش را داده است موجود است خمس ندارد ولی اگر تغییر کرده و از درآمد ناشی از کسب در بین سال باقی مانده است باید خمس آن را بپردازد.

۲۰۲. با توجه به اینکه سرمایه و بدهی طلافروشان به همکاران خود (طلاساز و طلافروش) معمولاً از جنس طلا است هنگام محاسبه خمس چگونه باید حساب کنند؟ آیا قیمت خرید لحاظ شود یا قیمت روز؟

ج: سرمایه در گردش باید به قیمت روز، خمس آن‌ها محاسبه شود.

۲۰۳. اگر فردی همراه از درآمدش برای همسرش طلا بخرد، آیا طلاها خمس دارد؟

ج: اگر به همسرش ببخشد و به مقدار متعارف و مناسب شأن او (شوهر) باشد، از مؤونه سال محسوب می‌شود و خمس ندارد.

۲۰۴. خمس سکه طلا که قیمت آن‌ها همیشه در حال تغییر است، چگونه است؟

ج: اگر قصد دارد خمس را از قیمت آن‌ها بدهد، ملاک، قیمت سر سال خمس است.^۱

۲۰۵. انگشتر طلا که مورد استفاده مردان قرار می‌گیرد با وجود حرام بودن، می‌تواند

جزء هزینه‌های زندگی محسوب شده و خمس به آن تعلق نگیرد؟

ج: پولی که برای هزینه‌ی خرید وسایل حرام، مثل انگشتر طلای مردانه، آلات لهو و لعب، ابزار قمار و مانند آن می‌شود، جزء مؤونه حساب نمی‌شود و باید خمس آن پرداخت شود.

۲۰۶. زنی سرویس طلا خریده و سال خمسی آن نزدیک است. ملاک اینکه گفته

می‌شود این طلا استفاده شده و مشمول خمس نمی‌باشد، چیست؟

(به عبارتی ملاک عدم وجوب خمس در مؤونه، استفاده از آن در طول سال است یا اینکه

نیاز به آن در طول سال کافی است هر چند موردی برای استفاده از آن پیش نیاید؟)

ج: معیار عدم تعلق خمس به آن، صدق عنوان نیاز به آن مطابق با شأن عرفی مناسب با انسان است، هر چند در طول سال از آن استفاده نشود.

۲۰۷. زنی مقداری طلا دارد و بیشتر وقت‌ها از آن‌ها استفاده نمی‌کند ولی گاهی آن‌ها

را به محارم خود می‌دهد تا در جشن عروسی یا مهمانی استفاده کنند، آیا سر سال، خمس به آن‌ها تعلق می‌گیرد؟

ج: اگر طلای موجود را با درآمد کسبش خریده است و بیشتر از مقدار متعارف و شأن عرفی او باشد، باید خمس آن را بدهد و طریق مذکور برای فرار از خمس کافی نیست.

۱. یعنی اگر بخواهد خمس را از خود سکه‌ها بدهد آن وقت قیمت ملاک نیست مثلاً پنج سکه مازاد بر مؤونه سال دارد اگر یکی از سکه‌ها را بپردازد، کافی است.

* زکات سکه و زیورات

۲۰۸. آیا سکه بهار آزادی در صورت رسیدن به حد نصاب طلای مسکوک، زکات

دارد یا خیر؟

ج: سکه بهار آزادی در موقعیت کنونی سکه رایج معاملی محسوب نمی‌شود و زکات ندارد.

۲۰۹. آیا به طلا و نقره‌ای که در مغازه طلافروشی موجود است و یا به طلا و جواهری

که خانم‌ها استفاده می‌کنند، زکات تعلق می‌گیرد؟

ج: به طلای غیرمسکوک زکات تعلق نمی‌گیرد و سکه‌های رایج فعلی هم زکات ندارند.

* شراکت در معامله

۲۱۰. آیا شراکت با کسی که حلال و حرام را مراعات نمی‌کند چه در معاملات و چه

در اعمال دیگر، جایز است؟

ج: اگر مالی را که برای شراکت آورده است حرام بودنش معلوم نیست و قرارداد شراکت نیز برای معاملات حلال انجام شده است، شراکت اشکال ندارد. اما اگر آن شخص با معاملات حرام مالی را به دست آورد جزو درآمدهای شرکت محسوب نمی‌شود.

۲۱۱. شریک بنده حلال و حرام را در خرید و فروش مراعات نمی‌کند، تکلیف بنده

نسبت به سودهای حاصله چیست؟

ج: درآمدهای حرام جزو سود شرکت محسوب نمی‌شود و تصرف در آن جایز نیست.

۲۱۲. حکم شریک شدن با غیرمسلمانان، چیست؟

ج: همکاری و معامله با کافر، فی نفسه اشکال ندارد، مشروط به این که آن کار از کارهای حرام و خلاف مصالح عمومی اسلام و مسلمانان نباشد.

* اجاره مغازه زرگری

۲۱۳. برای اجاره مغازه دریافت قرض الحسنه (رهن عرفی) یا کم و زیاد کردن قرض

الحسنه (رهن عرفی) در مقابل اجاره بها چه حکمی دارد؟

ج: بطور کلی اجاره به شرط قرض صحیح است (مثلاً اگر صاحب مغازه به مستأجر بگوید: «مغازه ام را به این مبلغ معین - مثلاً ده هزار تومان - به شما اجاره دادم به شرط اینکه فلان مبلغ معین - مثلاً صد هزار تومان - به من قرض الحسنه بدهید» و مستأجر قبول کند، اشکال شرعی ندارد)، ولی قرض به شرط اجاره، صحیح نیست، و در صورت اول هم باید اجاره به نحو متعارف باشد، یعنی به اندازه ای کم نباشد که عرفاً اجاره بر آن صدق نکند، و از همین جا معلوم شد اجاره به شرط رهن کامل (یعنی در قبال دریافت قرض، هیچ مبلغی را از مستأجر طلب نکند) نیز صحیح نمی باشد و در هر صورت نماز و وضویی که در مغازه با رضایت و اجازه صاحب مغازه انجام شده صحیح است.

۲۱۴. اجاره مغازه بصورت تمام رهن (بدون اجاره بها) چه حکمی دارد؟

رهن کامل صحیح نیست. ولی اگر خانه یا مغازه به مبلغ متعارفی اجاره داده شود و در ضمن عقد اجاره شرط شود که مستأجر مبلغی را به صاحب خانه یا مغازه قرض دهد، اشکال ندارد.

تبصره: رهن کامل یعنی مستأجر پولی را به عنوان قرض به موجر بدهد و در مقابل، از منفعت مغازه یا خانه (سکونت) استفاده کند و هیچ اجاره ای را به موجر ندهد، و خود پول چون قرض است بعد از تمام شدن مدت اجاره به صاحبش برگردانده شود و این همان ربای قرضی است و حرام است. یعنی در مقابل قرض، شرط اضافه شود و لو اینکه آن چیز اضافه، منفعت باشد. (مثل سکونت خانه).

۲۱۵. اجاره کردن مغازه از کسی که اهل نماز و خمس نیست، چه حکمی دارد؟

ج: اصل اجاره کردن اشکالی ندارد ولی با رعایت شرایط امر به معروف و نهی از منکر طرف را امر به نماز و خمس کند.

* اجاره طلا

۲۱۶. اگر طلافروش، چند سرویس طلا را مشخص کرده تا آن‌ها را به مشتریان خود به مدت یک یا چند روز اجاره بدهد آیا این کار و سود حاصله اشکال دارد؟
ج: اجاره مذکور شرعاً صحیح بوده و سود حاصله حلال است.

۲۱۷. اگر طلای اجاره داده شده گم شود،

(الف) اجاره کننده مثل همان طلا را باید پس بدهد یا قیمت آن را؟

(ب) قیمت طلا براساس طلای کهنه محاسبه می‌شود یا طلای نو؟

(ج) اگر قیمت طلائوسان داشته باشد محاسبه قیمت چگونه خواهد بود؟

ج: (الف) اگر در عقد اجاره شرط ضمان مستأجر نشده باشد و افراط و تفریط در نگهداری آن نکرده باشد، ضامن نیست و در فرض ضمان اگر طلای مذکور مثلی باشد ضامن مثل آن است و الا ضامن قیمتش است.
(ب) اگر ضامن قیمت باشد براساس قیمت همان طلایی که گم شده است، محاسبه می‌شود.

(ج) در فرض ضمان اگر طلای مذکور قیمی باشد تنها ضامن قیمت آن با خصوصیات که دارد، می‌باشد. و احتیاط آن است که اگر قیمت متفاوت شده است، مصالحه نمایند.

۲۱۸. طلافروش، مقداری طلای دست دوم را براساس وزن آن‌ها اجاره می‌دهد و ماهیانه مبلغ معینی را دریافت می‌کند مثلاً ۱۰۰ گرم طلای کهنه را تحول می‌دهد و بعد از ۳ ماه، ۱۰۰ گرم طلا و اجرت سه ماه را پس می‌گیرد؛ آیا این کار شرعاً جایز است؟
ج: اگر طلافروش طلا را به مشتری اجاره داده باشد و بعد از سه ماه همان طلا را با اجرت بگیرد، اشکالی ندارد.

۲۱۹. طلافروشی مقداری طلا را برای نمایش در ویتترین مغازه‌اش اجاره می‌کند، از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟

ج: اجاره دادن طلا در صورتی که عین همان طلا باقی بماند و مدت اجاره و مبلغ اجاره هم معین باشد اشکال ندارد، (مثلاً طلافروش طلا را اجاره

می‌کند و برای نمایش در مغازه‌اش می‌گذارد و بعداً عین همان طلا را برمی‌گرداند و اجاره را هم به صاحب طلا می‌دهد. اشکال ندارد و پول اجاره نیز حلال است.)

۲۲۰. یک نوع معامله داریم که به خرید و فروش طلای کاغذی مشهور هست، یعنی در این نوع معامله هیچ طلایی بصورت فیزیکی رد و بدل نمی‌شود و فقط بصورت لفظی برای مدت معین معامله می‌شود و در موعد مقرر فقط سود یا ضرر معامله به قیمت روز محاسبه می‌شود، آیا چنین معامله‌ای از نظر شرع مقدس اسلام مشروع هست؟

ج: چنین معامله‌ای نافذ نیست و شرعاً اعتبار ندارد.

* ضرر و خسارت

۲۲۱. اگر مشتری هنگام امتحان کردن زیورآلات، آن را معیوب کند؛ خسارت آن بر عهده کیست؟ آیا مشتری حتماً باید آن را بخرد؟

ج: خسارت به عهده‌ی مشتری است اما واجب نیست آن را بخرد.

۲۲۲. اگر موقع دست کردن النگو یا بریدن طلای کهنه توسط مغازه دار، دست مشتری زخمی شود، آیا مغازه‌دار ضامن بوده و دیه دارد؟

ج: در این صورت دیه دارد.

* طلای پیدا شده

۲۲۳. مقداری طلا در مغازه پیدا شده، در صورتی که طلافروش نداند مال خودش است یا مال مشتری؟ وظیفه‌اش در قبال آن چیست؟

ج: اگر در مغازه‌اش چیزی را پیدا کند و نداند که مال خودش است یا مال دیگری، اگر غیر از خودش کسی داخل مغازه نشده باشد یا مشتری داخل شده اما طلا در جایی مانند پشت صندوق مغازه که مخصوص خودش است، پیدا شده است، پس آن چیز، مال خودش می‌باشد و اگر از آن جاهایی باشد که مشتری در آن تردد دارد یا در قسمتی از مغازه پیدا کرده که

نوعاً طلای خودش را قرار نمی‌دهد در این حالت طلای پیدا شده متعلق به خودش نیست. و آن چیز مال پیدا شده محسوب می‌شود و حکمش بر آن جاری می‌شود. و اگر در صندوقش چیزی را پیدا کند و نداند که مال خودش است یا دیگری، مال خودش می‌باشد. مگر آنکه دیگری دستش را در آن می‌برد یا چیزی در آن می‌گذارد پس باید به او معرفی کند؛ و اگر آن را انکار نمود مال خودش می‌باشد. ولی اگر ادعا نمود که مال من است طلافروش باید طلای پیدا شده را به او بدهد، و اگر بگوید: «نمی‌دانم» احوط مصالحه‌ی آن است. و اگر از یافتن صاحبش ناامید است باید به فقیر صدقه دهد.

۲۲۴. مقداری طلا از مشتری در مغازه طلافروش جا می‌ماند، اگر صاحب آن معلوم نباشد وظیفه طلافروش نسبت به آن چیست؟

ج: پس از ناامیدی از پیدا شدن صاحبان اشیاء مذکور از طرف صاحبان آن‌ها صدقه بدهد.

* محاسبه قرض بر اساس طلا

۲۲۵. کسی مبلغی پول قرض داده است، آیا می‌تواند آن را به قیمت طلا محاسبه کند و هنگام دریافت بدهی، بر اساس نرخ روز طلا محاسبه کند؟

ج: چنانچه پول را به او قرض داده، نمی‌تواند بیش از آن مقدار طلب نموده و آن را با نرخ روز طلا محاسبه و دریافت کند. اما اگر با پول مورد نظر از قرض گیرنده طلا خریده و به او طلا قرض داده است، در صورت پرداخت باید به همان میزان طلا پرداخت شود.

* تقاضای بدهکار

۲۲۶. اگر زنگریا مشتری از پرداخت بدهی خودداری کند و بدهی خود را انکار نماید آیا جایز است طلبکار حق خود را بطور پنهانی (تقاضای) یا به طریق دیگر مثل گران نوشتن فاکتور، بدهی خود را به دست آورد؟

ج: اگر بدهکار بدهی خود را انکار کند و یا بدون عذر در پرداخت آن کوتاهی نماید، طلبکار می‌تواند از اموال او تقاص نماید. اما اگر منکر باشد به اعتقاد این که حق با اوست یا نمی‌داند حق با طرف مقابل است، تقاص جایز نیست.

* ارزش یک نخود طلا

۲۲۷. ارزش هر نخود طلا که در بحث كفاره آمده چند مثقال امروزی است؟

ج: هر نخود شرعی، معادل با یک بیست و چهارم مثقال صیرفی (مثقال رایج در بازار) می‌باشد.^۱

تبصره: هر مثقال شرعی که در کتب فقهی آمده برابر با ۱۸ نخود است. بنابراین ۲۰ مثقال شرعی مساوی با ۱۵ مثقال معمولی (مثقال صیرفی) است.

* سوءاستفاده از طلای امانتی

۲۲۸. اگر مشتری، طلایی را از طلافروش امانت بگیرد تا به همسرش نشان بدهد ولی از آن در مجلس مهمانی استفاده کند و بعداً به بهانه اینکه همسرم پسند نکرده طلا را برگرداند؛ الف) آیا چنین کاری اشکال شرعی داشته و باعث ضامن شدن مشتری می‌شود؟ ب) اگر طلافروش مطلع شود می‌تواند تفاوت قیمت طلای دسته دوم و نورا از مشتری بگیرد؟

ج: این کار مشتری خیانت در امانت و حرام است و با این کار ضامن اجرت‌المثل کرایه این طلا در مدت استفاده می‌شود. و اگر طلا با این استفاده بعنوان طلای مستعمل و دست دوم محسوب شود مشتری ضامن ما به التفاوت قیمت طلای نو و طلای دست دوم نیز می‌باشد.

۱. مثقال شرعی هیجده نخود و مثقال صیرفی ۲۴ نخود است. (استفتائات امام خمینی رحمته‌الله)، ج ۳، ص ۴۷۴ پاورقی. هر گرم ۱۰۰۰ میلی گرم و هر میلی گرم یک سوت است. بنابراین هر گرم ۱۰۰۰ سوت است و هر نخود برابر است با ۱۹۲ سوت است.

* مالک بودن زن به زیورآلات

۲۲۹. آیا زیورآلات طلا که شوهر برای همسرش می‌خرد، از اموال شوهر محسوب می‌شود به طوری که بعد از وفاتش جزء ارث او می‌شود و باید بین ورثه تقسیم شده و همسرا و نیز سهم خود را می‌برد یا آنکه ملک زوجه است؟
ج: اگر جواهرات در اختیار و تحت تصرف همسرش باشد به طوری که در آن‌ها تصرفات مالکانه داشته باشد، حکم به ملکیت آن جواهرات برای او می‌شود مگر آنکه خلاف آن ثابت شود.

* استطاعت زن برای حج با وجود زیورآلات

۲۳۰. زنی که مقداری زیورآلات طلا برای زینت داشته باشد، که در صورت فروش آن‌ها، مستطیع می‌شود و از طرفی مال آن چنانی دیگری ندارد، آیا زیورآلات زنان از حکم استطاعت خارج است، یا باید آن‌ها را بفروشد و مستطیع شود؟
ج: اگر به زیورآلات نیاز داشته باشد و اضافه بر شأن او نباشد، با داشتن آن مستطیع نیست و واجب نیست آن را برای هزینه‌ی حج بفروشد.

* استخدام خانم در زرگری

۲۳۱. استخدام خانم‌ها در طلافروشی که اکثر مشتری‌ها خانم هستند جایز است؟
ج: فی نفسه جایز است.

* بیرون آوردن دندان طلای میت

۲۳۲. آیا بیرون آوردن دندان‌های مرده که از جنس طلا هستند، واجب است؟
ج: چنانچه موجب هتک و بی‌حرمتی به او نباشد، اشکال ندارد.

* زرگری و قانون مداری

∴ رعایت قانون

۲۳۳. آیا رعایت تمام قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران حتی در جزئیات و رعایت قوانین و دستورات اتحادیه‌ی صنوف طلا و جواهر (که جزء دولت نیست و بخش

خصوصی محسوب می شود) برای ساخت، خرید، فروش و تعمیر طلا و نقره و جواهر، لازم است؟ اگر کسی این قوانین را رعایت نکند، حکمش چیست؟

ج: مخالفت با قوانین و مقررات و دستورات دولت اسلامی که به طور مستقیم توسط مجلس شورای اسلامی وضع شده و مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفته اند و یا با استناد به اجازه قانونی نهادهای مربوطه وضع شده اند، برای هیچکس جایز نیست و در صورت تحقق مخالفت توسط فردی در این خصوص، بر دیگران تذکر و راهنمایی و نهی از منکر لازم است (البته با وجود شرایط نهی از منکر).

۲۳۴. آیا گزارش دادن از زرگری هایی که مقررات و قوانین مربوط به قیمت و مانند آن را مراعات نمی کنند به اتحادیه مربوطه، واجب و لازم است؟

ج: اول باید با رعایت تمام شرایط، امر به معروف کند اگر تأثیر نداشت به اتحادیه و تعزیرات معرفی کند.

❖ گران فروشی

۲۳۵. فروش زیورآلات به قیمتی گرانتر از قیمت مصوب اتحادیه صنف طلا و جواهر، چه حکمی دارد؟

ج: اگر قیمت یاد شده با استناد به اجازه قانونی از طرف مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان وضع شده است، مراعات آن لازم است.

۲۳۶. در تعویض طلا، طلافروش قیمت خرید طلای مشتری را بالاتر می گوید تا وی را جذب کند و طلای خودش را نیز به وی گرانتر می فروشد، حکمش چیست؟

ج: طلافروش می تواند طلای مشتری را به قیمت گران تر بخرد ولی برای فروش طلا باید قوانین نظام جمهوری اسلامی مراعات شود و اگر مشتری مغبون شود حق فسخ معامله را دارد.

❖ مالیات

۲۳۷. آیا مالیات دادن شرعاً واجب است؟

ج. مالیاتی که حکومت جمهوری اسلامی براساس قوانین و مقررات وضع می‌کند، پرداخت آن برکسانی که قانون شامل آنان می‌شود، واجب است. ۲۳۸. کسی تا حالا به شکل‌های مختلف از دادن مالیات خودداری کرده ولی الان

توبه نموده و می‌خواهد جبران کند، وظیفه‌اش چیست؟

ج: باید به اداره مالیات مراجعه کند و مالیاتهای معوقه خود را طبق قانون پرداخت کند.

۲۳۹. با توجه به اینکه به خاطر صادقانه نبودن فاکتورهای بعضی از فروشندگان که براساس آن مالیات تعیین می‌شود، مؤدیان مالیاتی معمولاً چند برابر فاکتورهای ارائه شده را ملاک مالیات قرار می‌دهند و در این شرایط اگر فروشنده‌ای میزان فروش واقعی را بیان کند مؤدیان به حساب دیگران با او برخورد کرده و مالیات بیشتری نسبت به فروش واقعی برای او تعیین می‌کنند و این باعث متضرر شدن فروشنده می‌شود، در این شرایط آیا فروشنده می‌تواند فروش واقعی خود را به مؤدیان مالیاتی گزارش نکند؟

ج: اگر مأمورین مالیاتی خلاف می‌کنند دلیل نمی‌شود که دیگران خلاف کنند، باید خلاف مأمورین را گزارش دهند.

۲۴۰. آیا می‌توان مالیات را به جای خمس حساب کرد؟

ج: مالیات پرداختی هر سال از مؤونه همان سال محسوب است، ولی از سهمین مبارکین (خمس) محسوب نمی‌شود، بلکه برآنان دادن خمس درآمد سالانه شان در زائد بر مؤونه سال به طور مستقل، واجب است.

❖ تعزیرات حکومتی

۲۴۱. با توجه به اینکه تعزیرات حکومتی، بر کنترل قیمت و مانند آن نظارت دارد، بعضاً در تخلفات جزئی، جریمه‌های سنگین می‌بندند که در حق زرگر اجحاف می‌شود آیا زرگر می‌تواند برای جلوگیری از اجحاف، به فاکتور صوری و دروغ متوسل شود؟ ج: خیر می‌تواند از دست مأمورین شکایت کند.

* استفاده از سایه بان

۲۴۲. استفاده از سایه بان جلوی مغازه زرگری، چه حکمی دارد؟

ج: اشکال ندارد. ولی باید طوری نصب شود که موجب اذیت عابرین نشود و خلاف مقررات نیز نباشد.

* مانع شدن از پارک ماشین

۲۴۳. اگر پارک ماشین در جلوی مغازه منع قانونی نداشته باشد، آیا مغازه دار می تواند با گذاشتن وسایلی از پارک ماشین اشخاص دیگر در جلوی مغازه جلوگیری کند؟

ج: این گونه امور تابع قوانین و مقررات مربوطه می باشد؛ و اگر خلاف آن عمل شود، جایز نیست. و همچنین اگر دیگران به لحاظ قانونی مجاز به پارک ماشین باشند ممانعت از پارک کردن کسی که زودتر به آن محل آمده، جایز نیست.

* استفاده از دوربین مدار بسته

۲۴۴. در زرگری ها برای نظارت و جلوگیری از سرقت، از دوربین های مدار بسته استفاده می شود، آیا فیلم و عکس های گرفته شده با این دوربین ها، می تواند به عنوان مدرک و شاهد، قابل استناد باشند؟

ج: اگر قاضی دادگاه قبول کند اشکالی ندارد.

* پروانه کسب

۲۴۵. اگر کسی برای سریعتر شدن روند اداری گرفتن پروانه کسب به مسئولان مربوطه مقداری پول نه به عنوان رشوه بلکه به عنوان هدیه پرداخت نماید (الف) مسأله چه حکمی دارد؟ (ب) حکم خرید و فروش و سودهای حاصله در این مغازه چیست؟

ج: رشوه دادن حرام است و با عوض کردن عنوان رشوه به هدیه باز حکم رشوه را دارد ولی خرید و فروش و سودهای حاصله حلال است.

۲۴۶. اگر کسی برای گرفتن پروانه کسب یا سریع‌تر گرفتن آن راهی به غیر از دادن پول به مسئول مربوطه نداشته باشد، چه حکمی دارد؟

ج: رشوه دادن حرام است.

۲۴۷. گرفتن مجوز پروانه کسب برای زرگری جهت استفاده از مزایای آن، در صورتی که مغازه‌ای در کار نباشد، چه حکمی دارد؟

ج: در صورتی که از نظر قانونی تخلف محسوب شود، جایز نیست.

* طلای قاچاق

۲۴۸. طلا و جواهری که از کشورهای دیگر بصورت قاچاق وارد کشور می‌شود؛ خرید و فروش آن‌ها چه حکمی دارد؟

ج: رعایت قوانین شرعاً واجب است.

* طلای سرقتی

۲۴۹. اگر شخصی مقداری طلا برای فروش بیاورد و طلافروش قبل از معامله متوجه شود که طلاها سرقتی است، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج: وظیفه طلافروش این است که اول سارق را تحویل مراجع قانونی دهد و بعداً اگر طلاها را گرفته و خطری او را تهدید نمی‌کند طلاها را نگهداری کند و اگر صاحب آن را می‌شناسد تحویل دهد و اگر نمی‌شناسد و راهی برای پیدا کردن صاحبش نیست، به فقیر بدهد.

۲۵۰. اگر شخصی مقداری طلا برای فروش بیاورد و طلافروش بعد از معامله متوجه شود که طلاها سرقتی است، چه وظیفه‌ای دارد؟

ج: اگر بعداً ثابت شود که مال دزدی بوده، باید از صاحب اصلی آن کسب تکلیف کرد و در صورت عدم اجازه، آن را به او برگرداند و اگر از بین رفته، باید جبران نماید.

* خرید طلای بدون فاکتور

۲۵۱. از طرف اتحادیه طلافروشان خرید طلای بدون فاکتور ممنوع است، اگرزرگری

بدون فاکتور طلا بخرد مرتکب کار حرام شده است؟

ج: اگر ممنوعیت اتحادیه مستند به اختیارات قانونی است که از طرف مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان دارد، رعایت آن لازم است. تبصره: در فرض فوق اگر شخصی طلای بدون فاکتور بخرد شرعاً کار حرامی انجام داده است (چون قوانین را رعایت نکرده) ولی معامله مذکور صحیح است. مگر اینکه از قرائن تشخیص دهد طلای مشتری، طلای سرقتی یا غصبی می باشد.

